

# کیمهان ۵۵۷

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباحزاده

جمعه ۲۱ تا پنجشنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۵ خورشیدی

سال چهل و دوم - شماره ۲۰۲۳

## آتش بس موقت

ارفاق به حکومت یا نفسگیری برای ضرب به نهایی؟

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند  
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت  
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل  
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند  
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت  
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل  
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

\*\*\*\*\*

**KAYHANLIFE**  
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- [https://t.me/kayhan\\_london](https://t.me/kayhan_london)

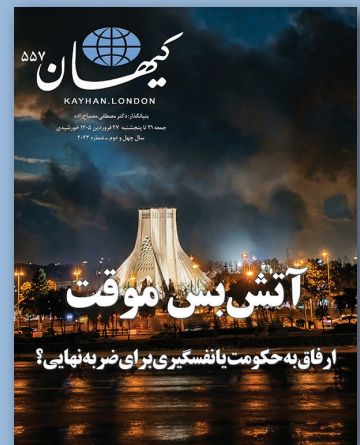
\*\*\*\*\*

10 New Square-Lincoln's Inn  
London WC2A 3QG  
Tel: 0044 (0)20 3633 3684  
e-mail:  
info@kayhan.london  
ads@kayhan.london  
editorial@kayhan.london  
www.kayhan.london  
www.kayhanlife.com

\*\*\*\*\*

سال چهل و دوم  
کیهان شماره ۲۰۲۳ (۵۵۷)

۱ تا ۲۷ فروردین ۱۴۰۵  
۱۰ تا ۱۶ آوریل ۲۰۲۶



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:  
[www.kayhan.london](http://www.kayhan.london)  
روابط عمومی:  
[info@kayhan.london](mailto:info@kayhan.london)  
آگهی و تبلیغات:  
[ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london)  
سردبیری:  
[editorial@kayhan.london](mailto:editorial@kayhan.london)

کیهان  
KAYHAN LONDON  
NEWS AND OPINION FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY  
وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی  
**KAYHANLIFE**  
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY  
[www.kayhanlife.com](http://www.kayhanlife.com)

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: جاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)»  
برای نخستین بار ایده‌گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد.  
عالمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن [ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london) و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.  
Satrap Publishing: Email: [satrap@bconnect.com](mailto:satrap@bconnect.com) [www.satrap.co.uk](http://www.satrap.co.uk)  
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD  
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30887, Bethesda, MD 20824-0087, USA  
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN  
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE  
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



نامه‌ها و عاشقانه‌ها  
حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی  
نوشته: داریوش پیرنیا  
به کوشش منصوره پیرنیا  
لطفا جهت تهیه کتاب "نامه‌ها و عاشقانه‌ها" با انتشارات مهرپیرنیا  
شماره تلفن: 3012796778 و یا 2406027273 در شرق آمریکا تماس حاصل نمایید.  
Web: [www.pirnia.com](http://www.pirnia.com) Email: [pirnia@pirnia.com](mailto:pirnia@pirnia.com)

# کیهان

## فهرست مطالب

سرمقاله - زخم ایران، ضعف جمهوری اسلامی و باور به همبستگی ملی برای پیروزی / نازنین انصاری ..... ۴  
تیر هفته - آتش بس موقت ارفاق به حکومت یا نفعگیری برای ضربه نهایی؟ ... / ..... ۴-۵

شاهزاده رضا پهلوی: جمهوری اسلامی هیچ راه گریز و بختی برای بقا ندارد و دوبه دستانتا بر قدرت شما... / ..... ۶  
ترامپ: از طریق احزاب کرد برای معتزضان ایرانی سلاح فرستادیم... / ..... ۷  
توافق آمریکای جمهوری اسلامی برای «دو هفته آتش بس»... / ..... ۸  
دونالد ترامپ: جمهوری اسلامی می تواند در یک شب از بین برود... / ..... ۸-۹  
فاینشال تایمز: بریتانیا در تدارک ائتلاف بین المللی برای تأمین امنیت «تنگه هرمز» پس از جنگ... / ..... ۹  
تحلیل سیاسی روز؛ صلح پایدار در گرو سقوط حکومت «عصر حج»... / ..... ۱۰-۱۱  
عروسی شروع پسند... / اخیر اندیش (احمد احرار) ..... ۱۱  
پشت دیوارهای بلند / از کاخ تازندان (۳) ... / آذر آریاپور ..... ۱۲-۱۳  
روزنامه «تلگراف»: چین در حال تأمین سوخت موشک های بالستیک جمهوری اسلامی است... / ..... ۱۴  
نزدیک شدن ضرب الاجل ترامپ؛ کاهش امید به توافق و نقش پررنگ وحیدی... / ..... ۱۵  
بلومبرگ: هیچ تضمینی برای ادامه آتش بس موقت میان آمریکای جمهوری اسلامی وجود ندارد... / ..... ۱۶  
توافق میان جمهوری اسلامی و آمریکا در اسلام آباد بعید است... / ..... ۱۶-۱۷  
دوران نبرد تاریکی؛ ولیعهد ۲۵ ساله؛ باز خواهیم گشت! (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / فرید خلیفی ..... ۱۷  
اخراج کاردار سفارت جمهوری اسلامی از آرژانتین... / ..... ۱۷  
تایمز: محتبی خانه ای در بیهوشی کامل؛ جمهوری اسلامی در بحران رهبری... / ..... ۱۸  
صدور دستور توقیف اموال بیش از ۱۰۰ شهروند ایرانی ساکن خارج از کشور... / ..... ۱۹  
واشنگتن پست: ضرب الاجل ترامپ و حمله به خاک؛ تهدید به نابودی یک «تمدن»... / ..... ۲۰-۲۱  
دوران نبرد تاریکی؛ خسارت هنگفت جنگ جمهوری اسلامی (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / فرید خلیفی ..... ۲۱  
پرو باگاندا و روایت سازی های جعلی؛ پایه مهم حفظ جمهوری اسلامی... / بهنام محمدی ..... ۲۱  
هشدار مجمع جهانی اقتصاد درباره اثرات بسته بودن تنگه هرمز بر عرضه جهانی ۱۰ کالای مهم و کاربردی... / ..... ۲۲  
جمهوری اسلامی مجوز عبور کشتی های حامل «کالاهای اساسی و بشر دوستانه» از تنگه هرمز را صادر کرد... / ..... ۲۳  
گزارش جشنواره نوروزی لااودردیل؛ گفتگو با سحر حقگو مدیر هنری و اجرایی سفره هفت سین... / ..... ۲۴  
گره زدن صلح به گروه تورستی حزب الله!... / بهنام محمدی ..... ۲۴  
جمهوری اسلامی محمد امین یگلی و شاهین واحد پرست، از بازداشت شدگان دی ۴۰۴ را اعدام کرد... / ..... ۲۴-۲۵  
دو آموزگار فرانسوی زندانی در ایران عازم پاریس شدند... / ..... ۲۵  
روزنامه «دبلیو میل»: آموزش نفرت به کودکان در اردوگاه های سپاه پاسداران، «فرقه مرگ» برای... / ..... ۲۶-۲۷  
تبریک ننانها به ترامپ برای نجات خلبان ها؛ می دانیم چه تصمیم شجاعانه ای گرفتی... / ..... ۲۷  
سقوط یک هواپیمای «اف-۱۸» آمریکا در ایران؛ جمهوری اسلامی و آمریکاهمزمان در جستجوی... / ..... ۲۸  
تکمیلی؛ عملیات نجات خلبان آمریکایی در ایران... / ..... ۲۸  
نجات دومین خلبان آمریکایی در ایران؛ ترامپ یکی از جسورانه ترین عملیات های تاریخ آمریکا بود... / ..... ۲۹  
موج بحران های بی سابقه در مطبوعات ایران؛ ده ها روزنامه نگار بیکار شدند... / ..... ۳۰  
فشار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای حضور کارگران در پالایشگاه های بمباران شده پارس جنوبی با... / ..... ۳۰-۳۱  
انسان به دورترین فاصله از زمین رسید؛ کوردی تاریخی شکسته شد... / ..... ۳۱  
قیمت نفت برنت تحویل فوری به بیش از ۱۲۴ دلار رسید... / ..... ۳۲  
گفتگوی ویژه «کیهان لندن»؛ روایت یک روحانی منتقد از زندگی... / افروز نور دستروم ..... ۳۳-۳۴  
مجدد خادمی رئیس سازمان اطلاعات سپاه (ساس) کشته شد... / ..... ۳۴  
اخراج کاردار سفارت جمهوری اسلامی از آرژانتین... / ..... ۳۵  
گفتگو با دکتر سارا آتبات؛ پرونده شکایت علیه جمهوری اسلامی به دادگاه کیفری بین المللی ICC... / ..... ۳۵  
مراسم نوروزی به یاد جاودانمان ایران در «خبر به یاران»... / ..... ۳۵  
آزادی بسیار نزدیک است... / نادر صدیقی ..... ۳۶-۳۷  
تجمع ایرانیان ساکن بریتانیا در مخالفت با مذاکره و سازش با جمهوری اسلامی... / ..... ۳۷  
در ادامه موج اعدام زندانیان سیاسی، ابوالحسن منتظر و وحید بنی عامر یان «اعدام» شدند... / ..... ۳۸  
جمهوری اسلامی علی فهمید از بازداشت شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ را اعدام کرد... / ..... ۳۸-۳۹  
کشته شدن حسین غاوی در بازداشتگاه سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی... / ..... ۳۹  
در تکی دو هفته ای تا ساعت ۲۵؛ جنگ روایت، وروان زخمی جامعه ایران... / بهزاد بریان ..... ۴۰-۴۱  
آتش بس یا سکوت قبل از طوفان؟... / مهدی نوذر ..... ۴۱  
در شرایط جنگ و قطع اینترنت؛ موج بیکاری و اخراج نیروی کار در ایران با پایان تعطیلات نوروزی... / ..... ۴۲  
زیوساخت های توهمی یا سنگ دروغ؛ ملت ایران در آستانه انتخابی سر نوشت ساز... / نادر کا کاوند ..... ۴۳  
«بر سر ساختها» پیش از این جنگ ویران شده اند!... / امیر دها ..... ۴۴-۴۵  
دوباره می سازمت وطن... / خلیل نیک خصال ..... ۴۵  
چه چیزی در ایران ویران شد که با پول بر نمی گزدد؟... / اس. روزه ..... ۴۶  
آرایش جنگی در بازار اجاره مسکن در ایران... / ..... ۴۷  
تداوم قطع سر اسری اینترنت در ایران با وجود آتش بس موقت میان جمهوری اسلامی و آمریکا... / ..... ۴۸  
ریش قیمت نفت و رشد بازارهای جهانی با اعلام آتش بس دو هفته ای میان آمریکا و جمهوری اسلامی... / ..... ۴۹  
خبرهای کوتاه... / ..... ۵۰-۵۱  
پشت جلد - عکس هفته / افزایش آمار اعدام زندانیان سیاسی در شرایط جنگی... / ..... ۵۲

بازنشر  
بازنشر



## آتش بس موقت

## ارفاق به حکومت یا نفسگیری برای ضربه نهایی؟

زخم ایران، ضعف جمهوری اسلامی،  
و باور به همبستگی ملی برای پیروزی

بیش از ۴۲ سال است که کیهان لندن همواره بر یک حقیقت تأکید داشته است: مردم ایران از توان، دانش و ظرفیت لازم برای ساختن کشوری آزاد، آباد، باثبات و پیشرو برخوردارند. امروز این حقیقت پس از ۴۷ سال سلطه‌ی جمهوری اسلامی، از همیشه روشن‌تر است.

اعتراضات میلیونی دی ماه ۴۰۴، حادثه‌های ناگهانی نبود. این رویداد تاریخی، نتیجه دهه‌ها ناراضی‌انباشته بود: از نخستین اعتراضات زنان علیه حجاب اجباری در ۱۷ اسفند ۵۷ تا اعتراضات دانشجویی ۱۳۷۸ و ۱۳۸۲ و سپس خیزش‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ و سرانجام جنبش «زن، زندگی، آزادی» در ۱۴۰۱. این اعتراضات همگی حامل یک پیام روشن و انکارناپذیر بودند: مسئله برای مردم ایران تنها چند سیاست شکست‌خورده یا تصمیم نادرست نیست؛ مسئله، خود نظام حاکم است.

بحران جمهوری اسلامی از درون خودش زاده شده. سوء مدیریت، فساد، سرکوب، و قربانی کردن منافع ملی ایران در پای یک ایدئولوژی آخرالزمانی، ریشه‌ی این فرسایش است. سخنان سید محمد میرباقری، عضو مجلس خبرگان، که رسیدن به «قرب الهی» را حتی با کشته شدن نیمی از مردم جهان قابل توجیه دانسته، نشان می‌دهد که چگونه در منطق این حکومت، جان انسان در برابر توهمات ایدئولوژیک بی‌ارزش می‌شود.

همین نگاه را می‌توان در اظهارات امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در «جنگ ۱۲ روزه» کشته شد نیز دید. او با افتخار از شبکه‌ای از شهرک‌های موشکی و پایگاه‌های زیرزمینی سخن می‌گفت که اگر هر هفته یکی از آنها رونمایی شود، دو سال طول می‌کشد! این سخنان اعترافی آشکار به سیاست‌های ضدایرانی رژیم است: جمهوری اسلامی بجای آنکه منابع کشور را صرف گسترش زیرساخت‌ها مانند مدارس، بیمارستان‌ها، حمل و نقل، ایمنی شهری و رفاه عمومی کند، آن را به ساخت تأسیسات نظامی زیرزمینی اختصاص داده است. این سیاست علاوه بر هزینه اقتصادی و انسانی، هزینه زیست محیطی نیز داشته؛ از تهدید قنات‌های تاریخی یزد و منابع آب زیرزمینی گرفته تا آسیب به چشم‌اندازهای طبیعی و میراث فرهنگی خرم‌آباد.

با اینهمه، جنگ اخیر آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی یک واقعیت مهم دیگر را نیز آشکار کرد: پیوند عمیق ایرانیان، با هر گرایش سیاسی، با خاک ایران، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشورشان. حتی وقتی رژیم کوشید مردم را با شعار دروغین «دفاع از وطن» به سپر انسانی تبدیل کند، نتوانست این حقیقت را مصادره کند.

اینک جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگری تضعیف شده. رژیمی که در ۳۸ روز نه تنها «بهر» و «ولی فقیه مطلقه» خود بلکه بخش‌های مهمی از نیروی دریایی، هوایی، زیرساخت‌های آبی و موشکی و پهپادی، فرماندهی نظامی و شبکه نیابتی خود را از دست می‌دهد، از هیچ بحرانی عبور نکرده بلکه دچار شکست استراتژیک شده است. اما تضعیف رژیم به تنهایی به نوازی ملی منجر نمی‌شود.

۴۷ سال حاکمیت جمهوری اسلامی، جامعه ایران را زخمی، خشکین و فرسوده کرده. خطر امروز این است که این خشم، بجای آنکه متوجه رژیم به عنوان مسبب اصلی این وضعیت شود، به سوی صداهای متفاوت یا هموطن دیگر منحرف گردد. این همان چیزیست که به سود جمهوری اسلامی تمام می‌شود. راه برون‌رفت و نجات، بازگرداندن خشم به منشأ واقعی آن و بازسازی حسن نیت میان ایرانیان است. اینجاست که ارزش انقلاب شیروخورشید نیز روشن می‌شود: نه انتقام و حذف، بلکه همبستگی ملی برای ساختن ایرانی آزاد و آباد. چنانکه شاهزاده رضا پهلوی گفته است: «نظامی را که بر بنیاد خشونت بنا شده، نمی‌توان اصلاح کرد. تنها یک راه پیش‌روست: پایان دادن به این رژیم!» و «هیچ نیرویی در جهان توان ایستادن در برابر قدرت یک ملت متحد را ندارد.» این مسیر با حفظ همبستگی ملی بی‌تردید به پیروزی می‌رسد.

نازنین انصاری | ایکس | ایستاگرام |



● در واکنش به اعلام آتش‌بس موقت، شاهزاده رضا پهلوی از مردم خواست دلسرد نشوند. او تأکید کرد که هنوز ماشین سرکوب نظام متوقف نشده و از مردم خواست شکیبا باشند. تأکید او همچنین بر نقش ایرانیان خارج از کشور برای اعمال فشار بر دولت آمریکا بود تا به دنبال معامله احتمالی با جمهوری اسلامی نباشد.

برخی از مقامات نظامی در آپارتمان‌ها و ویلاهایی هدف قرار گرفتند که حتی اهالی محل و ساکنان بومی آن مناطق نیز از محل اقامت آن‌ها و خانواده‌هایشان اطلاع نداشتند. حکومت که برای بقای خود می‌جنگید، غیرانسانی‌ترین تاکتیک‌ها را به کار گرفت: هدف‌گیری زیرساخت‌های نفتی کشورهای عربی منطقه، انسداد تنگه هرمز برای ایجاد بحران اقتصادی مقطعی و تشدید فشار بین‌المللی به دولت ترامپ - به دلیل افزایش قیمت نفت و انرژی - و استفاده از سپر انسانی در برابر حملات تلافی‌جویانه احتمالی. به این صورت که سپاه پاسداران و ارتش تأسیسات نفتی کویت، عربستان سعودی، بحرین و امارات را هدف قرار می‌دادند و برای جلوگیری از اقدام متقابل توسط آمریکا و اسرائیل، هواداران خود را - که شامل زنان و کودکان نیز بودند - در مجاورت نیروگاه‌ها، روی پل‌ها، خطوط ریلی و ایست‌های بازرسی مستقر می‌کردند.

## شکاف در میان هواداران حکومت

اعلام آتش‌بس موقت، شکاف درون جریان‌های مدافع حکومت را بشدت افزایش داد. بخشی از هواداران نظام متوجه شدند که فریب خورده‌اند. با آغاز جنگ، حکومت با کمک پروپاگاندا نوعی تقسیم کار ایجاد کرده بود: سپاه و ارتش با دشمن خارجی می‌جنگیدند و هواداران نظام در خیابان‌ها با «دشمن داخلی» و بطور ویژه حامیان شاهزاده رضا پهلوی. شعار این بود: «میدان یا تو، خیابان یا ما». در حالی که کشور زیر شدیدترین حملات بود، تبلیغ می‌شد که آتش‌بس بی‌معناست و تا تعیین تکلیف نهایی جنگ،

در چهلمین روز پس از آغاز جنگ میان آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی، طرفین با میانجیگری پاکستان پیشنهاد «آتش‌بس موقت دو هفته‌ای» را پذیرفتند. قرار شد جمعه ۲۱ فروردین ۱۴۰۵ نمایندگان آمریکا و جمهوری اسلامی - که مشخص نیست چه کسانی هستند - در اسلام‌آباد گفتگو کنند. در شرایطی که مقامات جمهوری اسلامی قویا اعلام کرده بودند زیر بار آتش‌بس نمی‌روند، اما به‌یکباره مجبور به پذیرش آن شدند؛ موضوعی که حتی طرفداران نظام را هم بهت‌زده کرد. چشم‌انداز این وضعیت چه خواهد بود؟ طی دوران جنگ، بیش از ۵۰ مقام ارشد جمهوری اسلامی، از جمله علی‌خامنه‌ای رهبر نظام، علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت، اسماعیل خطیب وزیر اطلاعات، عبدالرحیم موسوی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، مجید خادمی رئیس سازمان اطلاعات سپاه پاسداران و بسیاری دیگر از مهره‌های کلیدی نظام کشته شدند. چنین وضعیتی در تاریخ جنگ‌های معاصر جهان بی‌سابقه است؛ آن‌هم در شرایطی که شمار نظامیان آمریکا و اسرائیل که کشته شدند از ۱۰ نفر بیشتر تجاوز نکرد.

در این چهل روز، اصلی‌ترین مراکز و ساختمان‌های حکومت ویران شد: بیت علی‌خامنه‌ای، شورای عالی امنیت ملی، شورای دفاع، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان، ستادکل نیروهای مسلح، وزارت دفاع، مقرهای اطلاعات سپاه و نیروی انتظامی و هزاران هدف دیگر، از جمله فرودگاه‌ها، سایت‌های راداری، انبارهای مهمات، پایگاه‌ها، کلانتری‌ها، پادگان‌ها، خانه‌های امن، لانچرها و شهرهای موشکی.

→ مقاومت ادامه دارد.

اعمال فشار بر دولت آمریکا بود تا به دنبال معامله احتمالی با جمهوری اسلامی نباشد.

برخی معتقدند آتش‌بس، هرچند موقت، ضرورتی برای آمریکا نداشت. برخی دیگر می‌گویند پس از ۴۰ روز جنگ شبانه‌روزی، ارتش‌ها نیاز به تجدید قوا داشته‌اند. گروهی نیز بر این باورند که دستاوردهای جنگ باید در عرصه سیاسی

### اصرار سپاه به باج‌گیری

در دومین روز آتش‌بس اعلام شد که تنها دو تا چهار کشتی اجازه عبور از تنگه هرمز را پیدا کرده‌اند. سپاه پاسداران اعلام کرد: «ما تعیین می‌کنیم کدام کشتی از تنگه هرمز عبور کند و کدام نفت صادر شود.» جی‌دی ونس، معاون

اما پس از اعلام آتش‌بس موقت، همان‌هایی که ۴۰ شب در خیابان ماندند و به قول خودشان زیر سایه پهلادها و موشک‌ها پای انقلاب ایستادند، به‌زده شدند. سؤال آن‌ها این بود که چه کسانی در میانه جنگ از پشت خنجر زدند و مذاکره کردند؟ مداحانی که در این دوران شب‌ها برای



تثبیت شود و به نتیجه نهایی بینجامد. بعضی نگران‌اند که حکومت در همین دوره تجدید قوا کند، اما منطقی‌تر آنقدر خسارات زیاد است که در این مدت کوتاه حتا فرصت آواربرداری هم پیدا نخواهند کرد. بسیاری می‌گویند شاید مهم‌ترین کاری که حکومت در این دو هفته فرصت انجام آن را داشته باشد «چال کردن» رهبران باشد.

در چنین شرایطی، دو سناریوی کلی قابل تصور است: (۱) آتش‌بس ناپایدار یا صرفاً تاکتیکی است و آمریکا و اسرائیل در نهایت برای حمله‌ای بزرگ‌تر آماده خواهند شد. (۲) آمریکا به دنبال پایان جنگ و رسیدن به توافقی محدود با جمهوری اسلامی است. در این صورت، با تغییراتی محدود، تحریم‌ها کاهش می‌یابد؛ هرچند به نظر می‌رسد گزینه مطلوب اسرائیل چنین سناریویی نباشد.

جنگ با این ابعاد و گستردگی اگر در هر نقطه‌ای از جهان رخ می‌داد، موج میلیونی پناهندگان به کشورهای همسایه سرازیر می‌شد؛ اما وضعیت ایران منحصربه‌فرد است. در یک دو قطبی، هواداران حکومت برای حفظ نظام و مخالفان آن، به‌امید اینکه جنگ سازمان سرکوب را تضعیف کند تا فرصت برای بازگشت به خیابان فراهم شود، ایستادگی کردند. اتفاقاً شاهزاده رضا پهلوی نیز همین موضوع را مجدداً تأکید کرد: ضربه نهایی را باید مردم ایران وارد کنند.

رئیس‌جمهور آمریکا، هشدار داده بود که اگر تنگه هرمز باز نشود، آتش‌بس دوام نخواهد داشت.

ایوت کوپر، وزیر خارجه بریتانیا، هشدار داد که عبور و مرور کشتی‌ها از تنگه هرمز باید بدون عوارض باشد. در حالی‌که در تهران برنامه‌ریزی شده بود که به‌ازای هر بشکه نفت یک دلار از کشتی‌ها دریافت شود. از دیگر خواسته‌های بریتانیا این بود که لبنان نیز در توافق آتش‌بس گنجانده شود، اما اسرائیل اعلام کرده بود که موضوع لبنان ارتباطی به مسئله ایران ندارد.

از سوی دیگر، دونالد ترامپ نسبت به عدم همکاری شرکای اروپایی آمریکا و ناتو در جنگ با جمهوری اسلامی خشمگین است. او روز چهارشنبه پس از دیدار با دبیرکل ناتو، در تروث سوشال نوشت: «ناتو زمانی که به آن‌ها نیاز داشتیم کنار ما نبود و اگر دوباره هم به آن نیاز داشته باشیم، کنار ما نخواهد بود.»

### توصیه شاهزاده رضا پهلوی: «دل‌سرد نشوید»

در واکنش به اعلام آتش‌بس موقت، شاهزاده رضا پهلوی از مردم خواست دل‌سرد نشوند. او تأکید کرد که هنوز ماشین سرکوب نظام متوقف نشده و از مردم خواست شکبیا باشند. تأکید او همچنین بر نقش ایرانیان خارج از کشور برای

نظام تبلیغ می‌نمودند، تلاش کردند ولایت‌مداران معترض را قانع کنند که تصمیم نهایی با مجتبی خامنه‌ای بوده است؛ اما اختلافات میان آن‌ها علنی شد. در نخستین روز آتش‌بس موقت، میان هواداران نظام در خیابان‌ها درگیری لفظی - درست در همان جایی که متحد شده بودند - بالا گرفت.

این اختلافات حتی به پخش زنده تلویزیونی نیز کشیده شد. نقض مفاد پیشنهادی جمهوری اسلامی برای آتش‌بس و مذاکره از سوی آمریکا و اسرائیل، خشم آن‌ها را برانگیخت. حکومت بصورت علنی شروطی برای توقف جنگ اعلام کرده بود: دریافت عوارض از کشتی‌ها برای عبور از تنگه هرمز (به‌صورت ریالی یا ارز دیجیتال)، توقف حملات و تضمین عدم تکرار آن، خروج نیروهای آمریکایی از منطقه، پرداخت غرامت جنگ، رفع کامل تحریم‌ها و توقف حملات به حزب‌الله در لبنان. اما بدون اجرای هیچ‌یک از این شروط، حکومت تن به آتش‌بس داد.

این وضعیت بشدت هواداران نظام را خشمگین کرد و مداحانی را که شب‌ها از همبستگی و مقاومت سخن می‌گفتند، وادار به توجیه عقب‌نشینی نظام کرد. از سوی دیگر، انتقاداتی به دولت ترامپ نیز افزایش یافت، بویژه از سوی مخالفان حکومت. ترامپ وعده داده بود که در میانه جنگ مردم را تنها نگذارد.

# شاهزاده رضا پهلوی: جمهوری اسلامی هیچ راه گریز و بختی برای بقا ندارد و به دستان پر قدرت شما ملت بزرگ ایران سرنگون خواهد شد!



و اقلیتی خونریز و خونشوی است که منافعشان در بقای این رژیم است؛ رژیمی که در میدان واقعیت شکستی سخت خورده، اما با قطع اینترنت به ۹۰ میلیون ایرانی، و از طریق ماشین دروغ‌پردازی‌اش، هنوز ژست پیروزی می‌گیرد و رجز می‌خواند. آنها که مدعی بودند هرگز تن به آتش‌بس نمی‌دهند، امروز هم رهبر و فرماندهان‌شان را از دست داده‌اند، هم جنگ را باخته‌اند، هم آتش‌بس را پذیرفته‌اند، و هم به میز مذاکره برای تسلیم کامل کشانده شده‌اند. ما اما از آغاز می‌دانستیم که جمهوری اسلامی تنها با حذف فرماندهی و تضعیف دستگاه سرکوب از طریق حملات هوایی، سقوط نمی‌کند. از همین رو بود که در تمام پیام‌هایم به شما تاکید کردم که این ما ملت ایران هستیم که باید ضربه نهایی را به رژیم ضعیف‌شده وارد و آن را سرنگون کنیم.

می‌خواهم بدانید که من وضعیت شما در ایران را بسیار دقیق زیر نظر دارم. می‌دانم که جمهوری اسلامی بسیار تضعیف شده اما هنوز توانایی سرکوب آن بطور کامل از بین نرفته است. همه هدف من این است که اقدام نهایی برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی با کمترین هزینه جانی باشد. جان تک‌تک شما برای من ارزشمند است. پس، از شما می‌خواهم که شکبیا باشید، از خودتان محافظت کنید، و با باور به پیروزی و آمادگی کامل، در انتظار لحظه تعیین‌کننده بمانید. در این فاصله، من و همه هم‌میهنان‌مان در خارج از کشور با تمام توان، خواست شما را که پایان دادن به جمهوری اسلامی است، فریاد خواهیم زد. ایمان داشته باشید که هیچ نیرویی در جهان توان ایستادن در برابر قدرت یک ملت متحد را ندارد. جمهوری اسلامی اینبار، راه گریز و بختی برای بقا ندارد؛ و به دستان پر قدرت شما ملت بزرگ ایران سرنگون خواهد شد. پاینده ایران، رضا پهلوی

حذف علی خامنه‌ای، قاتل ده‌ها هزار ایرانی شجاع، به تنهایی دستاوردی تاریخی برای ملت ماست. حال آنکه، بجز او، ده‌ها تن از فرماندهان و عاملان اصلی سرکوب در سپاه و بسیج و دستگاه‌های اطلاعاتی رژیم نیز از میان برداشته شدند. هزاران نیروی سرکوب به هلاکت رسیدند. ساختار فرماندهی و کنترل سرکوب، فلج شده و فرو پاشیده است. زیرساخت‌های نظامی، که نه برای دفاع از ایران، بلکه برای صدور تروریسم و بی‌ثباتی ساخته شده بودند، نابود شده‌اند. منابع مالی رژیم برای سرکوب در داخل و تروریسم در خارج، به شدت کاهش یافته است. جمهوری اسلامی امروز در منطقه و جهان از همیشه منزوی‌تر و منفورتر است. آنچه برای این رژیم باقی مانده، تکیه بر مزدوران بیگانه



شاهزاده رضا پهلوی رهبر انقلاب شیروخورشید ایران چهارشنبه شب ۱۹ فروردین (۸ آوریل) ساعت ۹ شب به وقت ایران طی پیامی به ملت ایران با تأکید بر ضربات جبران‌ناپذیری که حملات آمریکا و اسرائیل به جمهوری اسلامی وارد آورده، بار دیگر یادآوری کرد که این رژیم به دست ملت بزرگ ایران سرنگون خواهد شد.

در این پیام همچنین آمده است: "همه هدف من این است که اقدام نهایی برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی با کمترین هزینه جانی باشد. جان تک‌تک شما برای من ارزشمند است. پس، از شما می‌خواهم که شکبیا باشید، از خودتان محافظت کنید، و با باور به پیروزی و آمادگی کامل، در انتظار لحظه تعیین‌کننده بمانید. در این فاصله، من و همه هم‌میهنان‌مان در خارج از کشور با تمام توان، خواست شما را که پایان دادن به جمهوری اسلامی است، فریاد خواهیم زد."

متن کامل این پیام که همزمان از تلویزیون و رادیو انقلاب ملی ایران و کانال یوتیوب شاهزاده رضا پهلوی پخش شد، به شرح زیر است:  
"هم‌میهنان عزیزم، ملت بزرگ ایران،

به همه شما که در این ۱۰۰ روز برای آزادی و بازپس‌گیری ایران ایستادید؛ با فداکاری در برابر گلوله‌ها سینه سپر کردید و در ۴۰ روز گذشته خطر بمباران را به جان خریدید، درود می‌فرستم.

می‌دانم خبر آتش‌بس دوهفته‌ای میان جمهوری اسلامی با آمریکا و اسرائیل، بسیاری از شما را دل‌سرد کرده است. اما امروز، نه زمان ناامیدی، که زمان باور بیشتر به پیروزی است. آنچه در این ۴۰ روز رخ داد، دقیقاً در مسیر همان مطالباتی است که ملت ایران از جامعه جهانی خواست و بعد از جانفشانی در خیابان‌های ایران، در تظاهرات روز جهانی اقدام در ۱۴ فوریه (۲۵ بهمن) نیز فریاد زد.

ضرباتی که در تنها ۴۰ روز بر پیکر جمهوری اسلامی وارد شد، بی‌سابقه بوده، و برای این رژیم جبران‌ناپذیر است.

## ترامپ: از طریق احزاب گرد برای معترضان ایرانی سلاح فرستادیم؛ احزاب گردی: هیچ سلاحی دریافت نکردیم!



ارسال سلاح را گرفته‌اند؟» منابع غیررسمی می‌گویند پس از این اظهارات ترامپ، موجی از بدبینی میان گروه‌های گرد نسبت به یکدیگر ایجاد شده است. به ویژه آنکه یک هفته پیشتر پژاک اعلام کرده بود که احزاب کومه و دموکرات مانع حضور نمایندگان این گروه در «کنگره آزادی» شدند.

این کنگره در روزهای شنبه و یکشنبه ۲۸ و ۲۹ مارس (۸ و ۹ فروردین) در لندن برگزار شد. در نهایت نماینده پژاک به صورت ویدیویی در این کنگره صحبت کرد.

با توجه به اینکه عراق بازارسپاه غیررسمی خرید و فروش سلاح برای گروه‌های شبه‌نظامی است شایعاتی وجود دارد که بخشی از این محموله‌ها ممکن است در بازار آزاد توسط مافیا و سودجویان فروخته شده باشد.

برخی کاربران در شبکه‌های اجتماعی گفته‌اند این ادعاها اگر درست باشد یعنی بعضی از رهبران احزاب گرد دقیقاً همان‌کاری را کرده‌اند که حکومت می‌خواست.

ارسالن یاراحمدی روزنامه‌نگار نزدیک به احزاب گردی که ساکن آلمان است در «ایکس» می‌نویسد: «به فرض احزاب کردستان از آمریکا اسلحه گرفته باشند، چرا باید به یک مشت بچه پاسدار صادراتی در قالب روزنامه‌نگار پاسخگو باشند؟!»

بعضی کاربران رهبران کردستان عراق را که همسو با جمهوری اسلامی‌اند متهم کرده‌اند که مانع ارسال این تسلیحات شده‌اند. همچنین شنیده می‌شود که تعداد زیادی دستگاه استارلینک هم قرار بود از طریق کردستان عراق به ایران وارد شود که آنها هم ناپدید شده‌اند.

ساعاتی پس از این اعلام این اخبار، چند پهباد به دفتر حزب کومه در سلیمانیه عراق اصابت کرد. منابع کردی نوشتند که این پهبادها متعلق به جمهوری اسلامی بود.

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در مصاحبه‌ای ۱۵ دقیقه‌ای با تری ینگست خبرنگار ارشد امور خارجی شبکه فاکس‌نیوز، جزئیات تازه‌ای درباره مذاکرات پشت پرده با جمهوری اسلامی ایران، عملیات نجات خلبانان آمریکایی و برخی اقدامات محرمانه واشنگتن در قبال تحولات داخلی ایران مطرح کرد.

ینگست روز یکشنبه ۵ آوریل (۱۶ فروردین) توضیح داد که در بخشی از این مصاحبه ترامپ گفته بود آمریکا پیشتر برای کمک به معترضان ایرانی، از طریق گردها برای آنان سلاح ارسال کرده بود، اما به گفته او، این سلاح‌ها در نهایت به دست معترضان نرسید و کردها آنها را برای خود نگه داشتند.

در این مصاحبه دقیقاً مشخص نشد که سلاح‌های آمریکایی به کدام گروه کرد تحویل داده شده است، اما حکومت ایران طی ماه‌های قبل بارها ادعا کرده بود از طریق مرزهای عراق سلاح به ایران وارد شده است.

در همین ارتباط کریم پرویزی از مسئولان حزب دموکرات کردستان ایران اعلام کرد که این حزب هیچ‌گونه سلاحی از آمریکا دریافت نکرده است.

پرویزی توضیح داد که احزاب گردی از گردها نخواستند در طول اعتراضات به خیابان‌ها بیایند و تنها برای یک روز اعتصاب مسالمت آمیز فراخوان دادند.

وی تأکید کرد: «هیچ گلوله‌ای از آمریکا به دست ما نرسیده و تا جایی که اطلاع داریم، دیگر احزاب مخالف ایرانی نیز در طول تظاهرات چنین حمایتی دریافت نکردند و هیچ اطلاعاتی مبنی بر خلاف آن به دست ما نرسیده است.»

یک تحلیلگر امنیتی به کیهان لندن می‌گوید: «اگر ادعای ترامپ درست باشد مشخص نیست چرا احزاب گرد از ارسال سلاح‌ها به ایران خودداری کرده‌اند. محموله‌ها شامل چه تسلیحاتی بود و آیا دولت عراق یا اقلیم کردستان جلوی

● دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در مصاحبه‌ای ۱۵ دقیقه‌ای با تری ینگست خبرنگار ارشد امور خارجی شبکه فاکس‌نیوز، جزئیات تازه‌ای درباره مذاکرات پشت پرده با جمهوری اسلامی ایران، عملیات نجات خلبانان آمریکایی و برخی اقدامات محرمانه واشنگتن در قبال تحولات داخلی ایران مطرح کرد.

● ینگست روز یکشنبه ۵ آوریل (۱۶ فروردین) توضیح داد که در بخشی از این مصاحبه ترامپ گفته بود آمریکا پیشتر برای کمک به معترضان ایرانی، از طریق گردها برای آنان سلاح ارسال کرده بود، اما به گفته او، این سلاح‌ها در نهایت به دست معترضان نرسید و کردها آنها را برای خود نگه داشتند.

● یک تحلیلگر امنیتی به کیهان لندن می‌گوید: «اگر ادعای ترامپ درست باشد مشخص نیست چرا احزاب گرد از ارسال سلاح‌ها به ایران خودداری کرده‌اند. محموله‌ها شامل چه تسلیحاتی بود و آیا دولت عراق یا اقلیم کردستان جلوی ارسال سلاح را گرفته‌اند؟»

● منابع غیررسمی می‌گویند پس از این اظهارات ترامپ، موجی از بدبینی میان گروه‌های گرد نسبت به یکدیگر ایجاد شده است، به ویژه آنکه یک هفته پیشتر پژاک اعلام کرده بود که احزاب کومه و دموکرات مانع حضور نمایندگان این گروه در «کنگره آزادی» شدند. این کنگره در روزهای شنبه و یکشنبه ۲۸ و ۲۹ مارس (۸ و ۹ فروردین) در لندن برگزار شد. در نهایت نماینده پژاک به صورت ویدیویی در این کنگره صحبت کرد.

● با توجه به اینکه عراق بازارسپاه غیررسمی خرید و فروش سلاح برای گروه‌های شبه‌نظامی است شایعاتی وجود دارد که بخشی از این محموله‌ها ممکن است در بازار آزاد توسط مافیا و سودجویان فروخته شده باشد.

## دونالد ترامپ: جمهوری اسلامی می تواند در یک شب از بین برود



● رئیس جمهوری آمریکا روز دوشنبه ششم آوریل (۱۷ فروردین) در یک کنفرانس خبری اعلام کرد: «جمهوری اسلامی می تواند در یک شب از بین برود و آن شب ممکن است فرداشب باشد.»

● دونالد ترامپ افزود: «امروز اینجا هستیم تا عملیات نجات را جشن بگیریم. ما دو نفر را نجات دادیم؛ کاری که پیشتر نشده بود و با استعداد فوق العاده و خوش اقبال بودیم و خیلی ها به ما کمک کردند.»

● ترامپ پیشتر نیز به خبرنگاران گفته بود مهلت تعیین شده برای رسیدن به توافق با جمهوری اسلامی ایران سه شنبه ۱۸ فروردین تمام می شود. او در مراسمی که به مناسبت عید پاک در کاخ سفید برگزار شده بود،

## توافق آمریکا و جمهوری اسلامی برای «دو هفته آتش بس»



دونالد ترامپ در کنار مارکو رابو و پیت هگست وزیر امور خارجه و جنگ

که ترامپ تهدید کرده بود که «یک تمدن بزرگ» را نابود خواهد کرد؛ او بطور مشخص پلها، نیروگاهها و احتمالاً زیرساخت های نفت و آب را هدف تهدید قرار داده بود. ترامپ گفته «توافق را در شرایطی می پذیرم که جمهوری اسلامی ایران تنگه هرمز را بطور کامل، فوری و ایمن باز کند، من موافقت می کنم بمباران و حمله به ایران را برای مدت دو هفته متوقف کنم.»

جمهوری اسلامی این آتش بس را در شرایطی پذیرفت که تا ساعاتی قبل از آن برخی مقاماتش و در صدا و سیما حکومت به نقل از هوادارانش تبلیغ می کرد با آتش بس مخالف است و باید سرنوشت جنگ مشخص شود! خبرگزاری «فارس» نزدیک به سپاه پاسداران ادعا کرد که مبنای این توافق طرح ۱۰ ماده ای جمهوری اسلامی است که شامل لغو کامل تحریم ها، تأمین خسارات ایران، توقف حملات، خروج نیروهای آمریکایی از منطقه، عبور محدود روزانه کشتی از تنگه هرمز، تعهد ایران مبنی بر عدم ساخت سلاح هسته ای و پذیرش حق غنی سازی ایران توسط آمریکا و مذاکره درباره سطح غنی سازی می شود.

دونالد ترامپ نیز در پیامی نوشت: «حملات به نیروگاهها و پلها به تعویق خواهد افتاد، مشروط به اینکه ایران تنگه هرمز را دوباره باز کند. این موضوع بسیار بزرگ است! من موافقت می کنم که بمباران و حمله به ایران را برای مدت دو هفته تعلیق کنم. این یک آتش بس دوطرفه خواهد بود! دلیل انجام این کار این است که ما قبلاً تمام اهداف نظامی را برآورده کرده ایم و پیشرفت زیادی در توافق قطعی صلح بلندمدت با ایران و صلح در خاورمیانه داشته ایم.»

او افزود: «ما یک پیشنهاد ۱۰ ماده ای از ایران دریافت کرده ایم و معتقدیم که اساس قابل قبولی برای مذاکره است. تقریباً تمام نقاط مورد اختلاف گذشته بین ایالات متحده و ایران توافق شده، اما این دوره دو هفته ای اجازه می دهد توافق نهایی و اجرا شود.»

همزمان با اعلام این مواضع چندین نقطه از ایران دوباره هدف حملات آمریکا و اسرائیل قرار گرفت و جمهوری اسلامی نیز به شلیک موشک از جمله به سوی اسرائیل ادامه داد.

● ایالات متحده و جمهوری اسلامی بامداد چهارشنبه ۱۹ فروردین ۱۴۰۵ با یک آتش بس موقت دو هفته ای موافقت کردند. پیشنهاد آتش بس را شهناز شریف نخست وزیر پاکستان ارائه داده است. قرار است این دو هفته برای دستیابی به یک «توافق بزرگتر» نیز استفاده شود!

● طبق گفته دو منبع آگاه به آکسیوس، انتظار می رود آمریکا و رژیم ایران روز جمعه در اسلام آباد مذاکرات صلح برگزار کنند. احتمالاً جی دی ونس، معاون رئیس جمهور، ریاست هیئت آمریکایی را بر عهده خواهد داشت.

● خبرگزاری «فارس» نزدیک به سپاه پاسداران ادعا کرد که مبنای این توافق طرح ۱۰ ماده ای جمهوری اسلامی است که شامل لغو کامل تحریم ها، تأمین خسارات ایران، توقف حملات، خروج نیروهای آمریکایی از منطقه، عبور محدود روزانه کشتی از تنگه هرمز، تعهد ایران مبنی بر عدم ساخت سلاح هسته ای و پذیرش حق غنی سازی ایران توسط آمریکا و مذاکره درباره سطح غنی سازی می شود.

ایالات متحده و جمهوری اسلامی بامداد چهارشنبه ۱۹ فروردین ۱۴۰۵ با یک آتش بس موقت دو هفته ای موافقت کردند. پیشنهاد آتش بس را شهناز شریف نخست وزیر پاکستان ارائه داده است. قرار است این دو هفته برای دستیابی به یک «توافق بزرگتر» نیز استفاده شود!

پس از اعلام آتش بس موقت، هر دو طرف اعلام پیروزی کردند. ترامپ ادعا کرد ما به تمام اهدافمان رسیدیم و شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی نیز در بیانیه ای اعلام کرد که ترامپ تسلیم شده است!

طبق گفته دو منبع آگاه به آکسیوس، انتظار می رود آمریکا و رژیم ایران روز جمعه در اسلام آباد مذاکرات صلح برگزار کنند. احتمالاً جی دی ونس، معاون رئیس جمهور، ریاست هیئت آمریکایی را بر عهده خواهد داشت.

یک مقام وزارت دفاع آمریکا اعلام کرد آتش بس اکنون اجرایی شده و آمریکا همه حملات را متوقف کرده است. او افزود ممکن است زمان برد تا دستور آتش بس به رده های پایین تر سپاه پاسداران برسد.

این اعلام کمتر از ۱۲ ساعت پس از آن صورت گرفت

افزود: «پیشنهاد ایران قابل توجه بود، اما کافی نبود.»

رئیس جمهوری آمریکا روز دوشنبه ششم آوریل (۱۷ فروردین) در یک کنفرانس خبری اعلام کرد: «جمهوری اسلامی می‌تواند در یک شب از بین برود و آن شب ممکن است فرداشب باشد.»

دونالد ترامپ افزود: «امروز اینجا هستیم تا عملیات نجات را جشن بگیریم. ما دو نفر را نجات دادیم؛ کاری که پیشتر نشده بود و با استعداد فوق‌العاده و خوش اقبال بودیم و خیلی‌ها به ما کمک کردند.»

ترامپ افزود: «یک اف ۱۵- در ایران ساقط شد. آنقدر خوب عمل می‌کردیم که کسی سراغ نداشت. در یک شب می‌شود کل کشور را گرفت. هر دو سرنشین هواپیما سلامت فرود آمدند و به نیروهای مسلح فرمان دادم هر کاری لازم است انجام دهند تا آنها را به سلامت برگردانند. نیروهای مسلح آمریکا هیچ آمریکایی را به حال خود رها نمی‌کنند.» او ادامه داد: «هیچکس در این عملیات مجروح نشد. خدمه دوم هواپیما زخمی شده بود. نیروهای بسیج و سپاه پاسداران به ساکنان منطقه گفته بودند که جایزه بزرگی می‌گیرند اگر هوانورد ما را پیدا و دستگیر کنند. در منطقه کوهستانی او تلاش کرد خود را به منطقه مرتفع‌تری برساند تا دستگیر نشود. او با اینکه زخمی شده بود توانست از ارتفاعات بالا برود، خونریزی شدید داشت، تلاش کرد زخم‌هایش را مداوا کند. تماس گرفت و تجهیزات لازم داشت و جانش را نجات داد. فوراً آبروها را بسیج کردیم. او پیوسته سعی کرد بالاتر برود و اینبار ما ۱۵۰ هواپیما و هلیکوپتر استفاده کردیم.»

او تأکید کرد: «هزاران هزار نفر به دنبال او می‌گشتند و ما آنها را در هفت منطقه مختلف پراکنده کردیم تا گنج شوند. یک عملیات فوق‌العاده بود. یک نمایش نفسگیر از مهارت و بالاخره به محل اصلی رسیدیم و همه تهدیدها را نابود کردیم و از قلمرو ایران خارج شدیم؛ بدون هیچ تلفاتی از هیچ نوع. این افسر تسلیحات تقریباً ۴۸ ساعت آنجا بود و موفق شد دستگیر نشود.»

ترامپ گفت: «دو هواپیمای نسبتاً قدیمی با کلی تجهیزات داشتیم. منطقه شنی بود؛ شن مرطوب. فکر کردیم برگشتن شاید سخت باشد و برنامه جایگزین داشتیم. هواپیما چابک‌تر فرستادیم و هواپیماهایی را که بجا مانده بودند، منهدم کردیم.»

او افزود: «موتورها را خاموش کرده بودند. هلیکوپترها را ظرف ۱۰ دقیقه دوباره فعال کردند. به عنوان فرمانده کل قوا می‌گویم که که مبارزان ما ریسک بزرگی را متحمل شدند؛ آنها نابغه هستند... درست وسط جنگ. شاید دشوارترین منطقه ایران بود. فوق‌العاده بود. بیشتر از برنامه آلتانایو تحت تأثیر قرار گرفتم.»

ترامپ پیشتر نیز به خبرنگاران گفته بود مهلت تعیین شده برای رسیدن به توافق با جمهوری اسلامی ایران سه‌شنبه ۱۸ فروردین تمام می‌شود. او در مراسمی که به مناسبت عید پاک در کاخ سفید برگزار شده بود، افزود: «پیشنهاد ایران قابل توجه بود، اما کافی نبود.»

ترامپ همچنین با ابراز ناخشنودی از حکومت ایران، هشدار داد که آنها بهای سنگینی خواهند پرداخت. رئیس جمهوری آمریکا گفت: «اگر آنها اقدامات مورد نیاز را انجام دهند، این جنگ می‌تواند بسیار سریع پایان یابد. باید اقدامات مشخصی انجام دهند و خودشان نیز از آن آگاه هستند. به نظر من، آنها با حسن نیت در حال مذاکره هستند.»

## فاینشال تایمز: بریتانیا در تدارک ائتلاف بین‌المللی برای تأمین امنیت «تنگه هرمز» پس از جنگ



یک نفتکش غول‌پیکر در تنگه هرمز / عکس: رویترز

ایران در اواخر ماه فوریه عملاً بسته شده است. این وضعیت باعث افزایش شدید قیمت انرژی در بازارهای جهانی و تشدید نگرانی‌ها درباره بروز بحران اقتصادی شده است.

به گفته مقامات بریتانیایی، این نشست که از پایگاه نظامی نورث‌وود در نزدیکی لندن هدایت می‌شود، به بررسی گزینه‌های عملی برای ایجاد یک ائتلاف بین‌المللی می‌پردازد؛ ائتلافی که برخلاف انتظار، ایالات متحده در آن مشارکت نخواهد داشت.

در همین حال، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، به کشورهای عضو ناتو و متحدان غربی هشدار داده است که پس از پایان جنگ، مسئولیت تأمین امنیت این تنگه بر عهده خود آنها خواهد بود. او حتی پیشنهاد کرده کشورهایمانند بریتانیا در صورت کمبود انرژی، باید منابع خود را تأمین کنند. از سوی دیگر، کی‌یر استارمر نخست‌وزیر بریتانیا، تأکید کرده که هرگونه اقدام عملی تنها پس از پایان درگیری‌ها آغاز خواهد شد و نسبت به پیچیدگی شرایط هشدار داده است. به گفته او، کاهش تنش لزوماً به معنای بازگشایی امن تنگه نیست و مسئله اصلی، امنیت عبور کشتی‌هاست.

همزمان، افزایش قیمت سوخت ناشی از این بحران فشار بیشتری بر خانوارهای بریتانیایی وارد کرده و گزارش‌ها حاکی از ثبت بالاترین افزایش ماهانه قیمت بنزین و گازوئیل در ماه مارس است.

این نشست در ادامه تلاش‌های دیپلماتیک بریتانیا برگزار می‌شود. هفته گذشته نیز نشستی با حضور ۴۱ کشور به ابتکار وزیر خارجه این کشور برای بررسی راه‌های اعمال فشار بر ایران جهت بازگشایی تنگه برگزار شده بود.

با این حال، تشکیل ائتلاف دریایی با چالش‌هایی روبه‌رو است؛ از جمله تفاوت در توان نظامی کشورها و محدود بودن تجهیزات پیشنهادی. برخی کشورها تنها کشتی‌های مین‌روب ارائه داده‌اند، بدون آنکه ناوهای محافظ در اختیار بگذارند. گفته می‌شود این ائتلاف به‌صورت مستقل از ناتو عمل خواهد کرد و شامل کشورهای خارج از این پیمان نیز خواهد بود. در همین حال، ترامپ تهدید کرده است در صورت عدم همکاری متحدان، ممکن است حمایت نظامی آمریکا از اوکراین را کاهش دهد.

● روزنامه «فاینشال تایمز» گزارش داد، بریتانیا قرار است روز سه‌شنبه ۷ آوریل (۱۸ فروردین ۱۴۰۵) میزبان یک نشست نظامی با حضور بیش از ۴۰ کشور باشد تا درباره تأمین عبور ایمن کشتی‌ها از «تنگه هرمز» پس از پایان درگیری‌ها در خاورمیانه برنامه‌ریزی شود.

● این نشست به‌صورت مجازی و در قالب «ائتلاف داوطلبان» برگزار می‌شود و کشورهایمانند فرانسه، آلمان، کانادا، ژاپن، کره جنوبی، استرالیا و امارات متحده عربی در آن حضور خواهند داشت. هدف اصلی این ائتلاف، تضمین امنیت یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های انرژی جهان است.

● در همین حال، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، به کشورهای عضو ناتو و متحدان غربی هشدار داده است که پس از پایان جنگ، مسئولیت تأمین امنیت این تنگه بر عهده خود آنها خواهد بود. او حتی پیشنهاد کرده کشورهایمانند بریتانیا در صورت کمبود انرژی، باید منابع خود را تأمین کنند.

● از سوی دیگر، کی‌یر استارمر نخست‌وزیر بریتانیا، تأکید کرده که هرگونه اقدام عملی تنها پس از پایان درگیری‌ها آغاز خواهد شد و نسبت به پیچیدگی شرایط هشدار داده است. به گفته او، کاهش تنش لزوماً به معنای بازگشایی امن تنگه نیست و مسئله اصلی، امنیت عبور کشتی‌هاست.

روزنامه «فاینشال تایمز» گزارش داد، بریتانیا قرار است روز سه‌شنبه ۷ آوریل (۱۸ فروردین ۱۴۰۵) میزبان یک نشست نظامی با حضور بیش از ۴۰ کشور باشد تا درباره تأمین عبور ایمن کشتی‌ها از «تنگه هرمز» پس از پایان درگیری‌ها در خاورمیانه برنامه‌ریزی شود.

این نشست به‌صورت مجازی و در قالب «ائتلاف داوطلبان» برگزار می‌شود و کشورهایمانند فرانسه، آلمان، کانادا، ژاپن، کره جنوبی، استرالیا و امارات متحده عربی در آن حضور خواهند داشت. هدف اصلی این ائتلاف، تضمین امنیت یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های انرژی جهان است.

تنگه هرمز که پیش از این حدود ۲۰ درصد از نفت و گاز جهان از آن عبور می‌کرد، در پی حملات آمریکا و اسرائیل به

# تحلیل سیاسی روز؛ صلح پایدار در گرو سقوط حکومت «عصر حجر»



که از ۹ اسفندماه شروع شده («خشم حماسی» و «شیر غزان»); بلکه جنگ بین حکومتی قرون وسطایی که هدفش برگرداندن جامعه به «عصر حجر» بود و ملتی که رو به آینده داشت و به بهایی سنگین هرگز حاضر نشد به «امت» گوسپندی تبدیل شود که «ولی فقیه» برای سرنوشت آن تصمیم می‌گیرد.

این جنگ که هر سال که گذشت، آشکار و آشکارتر شد، دیر یا زود به «آخرین نبرد» می‌رسد. جنگ کنونی دو ارتش قدرتمند منطقه‌ای و جهانی علیه جمهوری اسلامی یکبار برای همیشه دفتر سیاست «تغییر رفتار» و «مبارزه مسالمت‌آمیز» و «نافرمانی مدنی» را برای «تغییر رژیم» در ایران، آنهم توسط مردمانی بی‌دفاع که جز شعار و آرزوها و جان خود هیچ سلاحی، نه برای حمله بلکه حتا برای دفاع از خود ندارند، بست: همه هم کشتار فجیع مردم در ۱۸ و ۱۹ دی توسط رژیم را دیده‌اند و هم جان‌سختی رژیمی را که بیش از چهار دهه تمام منابع کشور را بجای آبادی و رفاه مردم، صرف پروار کردن خود و بنای زرادخانه‌ای به وسعت ایران کرده که مقامات باقیمانده‌اش همچنان می‌توانند درباره‌اش رجز بخوانند و خود را «پیروز» بدانند!

اکنون جمهوری اسلامی بدون رهبر و با پشته‌ای از جنازه‌های متعفن مقامات کشوری و لشکری، برای پر کردن جای خالی آنان به رده‌های بسیار پایین روی آورده و از نیابتی‌ها برای دفاع از خود نه در برابر آمریکا و اسرائیل بلکه در برابر مردم عاصی و خشمگین کمک می‌گیرد و آن چند ده نفری هم از مقامات اصلاح‌طلب و اصولگرا که باقی مانده‌اند، اگر همچنان به رژیم وفادار مانده باشند و به دنبال امان‌نامه و فروش «برادران» و معامله برای نجات جان خود و خانواده‌شان نباشند، هیچ اطمینانی از فردای خود ندارند.

## پایان جنگ فقط با سقوط رژیم

ایران خسته است؛ ایرانیان از اینهمه سال تکرار سیاست‌های داخلی و خارجی خسته‌اند؛ منطقه و جهان از حکومت تروریستی حاکم بر ایران که مسبب تحریم و تخریب و جنگ و فلاکت خود ایرانیان و تهدید و

رژیم و رویای «تغییر رفتار» آن قرار داشت. در حالی که جمهوری اسلامی، چه با «اصلاح‌طلبان میانه‌رو» و چه با «اصولگرایان تندرو»، همزمان با «دیالوگ» و «مذاکره» انواع عملیات جهانگشایی و صدور انقلاب خود را پیش می‌برد و به ریش غربی‌ها و دموکراسی‌ها می‌خندید: از برنامه هسته‌ای و گسترش تولیدات موشک و پهپاد تا انواع گروه‌های نیابتی که بتوانند در نهایت اسرائیل را در منطقه نابود کرده و علیه جهان آزاد و غرب وارد نبرد نهایی شوند. و در این راه البته «اصلاح‌طلبان میانه‌رو» هم در فریب و هم در حفظ رژیم تروریستی نقشی به مراتب اساسی‌تر و مهم‌تر از «اصولگرایان تندرو» بازی کردند. آنها با یک تقسیم کار حساب شده، سرکوب مردم و معترضان را در داخل به «تندرو»ها نسبت دادند تا «میانه‌رو»ها بتوانند فریب «برنامه اتمی صلح‌آمیز» و «موشک‌های دفاعی» و «مذاکره» را در خارج بفروشد و موفق نیز شدند. اندکی از ابعاد پیش از چهار دهه برنامه‌ریزی و تدارکات عظیم برای رسیدن به اهداف آخرومانی رژیم تازه پس از آغاز جنگ اخیر اسرائیل و آمریکا علیه جمهوری اسلامی روشن شده است.

قابل توجه اینکه حکومت تروریستی حاکم بر ایران در حالی که دومین رهبرش، سیدعلی خامنه‌ای، در ساعات نخست روز اول این جنگ در تونل مخفیگاه خود کشته شد و هنوز به گور نیز سپرده نشده، و رهبر سومش، سیدمجتبی خامنه‌ای، اصلاً معلوم نیست در چه وضعیتی است، آیا زنده است یا مُرده، با یکی از منفورترین و فریبکارترین چهره‌هایش، محمدجواد ظریف، همچنان روی تمایش «میانه‌رو» و «تندرو» حساب می‌کند به این امید که آمریکا مانند دوران اوباما و بایدن این فریب را باور کند و یا تمایل به باورش داشته باشد!

## دو جنگ موازی

واقعیت اینست که ایران از ۵۷ به اینسو همواره درگیر «جنگ» بوده است. نه صرفاً جنگ هشت ساله و یا سایه‌ی همیشگی جنگ اسرائیل و غرب علیه آن و یا حتا جنگ ۱۲ روزه (۲۳ خرداد تا ۳ تیر ۲۰۰۴) و یا جنگ کنونی

● جمهوری اسلامی، چه با «اصلاح‌طلبان میانه‌رو» و چه با «اصولگرایان تندرو»، همزمان با «دیالوگ» و «مذاکره» انواع عملیات جهانگشایی و صدور انقلاب خود را پیش می‌برد و به ریش غربی‌ها و دموکراسی‌ها می‌خندید... و در این راه البته «اصلاح‌طلبان میانه‌رو» هم در فریب و هم در حفظ رژیم تروریستی نقشی به مراتب اساسی‌تر و مهم‌تر از «اصولگرایان تندرو» بازی کردند.

● اکنون جمهوری اسلامی بدون رهبر و با پشته‌ای از جنازه‌های متعفن مقامات کشوری و لشکری، برای پر کردن جای خالی آنان به رده‌های بسیار پایین روی آورده و از نیابتی‌ها برای دفاع از خود نه در برابر آمریکا و اسرائیل بلکه در برابر مردم عاصی و خشمگین کمک می‌گیرد و آن چند ده نفری هم از مقامات اصلاح‌طلب و اصولگرا که باقی مانده‌اند، اگر همچنان به رژیم وفادار مانده باشند و به دنبال امان‌نامه و فروش «برادران» و معامله برای نجات جان خود و خانواده‌شان نباشند، هیچ اطمینانی از فردای خود ندارند.

● با وجود جنگ روانی رژیم در رسانه‌های وابسته و دلبسته و همچنین فضای مجازی، در ایران اما سنگ روی سنگ بند نیست! مردم پس از فلج شدن کامل دستگاه‌های قدرت نظامی و امنیتی رژیم و ارگان‌های سرکوب آن، همچنان منتظر اجرای نقش خود در «آخرین نبرد» هستند و هرگونه ناامید کردن آنها با شعارهای ظاهراً «ملی» و «میهنی» و هرگونه تضعیف نقش شاهزاده رضا پهلوی در میانه و میدان نبردی که سرنوشت‌ساز است، جز بازی در زمین جمهوری اسلامی و بقایای کارگزارانش نیست که اتفاقاً شعارهای مشابه سر داده‌اند!

الاهه بقراط - آیا موردی، نکته‌ای، حرفی درباره افکار و رفتار و نظام حقوقی و قوانین و ایدئولوژی و عملکرد جمهوری اسلامی وجود دارد که کسی ندانسته و نشنیده و نگفته و ننوشته باشد؟! نه! ۴۷ سال درباره این رژیم مذهبی و اهداف عاشورایی و آخرومانی آن گفته شده و جامعه ایران در همه ابعاد خود، از سیاسی و اقتصادی تا فرهنگی و روانی آن را از نزدیک و با گوشت و پوست خود تجربه و تحمل کرده و تا امروز همچنان بهای سنگین آن را می‌پردازد.

## جنگ و تکرار «میانه‌رو» و «تندرو»!

با اینهمه چه برخی نیروهای سیاسی در داخل و چه دولت‌های خارجی در غرب همواره تلاش داشته‌اند با درک خطرات نخستین دولت اسلامی و تروریستی جهان، آنهم در کشور وسیع و ثروتمندی مانند ایران، رژیمی را که هرگز عقاید و اهداف خود را پنهان نکرده مهار کنند: «سیاست» بی‌نظیر برای حکومتی که به ویژه پس از جنگ هشت ساله با عراق تلاش کرد اهداف آشکار خود را با عملیات و اقدامات مخفی اتمی و موشکی و ساختن تأسیسات زیرزمینی و تبدیل دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی به محل تحقیق و تولید انواع سلاح‌های متعارف و ممنوعه پیش برد.

از همان زمان که کشورهای اروپایی عمدتاً بر اساس تروریهایی که در خاک آنها انجام شده بود، «دیالوگ انتقادی» را در دوران ریاست جمهوری حجت‌الاسلام اکبر رفسنجانی در پیش گرفتند تا چند سال بعد که با لو رفتن برنامه اتمی مخفی آن در زمان ریاست جمهوری حجت‌الاسلام محمد خاتمی، و هر دو تحت رهبری سیدعلی خامنه‌ای، به سراب پر از دست‌انداز «مذاکرات اتمی» افتادند، تمام تمرکز بر «مهار»

نامانی منطقه و جهان است، خسته‌اند.

در چنین شرایطی، جنگ آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی اگر با سقوط این رژیم تمام نشود، نه جنگ بین این حکومت و ملت پایان خواهد یافت و نه جنگ آن با اسرائیل و آمریکا! آنچه منافع سه ملت این کشورها را بهم نزدیک کرده و برخی مدام بر آن تأکید می‌کنند، در همین نکته است: اسرائیل و آمریکا با جنگ علیه جمهوری اسلامی که ایران را از سال ۵۷ به مناسبات عصر حجر رانده، از منافع ملی خود دفاع می‌کنند. اسرائیل دلایل کافی برای حفظ موجودیت خود دارد و آمریکا در کنار حمایت از متحدان منطقه‌ای خود، دلایل کافی در ابعادی بزرگتر از جمله مناسبات با حکومت کمونیستی جمهوری خلق چین دارد که ایران به دلیل منابع و موقعیت استراتژیک خود جزو قطعات پازل آن به شمار می‌رود. منافع ملت ایران نیز در غلبه بر گسست ۵۷ و سرنگونی رژیمی است که همه دستاوردهای تاریخ معاصر آن را به باد فنا داده و جز تحریم و تخریب و غارت و کشتار و جنگ هیچ چیز دیگری برای آن نداشته است.

البته که این جنگ می‌بایست هرچه زودتر تمام شود زیرا طولانی شدن آن جامعه را خسته‌تر و منابع ناچیز آن را بیش از پیش محدود کرده و به رژیم امکان می‌دهد تا با منابع داخلی و خارجی که هنوز در اختیار دارد، همچنان هم مردم را سرکوب کند و هم برای بقای خودش و نجات ۵۷، به هر شکلی که شده، با وجود رجزخوانی درباره «پیروزی» و علیه اسرائیل و آمریکا، با تکرار همان نمایش نغمه و تکراری «تندرو» و «میانه‌رو» و دعوای زرگری بین خود، به معامله با آنها بپردازد البته اگر همچنان سیاستمداران و تصمیم‌گیری در آمریکا و اسرائیل وجود داشته باشند که باز هم فریب بخورند!

نقش شاهزاده رضا پهلوی به عنوان رهبر انقلاب شیروخورشید در این میان اهمیتی ویژه دارد. انقلابی که مدت‌ها پیش از دو جنگ اخیر و بر بستر مبارزات ۴۷ ساله تقریباً سه نسل از ایرانیان برای پس گرفتن ایران و آزادی و آبادی میهن شکل گرفته و جنگ قاطعانه علیه جمهوری اسلامی می‌تواند مهم‌ترین فرصت تاریخی را برای پیروزی در اختیار آن قرار دهد.

این واقعیتی است که نه شروع جنگ و نه پایان آن در اختیار «من» و «شما» نیست! در حالی که مسبب آن یعنی جمهوری اسلامی کاملاً مشخص است اما تصمیم برای آغاز و پایان آن با دولت‌های آمریکا و اسرائیل بوده و هست. یک نکته دیگر اما نیز کاملاً روشن است: اگر این جنگ هرچه زودتر با سقوط رژیم تروریستی در ایران و روی کار آمدن یک نیروی میهنی و معتمد و مدافع دموکراسی برای پیشبرد دوران گذار تا رسیدن ملت به حق حاکمیت خود تمام نشود، هیچ صلح پایداری در منطقه برقرار نخواهد شد و هیچ‌کدام از تهدیدات علیه آمریکا و اروپا کم نخواهد شد و جنگ علیه تروریسم دولتی حاکم بر ایران در بدترین حالت ناکام و در بهترین حالت بدون نتیجه و بدون دفع قطعی خطر به پایان می‌رسد.

با وجود جنگ روانی رژیم در رسانه‌های وابسته و دل‌بسته و همچنین فضای مجازی، در ایران اما سنگ روی سنگ بند نیست! مردم پس از فلج شدن کامل دستگاه‌های قدرت نظامی و امنیتی رژیم و ارگان‌های سرکوب آن، همچنان منتظر اجرای نقش خود در «آخرین نبرد» هستند و هرگونه ناامید کردن آنها با شعارهای ظاهراً «ملی» و «میهنی» و هرگونه تضعیف نقش شاهزاده رضا پهلوی در میانه و میدان نبردی که سرنوشت‌ساز است، جز بازی در زمین جمهوری اسلامی و بقایای کارگزارانش نیست که اتفاقاً شعارهای مشابه سر داده‌اند!

## شمع و گل و پروانه و بلبل همه جمعند...

خبراندیش (احمد احرار)

کیهان لندن شماره ۱۲۰۵ (اردیبهشت ۱۳۸۷)



احمدی‌نژاد، زریبافان و مشایی

متکی در اسفندماه ۸۶ سفری با هوپایمی تشریفاتی دولت به سوریه و لبنان داشته‌اند، مسؤولیت خانم «م» دختر آقای متکی، کارشناس قراردادهای عمرانی و پست «ح» پسر ایشان، مدیر هماهنگ‌کننده هیأت اعزامی ذکر شده است. همچنین ادعا شده که دو باجناق ایشان، یکی به‌عنوان سرکنسول در حیدرآباد و دیگری به‌عنوان معاون اداره مجمع شیمیایی و خلع سلاح وزارت امور خارجه منصوب شده‌اند. انتصاب حدود دوازده نفر از فارغ‌التحصیلان هند و اعضای کانون فارغ‌التحصیلان آن از دیگر موارد مندرج در این گزارش است.»

قبلاً هم گزارشی انتشار یافته بود از قرابت فامیلی رئیس جمهوری و همکاران جناب ایشان به این قرار:

داوود مددی (رئیس سازمان تأمین اجتماعی) باجناق آقای زریبافان دبیر هیأت دولت - سیدمحسن نبوی (عضو هیأت مدیره شرکت سرمایه‌گذاری خارجی) داماد زریبافان - علیرضا مددی (مدیر کل وزارتی و معاون) برادرزاده باجناق زریبافان - ناظمی اردکانی (وزیر تعاون) شوهر عمه داماد زریبافان - دانش جعفری (وزیر سابق امور اقتصادی و دارایی) پسرعمه پدر داماد زریبافان - مهندس مهدی هاشمی ثمره (مدیر کل وزارتی وزیر نیرو) برادر هاشمی ثمره مشاور عالی و همه‌کاره رئیس جمهور - خانم قندف (مشاور خانواده وزارت کشور) زن برادر هاشمی ثمره - عبدالحمید هاشمی ثمره (معاون وزیر صنایع) برادر هاشمی ثمره - داوود احمدی‌نژاد (رئیس بازرسی ریاست جمهوری) برادر محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهوری - حسین شبیری (رئیس صندوق مهر رضا) شوهر خواهر احمدی‌نژاد - پروین احمدی‌نژاد (معاون مرکز امور زنان ریاست جمهوری) خواهر احمدی‌نژاد - علی اکبر محرابیان (وزیر صنایع) خواهرزاده احمدی‌نژاد. سردار سرتیپ اسماعیل احمدی مقدم (فرمانده کل نیروی انتظامی) باجناق احمدی‌نژاد.

بر این لیست بیفزایید بستگی خانوادگی رئیس جمهوری و معاون وی در امور گردشگری و غیره را پس از وصلت فرخنده آقازاده احمدی‌نژاد با صبیحه اسفندیار رحیم مشائی...

یکی از منتقدین اصفهان، که با والی آن ولایت - شاهزاده ظل‌السلطان پسر ناصرالدین شاه - آبش در یک جوی نمی‌رفت، نزد صدر اعظم وقت از دشواری وضع خود شکایت می‌کرد. صدر اعظم گفت چاره‌ای نیست، اگر نمی‌توانی با شاهزاده کنار بیایی، جل و پلاست را جمع کن و برو به شهری دیگر. گفت هر جا بروم همین آتش است و همین کاسه. شیراز بروم، عموی شاه حاکم است. قم بروم، برادر شاه حاکم است. تبریز بروم، پسر دیگر شاه حاکم است... صدر اعظم به خشم آمد، گفت برو به جهنم. اصفهانی رند که از چکه‌گویی مثل اکثر همشهریانش کم نمی‌آورد، گفت آنجا هم خاقان مغفور پدر بزرگشان حکومت می‌کند!

این گذشت و رسید به دوره‌ای که یک سیاستمدار آمریکایی، بعد از جنگ دوم جهانی سفری به ایران داشت و بر اساس گفته او که «هزار خانواده بر ایران حکومت می‌کنند» اصطلاح «هزار فامیل» رایج شد و بر سر زبانها افتاد.

انقلاب شکوهمند اسلامی بر حاکمیت ایلی و «الیگارش» خانواده‌ها نقطه پایان گذاشت. شیفتگان گفتند از حکومت هزار فامیل خلاص شدیم. بدزبانها هم گفتند حالا نوبت بی فک و فامیلهاست. سی سال بعد، رسیده‌ایم به نوعی حکومت که باید یکی از صاحبان استعداد نام مناسبی برای آن پیدا کند.

سایت «تابناک» هفته گذشته گزارش داد:

- انتصاب افراد بر پایه روابط فامیلی یا رفاقت در وزارت امور خارجه، ابهامات جدی درباره عملکرد وزیر و دیگر مسؤولان پدید آورده است... به‌غیر از خانم طاهره نظری مهر، همسر منوچهر متکی وزیر خارجه که پیشتر اخبار انتصاب او به مشاورت همسرش و نیز مدیر کلی امور زنان و حقوق بشر وزارت خارجه در رسانه‌ها به‌صورت گسترده منتشر شد، از انتقال خانم «ف. ن»، همسر قائم‌مقام وزارت امور خارجه به این وزارتخانه سخن به میان آمده که گویا پیشتر ناظم دبیرستان بوده و در شغل جدید هم با مدیر و معلم دبیرستان یادشده همکار باقی مانده‌اند.

همچنین گزارش شده است که همسر، دختر و پسر منوچهر

# خانم! با ۵ میلیون تومان جان شوهرتان را بخرید

## پیشنهاد پزشک انقلابی برای فراری دادن شوهرم از زندان

(تاریخ نشر در کیهان لندن: مهر تا آذر ماه ۱۳۸۱ - شماره‌های ۹۲۴ تا ۹۳۳)



### پشت دیوارهای بلند از کاخ تا زندان (۲) آذر آریانپور

-«پنج میلیون تومان؟»

آهم بلند شد.

-«پنج میلیون تومان؟ چنین پولی در خانواده ما وجود ندارد.»

با انگشت سبابه‌اش که به بینی نزدیک برد، اشاره کرد که آهسته‌تر صحبت بکنم. می‌ترسید منشی‌اش در اتاق مجاور به مکالمه ما گوش بدهد. سپس اظهار کرد:

-«خانم این مبلغ در ازای جان شوهرتان ارزشی ندارد. انسان باید برای حفظ عزیزان خود از مال دنیا صرف نظر بکند.»

تردید به جانم افتاد. از کجا که جاسوس خود دستگاه

تا زندان» حکایت کرده است. حکایتی به گفته فردوسی «پر آب چشم».

آذر آریانپور که با فرزندانش (روشنک و رامین و بابک) در آمریکا بسر می‌برد از خاندان معروف آریانپور کاشانی و خواهر شادروان دکتر امیرحسین آریانپور استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران است. او پس از پایان تحصیلات دبیرستانی با شجاع الدین شیخ الاسلام زاده - پزشکی جوان - ازدواج کرد و به همراه وی برای ادامه تحصیلات روانه آمریکا شد.

در آمریکا، شیخ الاسلام زاده دوره تخصصی را در رشته جراحی استخوان گذراند و همسرش در رشته ادبیات انگلیسی و آموزش و پرورش لیسانس گرفت.

زندگی مشترک این دو، پس از آزادی شیخ الاسلام زاده از زندان، پایان گرفت، زیرا «شیخ» می‌خواست در ایران بماند و «آذر» در آمریکا ماندنی شده بود.

بخشی از کتاب «پشت دیوارهای بلند» را که به اوایل انقلاب - ششماهه اول سال ۱۳۵۸ - مربوط می‌شود برای مطالعه شما برگزیده‌ایم.

دکتر شجاع‌الدین شیخ‌الاسلام زاده، وزیر بهداشتی و بهزیستی در کابینه هویدا، از جمله دولتمردان رژیم گذشته بود که در سال ۱۳۵۷ هنگامی که اغتشاشات اوج می‌گرفت، به امید آرام کردن اوضاع، از طرف دولت وقت و به موجب مقررات حکومت نظامی بازداشت شدند.

در غوغای ۲۲ بهمن، تعدادی از آنان موفق به فرار شدند و جان خود را از خطر رهانیدند. دکتر شیخ الاسلام زاده به طوری که شاهدان عینی گواهی می‌دهند، شانس فرار را به دلیل پرداختن به یک سرباز زخمی از دست داد و سپس خود را به انقلابیون تسلیم کرد.

او خطر اعدام را بدین سبب که در زندان به خدمات پزشکی پرداخته و وجودش مورد نیاز بود، از سر گذرانید و در دادگاه انقلاب به حبس ابد محکوم شد. حکم صادره ابتدا به پانزده سال و سپس به پنج سال تخفیف یافت و وزیر پیشین، پس از ۵ سال از زندان آزاد شد.

همسر دکتر شیخ الاسلام زاده، آذر آریانپور، این سالهای رنج را در کتابی با عنوان «پشت دیوارهای بلند... از کاخ

مقابل ساختمان شماره ۱۲۰ در خیابان شیخ هادی از اتومبیل پیاده شدم و با تائی به داخل ساختمانی رفتم که روی در آن یک پلاک برنجی قرار داشت و صاحب خانه را معرفی می‌کرد: دکتر راستی، متخصص امراض داخلی و عفونی. از راهروی کوتاهی گذشتم و وارد اتاق انتظار دکتر راستی شدم. به مریضی برخوردیم. اما دختر جوانی که نقش منشی او را داشت مرا به دفتر دکتر راهنمایی کرد. راستی، خودش به استقبال آمد. دقیقاً سه روز از شب هولناک تیرباران می‌گذشت و شوک آن مرا رها نکرده بود. مغزم درست کار نمی‌کرد و احساس خستگی مزمن می‌کردم. با وجود این به پزشک غریبه لبخند زدم و دست او را که به طرفم دراز شده بود، آهسته فشردم. مرد میانه سال و ظریفی بود که کمی حالت زنانه داشت.

با صدای ریز و ژست فرنگی مآبانه به من خوش آمد گفت: -«خانم از آشنایی تان خیلی مسروم. بفرمائید. بفرمائید؟» در حالی که روی صندلی می‌نشستم، پرسیدم: -«در تلفن گفتید که با من کار فوری دارید؟» -«بله، خانم عرضی داشتم. اول بفرمائید که قهوه میل دارید؟»

-«نه، ممنونم. فقط بفرمائید که با من چکار دارید؟» خودش هم نشست و شروع به صحبت کرد: -«بنده طبیب بهداشتی زندان قصر هستم. شوهر شما مریض من است.» در صندلی نیمه خیز شدم و با نگرانی پرسیدم: -«چه بر سرش آمده؟»

پزشک به چشموهای من زل زد تا توجه ام را کاملاً جلب بکند.

-«پس از ماجرای اعدامهای اخیر، فشارخون شوهرتان خیلی بالا رفت و ضربان قلبش نامنظم شد. فعلاً تحت مراقبت است ولی هنوز خطر رفع نشده.» حس کردم که ضربان قلب خودم هم نامنظم شده است.



دکتر شیخ الاسلام‌زاده با همسر و فرزندانش (رامین، بابک روشنک) در سال ۱۳۵۶ هنگامی که وزارت بهداشتی و بهزیستی را به عهده داشت

نباشد؟ از جایم بلند شدم و جواب دادم: -«البته! به شرطی که مال دنیا وجود داشته باشد. آقا، از توجه شما به شوهرم خیلی ممنون هستم. اگر چنان پولی به دست آوردم با شما تماس میگیرم.»

«راستی» دست پاچه شد:

-«خانم، تأمل بفرمائید. بنده پیشنهاد میکنم که با دوست مشترکمان آقای دکتر شاهین مشورت بکنید. ایشان خودشان در جریان این گونه مسایل هستند. فرار از زندان هزار مرتبه خطرناکتر و به همان نسبت هم هزینه اش گرانتر است.»

کنجکاویم عود کرد ولی باز تصمیم به رفتن گرفتم. ←

-«آقای دکتر، چه کمکی از دست من برای او بر می‌آید؟ راستی نگاه سریعی به اطرافش کرد و بدون تأمل به نجوا گفت:

-«کمک بکنید تا فرارش بدهیم!»

-«فرار؟ با آن همه محافظ و سیم خاردار الکتریکی؟» لبخند پرمعنایی تحویلیم داد و روی یک قطعه یادداشت نوشت:

-«با پول همه کار میسر است.»

-«چقدر پول؟»

زیر همان یادداشت اضافه کرد:

→ «همانطور که عرض کردم. بعداً با شما تماس می‌گیرم. فعلاً خدا حافظ!»

«به امید دیدار خانم»

در خیابان پیشنهاد پزشک ناشناس

را در سرم مرور کردم. می‌دانستم اگر معجزه‌های روی ندهد، شجاع از بین می‌رود. اما تهیه آن مبلغ برایم میسر نبود. طبق قوانین جدید من حق هیچگونه معامله نداشتم. خانواده‌ام به علت عوارض ناشی از انقلاب دست تنگ شده بودند. دو برادر بزرگم بیکار بودند.

شرکت کشتی سازی هوشنگ هم در اثر اعتصابهای متوالی خوابیده بود. خواهرم و شوهرش گرفتاریهای خودشان را داشتند. مادرم هم که هر چه داشت با من و فرزندانم سهمیه شده بود. تازه از کجا معلوم که دکتر راستی قصد اخاذی نداشت؟

پس از قدری تفکر تصمیم گرفتم که هر طور شده با دکتر شاهین تماس برقرار بکنم. به نظر می‌رسید که او از اوضاع اطلاع بیشتری دارد.

\*\*\*

چند روز بعد، توسط نادر شاهین موفق به این ملاقات شدم. نادر پس از تعویض دو اتومبیل و قدری پیاده روی مرا از کوچه‌های الهیه به خانه دور افتاده‌ای رساند که مخفی‌گاه پدرش بود. دکتر شاهین که هفته‌های متعددی در انزوا به سر برده بود از دیدار من اظهار مسرت کرد. چرا قبلاً از ایران نگریخته بود؟ وی برای این که شناخته نشود موهای خاکستری خود را به رنگ مشکی در آورده و ریش کوتاهی گذاشته بود. حلقه‌های سیاه دور چشمهایش از بی‌خوابی متوالی خبر می‌داد. اضطراب او را معتاد به سیگار کرده بود. مدتی از همه جا صحبت کردیم از دوستانی که گریخته بودند. از آشنایانی که اعدام شده بودند از کشوری که زیر و رو شده بود.

بیشتر از همه از شجاع که تا پای مرگ رفته و زنده مانده بود، حرف زدیم. سپس صحبت را به ملاقات اخیرم با دکتر راستی کشاندم و به شاهین گفتم:

«شما این شخص را می‌شناسید؟ ظاهراً اظهار آشنایی می‌کرد.»

شاهین پکی به سیگارش زد و گفت: او همان کسی است که مرا در جریان تیربارانها قرار داد!»

با دهان باز به مخاطبم نگاه کردم.

«پس این خبرش هم که شجاع مریض و در بیمارستان زندان بستری است می‌تواند صحت داشته باشد. به من گفت که فشارخون شجاع به حد خطرناکی بالا رفته.»

دکتر شاهین در قالب یک پزشک به من دلداری داد:

«نگران نباش با داروهای جدید فشار خون را کنترل می‌کنند.»

نفسی تازه کردم و پرسیدم:

«برای من آسان نیست که به آن شب فکر بکنم اما دلم می‌خواهد بدانم که چطور شجاع از... تیرباران نجات پیدا کرد.»

شاهین یک دیگری به سیگارش زد و در حالی که دود آن را به هوا می‌فرستاد، جواب داد:

«راستش من هم نمی‌دانم. راستی، حرفی در این مورد به من نزد. شاید خودش هم اطلاعی نداشت که چه دستهایی در آن پشت در کار بوده اند. به هر حال زنده ماندن شجاع معجزه بود.»

«راستی، مدعی است که در مقابل دریافت پنج میلیون تومان می‌تواند شجاع را از زندان فرار بدهد. شما چه فکر می‌کنید؟»

شاهین حالت تفکر به خودش گرفت.

«اگر شجاع آزاد بود با دویست سیصد هزار تومان می‌توانست فرار بکند. اما فرار از زندان مسأله دیگری است و خطر زیاد دارد. اگر گیر بیفتند، آنها اعدامش می‌کنند!»

«به هر حال ما که چنان پولی نداریم و مسأله منتفی است.»

قبل از بازگشت، دکتر شاهین پدران به من اندرز داد که برای خودم و بابک گذرنامه تهیه بکنم تا در صورت لزوم بتوانیم از مملکت خارج بشویم.

چندی بعد شاهین و پسرش موفق به فرار از ایران شدند.

\*\*\*

در شعبه اداره گذرنامه در خیابان فرح سابق، مدتی صبر کردم تا مأمور سرش خلوت بشود. آنگاه جلو رفتم و پس از سلام مؤدبانه درخواستم را با آن مرد در میان گذاشتم. شنیده بودم که اهل حق الزحمه است و آدم را سر نمی‌دواند.

مأمور نگاه زیرکانه‌ای به سرپایم کرد تا نرخ دستش بیاید. سپس پرسید:

«چند تا گذرنامه می‌خواهید؟»

«دو تا برای خودم و پسرم که زیر هیجده سال دارد و ممنوع الخروج نیست.»

«خودتان چطور؟»

«آقا... مگر من چکاره‌ام که ممنوع‌الخروج باشم؟»

مرد با سماجت پرسید:

«قبلاً گذرنامه داشته اید؟»

اگرچه سابقاً زیر نام فامیل شوهرم پاسپورت دیپلماتیک داشتم، ولی بدون داشتن کامپیوتر محال بود که مرد به وجودش پی ببرد. لذا بی‌درنگ جواب دادم:

«خیر. بار اولی است که گذرنامه می‌گیرم.»



«قصدتان از تهیه گذرنامه چیست؟»

«خیال دارم با پسرم برای تابستان به آمریکا بروم بیشتر از یکی - دو ماه نمی‌مانیم.»

جرات نکردم به فرزندانم در آمریکا اشاره بکنم مأمور از من خواست که شناسنامه‌هایمان را نشانم بدهم.

مال خودم را جلوی چشم گذاشتم و شروع به ورق زدن کردم. خاطرم آسوده بود که بر حسب تصادف نام شوهرم در آن درج نشده و نیاز به موافقت او نبود. نوبت به شناسنامه بابک رسید ضربان قلبم شدید شد. مأمور پرسید:

«خودش کجاست؟»

«مدرسه داشت. من جایش امضاء می‌کنم.»

نگاه مأمور روی نام فامیل پسرم خیره ماند. با خودم گفتم الان کمیته را خبر می‌کند. آهسته گفتم:

«خانم می‌دانید که اسم فامیل پسران ممکن است باعث اشکال تراشی بشود؟»

با ترس یک هزار تومانی زیر شناسنامه بابک لغزاندم و گفتم:

«یقین دارم که شما اجازه نمی‌دهید کار به آنجا بکشد!»

این نخستین باری در عمرم بود که به یک کارمند دولت رشوه می‌دادم و از این لحاظ احساس خجالت می‌کردم. دستهای مأمور به سرعت به حرکت درآمدند و اسکناس به جیب‌اش منتقل گردید. سپس دو ورقه جلوی من گذاشت تا پر بکنم. همین کار را کردم و آنها را تحویلش دادم. با صدای رسمی گفت:

«سه هفته دیگر برای گرفتن گذرنامه‌ها مراجعه بکنید!»

در ظرف سه هفته خیلی اتفاقی می‌توانست روی بدهد. من نمی‌توانستم فرصت را از دست بدهم.

«آقا نمی‌شود در این امر قدری تسریع بفرمائید؟»

«سرمای خیلی شلوغ است!»

بدون یک کلمه دیگر. آخرین دارایی‌ام را که پانصد تومانی بود، توی دستش گذاشتم سرش را به رضایت تکان داد و به کار خود مشغول شد.

سه روز بعد پاسپورت‌های من و بابک آماده بود.

\*\*\*

در ایوان حیاط مادرم برای شجاع نامه می‌نوشتیم. بوته‌های گل‌سرخ بعد از ظهر یک روز گرم اردیبهشت ماه را عطر افشانی می‌کردند خدا می‌دانست که باعجه خانه خودمان در چه حال بود. مدتها می‌شد که به آنجا پا نگذاشته بودم. بابک از داخل آپارتمان صدا زد:

«ماما، یک نفر از طرف پدرم آمده و می‌خواهد شما را ببیند!»

با شتاب به اتاق بازگشتم. مهمان در سالن پذیرایی مادرم انتظارم را می‌کشید. مردی بود چهل ساله با اسباب صورت مشخص و یک دست و پایش در گچ قرار داشت. با زحمت خود را در میل راحتی جا داد. سپس خود را معرفی کرد.

«نام من حریری است. مرا به اتهام واهی همکاری با ساواک بازداشت کرده بودند. همین الان آزاد شدم. در زندان با دکتر شیخ آشنا شدم.»

بی‌اختیار پرسیدم:

«حالش چطور است؟ شنیدم که قدری کسالت پیدا کرده.»

با بی‌شکیبایی گفت:

«اگر اجازه بدهید خودم تعریف می‌کنم. همانطور که گفتم من با دکتر شیخ در قصر آشنا شدم. هر دویمان را در یک سلول گذاشته بودند. از غذای آلوده و فضای کثیف دچار عوارض معده شدم که تقریباً مرا از پای در آورد. اگر مراقبت‌های دکتر شیخ نبود زنده نمی‌ماندم.»

مکت کرد نفسی تازه بکنم. با احتیاط پرسیدم:

«دست و پابتنان چطور شکست؟»

صورت حریری در هم رفت و پای آسیب دیده خود را جا به جا کرد.

«موقع دستگیری آسیب دیدم این گچها یادگاری شوهر شماست!»

بابک مضطربانه سؤال کرد:

«پدرم هم صدمه دیده؟»

مرد سر خود را با تأسف تکان داد.

«هیچ کس در زندان قصر نیست که نوعی آسیب ندیده باشد. هفته قبل به قدری فشارخون پدرت بالا رفت که

اجباراً بستریش کردند. بعد از آن دیگر او را ندیدم.



## روزنامه «تلگراف»: چین در حال تأمین سوخت موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی است



کشتی باری جمهوری اسلامی در آب‌های بین‌المللی

میعاد ملکی مقام پیشین وزارت خزانه‌داری آمریکا که در حوزه تحریم‌های خاورمیانه فعالیت داشته، گفت: «با این حال، این قطعاً نشانه‌ای است از این‌که ایران به‌طور ناامیدانه‌ای در تلاش است تا ذخایر خود را دوباره تأمین کند و کمبود موجودی سوخت راکت‌ها و موشک‌ها را جبران کند.»

او افزوده: «در حال حاضر، آن‌ها در حالی که درگیر یک درگیری مستقیم هستند، به‌شدت به این مواد نیاز دارند. آن‌ها از موشک‌های خود استفاده می‌کنند؛ بنابراین انتظار می‌رود اکنون شاهد افزایش واردات این مواد شیمیایی به ایران باشیم.»

مقام‌های اطلاعاتی آمریکا به شبکه سی‌ان‌ان گفته‌اند که با وجود ادعاها، حدود نیمی از تمامی پرتابگرهای موشکی در ایران همچنان سالم باقی مانده‌اند.

هر پنج کشتی شناسایی شده توسط روزنامه تلگراف، متعلق به گروه کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران هستند که یک شرکت دولتی است و از سوی آمریکا، بریتانیا، اتحادیه اروپا، سوئیس و دیگر کشورهای اروپایی تحریم شده است. ملکی مشاور ارشد در بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD)، یک مؤسسه پژوهشی آمریکایی، گفت که همین کشتی‌هایی که در چنین محموله‌هایی نقش دارند، پیش‌تر نیز در حال حرکت از بندر گائولان مشاهده شده بودند.

او اشاره کرد که بعید است ایران از کشتی‌های تحت تحریم برای کمک‌های بشردوستانه استفاده کند، زیرا این کالاها به‌راحتی می‌توانند با نفتکش‌های غیرتحریمی منتقل شوند تا از بروز مشکل در طول مسیر جلوگیری شود، به‌ویژه اگر نیاز به سوخت‌گیری در بندر خارجی داشته باشند.

چهار کشتی «هامونا»، «برزین»، «شایدیس» و «راین» همگی از تاریخ ۲۲ مارس وارد شده‌اند، پس از آن‌که به‌طور میانگین حدود سه هفته را در مسیر دریا سپری کرده بودند.

کشتی پنجم، زاردیس نیز به نظر می‌رسد نزدیک به پهلوگیری باشد و در حال حاضر در آب‌های نزدیک ایران قرار دارد.

● روزنامه «تلگراف» سوم آوریل (۱۴ فروردین) گزارش داد کشتی‌هایی که گمان می‌رود حامل مواد شیمیایی چینی برای سوخت موشک باشند، وارد ایران شده‌اند؛ موضوعی که پرسش‌هایی درباره میزان حمایت پکن از این رژیم برمی‌انگیزد.

● بر اساس تحلیل روزنامه تلگراف از داده‌های کشتیرانی، چهار کشتی با پرچم جمهوری اسلامی که تحت تحریم قرار دارند، از زمان آغاز جنگ در بنادر ایران پهلو گرفته‌اند.

روزنامه «تلگراف» سوم آوریل (۱۴ فروردین) گزارش داد کشتی‌هایی که گمان می‌رود حامل مواد شیمیایی چینی برای سوخت موشک باشند، وارد ایران شده‌اند؛ موضوعی که پرسش‌هایی درباره میزان حمایت پکن از این رژیم برمی‌انگیزد.

بر اساس تحلیل روزنامه تلگراف از داده‌های کشتیرانی، چهار کشتی با پرچم جمهوری اسلامی که تحت تحریم قرار دارند، از زمان آغاز جنگ در بنادر ایران پهلو گرفته‌اند. بر پایه اطلاعات و بساطت ردیابی کشتی‌ها «Marine Traffic» یک کشتی دیگر نیز در نزدیکی آب‌های ایران در حالت شناور در دریا دیده شده است.

گمان می‌رود این کشتی‌ها حامل سدیم پرکلرات باشند؛ ماده‌ای پیش‌ساز که برای تولید پیش‌ران‌های سوخت جامد در موشک‌ها به کار می‌رود.

این کشتی‌ها از بندر گائولان در شهر ژوهای حرکت کرده‌اند؛ بندری که میزبان برخی از بزرگ‌ترین پایانه‌های ذخیره‌سازی مواد شیمیایی مایع در چین است.

تحلیل روزنامه تلگراف که توسط کارشناسان نیز مورد بررسی قرار گرفته، نشان می‌دهد این کشتی‌ها ممکن است به اندازه‌ای سدیم پرکلرات منتقل کرده باشند که برای تولید صدها موشک بالستیک کافی باشد.

مشخص نیست که آیا حکومت ایران پس از یک کارزار مبارزان گسترده پنج‌هفته‌ای از سوی آمریکا و اسرائیل، همچنان توانایی ساخت سلاح‌های جدید را حفظ کرده است.

→ شاید هنوز هم در بهداری باشد.

برای چند لحظه همه به فکر فرو رفتیم. مرد سکوت را شکست:

«در اوایل روحیه دکتر شیخ خوب بود. فقط از بیکاری و بی‌تکلیفی شکایت داشت. مگر به مقامات زندان پیغام می‌فرستاد که از وجود او در بهداری استفاده نکنند. جز در یکی دو مورد قبول نکردند. بالاخره داوطلب شد که آبریزگاه را تمیز و ضدعفونی بکند. نمی‌دانید چه وضعی داشتیم. مگس و شپش همه جا را گرفته بود و شبها از دست موش خواب نداشتیم به همت دکتر شیخ وضع بهبود یافت.»

من و بابک تعجبی نکردیم. شجاع قلباً یک آدم خاکی بود. حریری ادامه داد:

«یک روز صبح مشغول صرف صبحانه مختصر زندان بودیم که دو نفر پاسدار داخل شدند و به دکتر شیخ گفتند: بلند شو که خلخالی احضارت کرده! دکتر چایش را ناتمام گذاشت و از جایش بلند شد. یکی از پاسدارها به طعنه گفت: بهتر است صبحانه‌ات را تمام بکنی چون این غذای آخر توست!»

با شنیدن این حرف دکتر شیخ یک ده تومانی از جیب خود درآورد و گوشه آن چیزی نوشت و با ساعتش به من داد و گفت: اگر مرا ندیدی، اینها را به رسم یادگار به زن و بچه‌هایم برسان! سپس مرا در بغل فشرد و بدون اعتراض همراه پاسدارها رفت. من از شدت تأثر به گریه افتادم. انسان به رفیق زندانی‌اش خیلی انس می‌گیرد!

مرد مکث کرد و از اسکان چای که بابک آورده بود، جرعه ای نوشید. سپس برای ما که بی‌صبرانه منتظر شنیدن بقیه ماجرا بودیم، این‌طور تعریف کرد:

«یک ساعت پس از نیمه شب، بعد از قریب هفده ساعت دکتر شیخ را به سلول برگرداندند. نزدیک بود از تعجب زبانم بند بیاید نمی‌دانید چه حالی داشت به سختی می‌توانست روی پایش بایستد. معلوم شد که بیست و دو نفر از مقامات قبلی را اعدام کرده‌اند و نوبت دکتر شیخ را به شب بعد موکول کرده‌اند؟ چرا نمی‌دانم... در هر صورت همان شب او را به کلینیک زندان منتقل کردند. به نظر می‌رسید که حالش خیلی خراب است و ممکن است سکنه بکند. خوشبختانه شب بعد آیت الله خمینی دستور عفو صادر کرد و دکتر شیخ به طور معجزه‌آسایی زنده ماند.»

من و بابک چنان از خود بیخود شده بودیم که انگار تمام آن ماجرای هولناک را شخصاً به چشم می‌دیدیم.

سکوت خود را شکستم و پرسیدم:

«خیال می‌کنید که عاقبت بر سر شوهرم چه می‌آید؟»

گفت: آیت الله خلخال، حاکم شرع تندرو جای خود را به فرد معتدل‌تری سپرده باید امیدوار باشیم که اعدام‌های سریع دیگر تکرار نشوند.

پس از گفتن این حرف با دشواری از جای خود بلند شد و از جیب کتش ساعت امگای شجاع و یک اسکناس ده تومانی را در آورد و به من داد.

«خانم خواهش می‌کنم مرا برادر خود بشمارید. هر کمکی از دستم بر بیاید در حق خانواده دکتر شیخ فروگذار نمی‌کنم. خدا نگهدار شما باشد!»

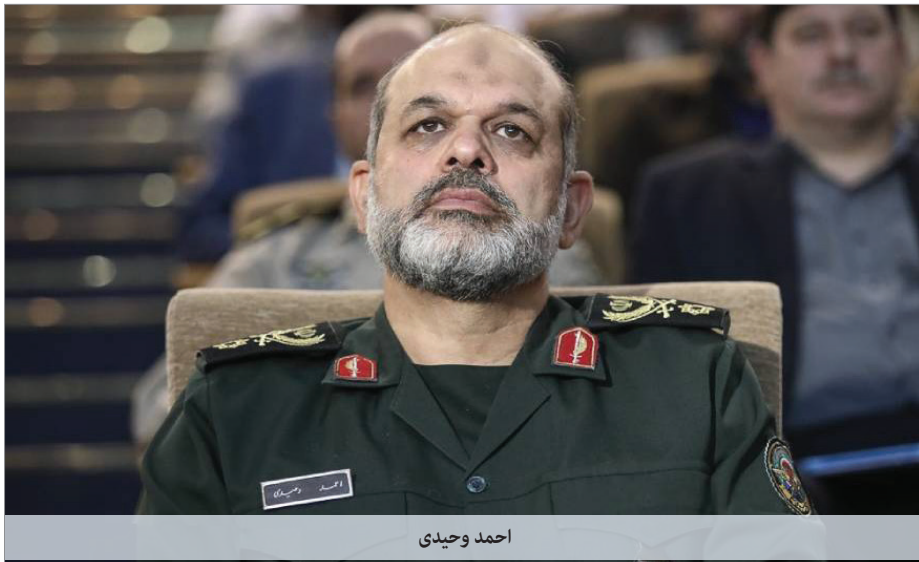
این را گفت و لنگان از در خارج شد. یک اتومبیل کرایه‌ای جلوی آبارتمان مادم انتظارش را می‌کشید.

بعد از رفتن مهمان سرزده، من ساعت امگا را به بابک دادم. با غرور به دست کرد. شجاع در گوشه اسکناس ده تومانی نوشته بود: خداحافظ همه!

زندگی خودش هم مثل همین اسکناس مچاله دست به دست می‌گردید!

دنباله دارد

## نزدیک شدن ضرب الاجل ترامپ؛ کاهش امید به توافق و نقش پررنگ وحیدی



احمد وحیدی

پرداخت گرامت با تأیید کنگره و سازمان ملل است؛ شروطی که به گفته او، ریشه در بی‌اعتمادی عمیق تهران به ترامپ و دولتت دارد.

با این حال، مقام‌های دو طرف نسبت به امکان توافق پیش از پایان ضرب‌الاجل، بدبین‌تر شده‌اند. برخی مقام‌های آمریکایی به وال‌استریت ژورنال گفته‌اند: «شکاف موجود تهران همچنان تنگه هرمز را یک اهرم فشار مؤثر می‌بیند. در مقابل، مقام‌های ایرانی به میانجی‌ها گفته‌اند حتی در صورت ادامه مذاکرات، انتظار دارند آمریکا و اسرائیل به حملات خود ادامه دهند. ترامپ نیز گفته است، ایران «به گمان ما با حسن نیت در حال مذاکره است»، اما هشدار داده که در غیر این صورت، ایالات متحده «همه‌چیز را نابود خواهد کرد».

در حالی که گزارش‌های وال‌استریت ژورنال و نیویورک تایمز از کاهش احتمال توافق میان تهران و واشنگتن در آستانه ضرب‌الاجل خبر می‌دهند، گزارش‌های اختصاصی ایران اینترنشنال از تعمیق کم‌سابقه شکاف در سطوح عالی قدرت در جمهوری اسلامی حکایت دارد؛ شکافی که به گفته منابع آگاه، به رویارویی آشکار میان مسعود پزشکیان و فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انجامیده است. به گفته دو منبع نزدیک به دفتر ریاست جمهوری، دیداری در میانه فروردین، پزشکیان اقدامات احمد وحیدی و دیگر فرماندهان نظامی را «خودسرانه» توصیف کرده و هشدار داده است که تشدید حملات منطقه‌ای، فرصت‌های آتش‌بس را از بین برده و کشور را بسوی بحرانی گسترده سوق می‌دهد؛ اختلافی که می‌تواند بر مسیر تصمیم‌گیری و چشم‌انداز هرگونه توافق نیز اثرگذار باشد.

منابع: وال‌استریت ژورنال و نیویورک تایمز  
ترجمه: کیهان لندن

با نقش‌آفرینی احمد وحیدی انجام می‌شود. به نوشته این روزنامه، همین موضوع او را به یکی از محورهای اصلی تلاش‌های واشنگتن و میانجی‌های منطقه‌ای برای حفظ یک کانال محدود گفتگو، پیش از تصمیم احتمالی ترامپ برای تشدید حملات، تبدیل کرده است.

بر اساس این گزارش، رؤسای نهادهای اطلاعاتی مصر و ترکیه، همراه با فرماندهی ارتش پاکستان، بخش مهمی از تلاش‌های میانجی‌گرانه خود را بر تماس با وحیدی و دیگر مقام‌های ارشد اطلاعاتی سپاه متمرکز کرده‌اند. اهمیت این نقش در شرایطی بیشتر شده است که ارتباط مستقیم میان تهران و واشنگتن همچنان محدود، ناپایدار و شکننده توصیف می‌شود. با این حال، تحولات میدانی جنگ، روند تماس‌ها را با دشواری بیشتری روبرو کرده است. حملات هوایی به کشته‌شدن شماری از مقام‌های ارشد ایرانی و آسیب به زیرساخت‌های ارتباطی دولت منجر شده است و همین مسئله، شناسایی افرادی را که اختیار واقعی برای مذاکره دارند و نیز برقراری تماس با آن‌ها را دشوارتر کرده است.

ترامپ روز دوشنبه در جمع خبرنگاران به این مشکل اشاره کرد و گفت: «بزرگ‌ترین مشکلی که در مذاکره داریم این است که آن‌ها نمی‌توانند ارتباط برقرار کنند.» او همچنین افزود: «بستگی دارد چه کار کنند. این یک دوری حساس است.»

در همین حال، نیویورک تایمز گزارش داده که ایران برای پایان درگیری، شروط گسترده‌ای مطرح کرده است؛ از جمله توقف کامل جنگ با تضمین ازسرگرفته‌نشدن آن، رفع کامل تحریم‌ها با تضمین عدم بازگشت، و دریافت گرامت جنگی. امیر موسوی، دیپلمات پیشین ایرانی، نیز گفت: تهران پیشنهاد کرده است تنگه هرمز تحت «مدیریت مشترک ایران و عمان» بازگشایی شود. به گفته او، این طرح همچنین شامل پایان رسمی جنگ با مصوبه‌ی کنگره‌ی آمریکا و

● با نزدیک شدن به ضرب‌الاجل تعیین‌شده از سوی دونالد ترامپ برای بازگشایی تنگه هرمز، گزارش‌های وال‌استریت ژورنال و نیویورک تایمز از کاهش چشمگیر امیدها به دستیابی به یک توافق فوری میان تهران و واشنگتن خبر می‌دهند.

● وال‌استریت ژورنال به نقل از مقام‌های آمریکایی و خاورمیانه‌ای گزارش داده است که تصمیم‌گیری درباره‌ی هرگونه مذاکره، از مسیر شورای عالی امنیت ملی ایران و با نقش‌آفرینی احمد وحیدی انجام می‌شود.

● بر اساس این گزارش، رؤسای نهادهای اطلاعاتی مصر و ترکیه، همراه با فرماندهی ارتش پاکستان، بخش مهمی از تلاش‌های میانجی‌گرانه‌ی خود را بر تماس با وحیدی و دیگر مقام‌های ارشد اطلاعاتی سپاه متمرکز کرده‌اند.

● ترامپ روز دوشنبه در جمع خبرنگاران به این مشکل اشاره کرد و گفت: «بزرگ‌ترین مشکلی که در مذاکره داریم این است که آن‌ها نمی‌توانند ارتباط برقرار کنند.»

● نیویورک تایمز گزارش داده که ایران برای پایان درگیری، شروط گسترده‌ای مطرح کرده است؛ از جمله توقف کامل جنگ با تضمین ازسرگرفته‌نشدن آن، رفع کامل تحریم‌ها با تضمین عدم بازگشت، و دریافت گرامت جنگی.

● با این حال، مقام‌های دو طرف نسبت به امکان توافق پیش از پایان ضرب‌الاجل، بدبین‌تر شده‌اند. برخی مقام‌های آمریکایی به وال‌استریت ژورنال گفته‌اند: «شکاف موجود بسیار بزرگ‌تر از آن است که بتوان آن را پر کرد» و معتقدند تهران همچنان تنگه هرمز را یک اهرم فشار مؤثر می‌بیند. ● ترامپ نیز گفته است، ایران «به گمان ما با حسن نیت در حال مذاکره است»، اما هشدار داده که در غیر این صورت، ایالات متحده «همه‌چیز را نابود خواهد کرد».

● به گفته دو منبع نزدیک به دفتر ریاست جمهوری، در دیداری در میانه فروردین، پزشکیان اقدامات احمد وحیدی و دیگر فرماندهان نظامی را «خودسرانه» توصیف کرده و هشدار داده است که تشدید حملات منطقه‌ای، فرصت‌های آتش‌بس را از بین برده و کشور را بسوی بحرانی گسترده سوق می‌دهد؛ اختلافی که می‌تواند بر مسیر تصمیم‌گیری و چشم‌انداز هرگونه توافق نیز اثرگذار باشد.

با نزدیک شدن به ضرب‌الاجل تعیین‌شده از سوی دونالد ترامپ برای بازگشایی تنگه هرمز، گزارش‌های وال‌استریت ژورنال و نیویورک تایمز از کاهش چشمگیر امیدها به دستیابی به یک توافق فوری میان تهران و واشنگتن خبر می‌دهند؛ در شرایطی که به‌نوشته‌ی این رسانه‌ها، احمد وحیدی بعنوان یکی از بازیگران کلیدی در فرآیند تصمیم‌گیری ایران و کانال‌های غیرمستقیم دیپلماتیک، نقشی محوری در تلاش‌های میانجی‌گرانه و سنجش امکان ادامه یا تشدید تنش‌ها ایفا می‌کند.

وال‌استریت ژورنال به نقل از مقام‌های آمریکایی و خاورمیانه‌ای گزارش داده است که تصمیم‌گیری درباره‌ی هرگونه مذاکره، از مسیر شورای عالی امنیت ملی ایران و

## توافق میان جمهوری اسلامی و آمریکا در اسلام آباد بعید است



تشییع جنازه خادمی رئیس اطلاعات سپاه پاسداران

● پس از آتش‌بس موقت، حملات سنگین اسرائیل به حزب‌الله در بیروت و ادامه انسداد تنگه هرمز و حملات پراکنده تردیدها درباره امکان دستیابی مذاکره‌کنندگان به توافق در سایر اختلافات را افزایش داد. در داخل ایران شکاف میان جریان‌های پرنفوذ حکومت بر سر مذاکره کردن با آمریکا و ادامه «مقاومت» زیاد شده است. به نظر می‌رسد بخش‌هایی از سپاه پاسداران از مرکز حرف شنوی ندارند.

● به گزارش سی‌ان‌ان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا که هر دو پس از اعلام آتش‌بس ادعای پیروزی کردند به نظر می‌رسد تلاش داشتند بر یکدیگر فشار وارد کنند.

● منابع داخلی ایران گزارش دادند که نیروها احتمالاً تنگه هرمز را مین‌گذاری کرده‌اند؛ همزمان دونالد ترامپ هشدار داد که اگر ایران به توافق پایبند نباشد، نیروهای آمریکا حملات شدیدتری علیه آن انجام خواهند داد.

● با این حال، ماهیت این توافق همچنان محل اختلاف جدی است. فراتر از این‌که آیا لبنان نیز در آن گنجانده شده یا نه، پرسش‌هایی درباره سرنوشت ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران، زمان و نحوه ازسرگیری عبور و مرور در تنگه، و آینده توانایی ایران برای انجام حملات موشکی مطرح است.

پس از آتش‌بس موقت، حملات سنگین اسرائیل به حزب‌الله در بیروت و ادامه انسداد تنگه هرمز و حملات پراکنده تردیدها درباره امکان دستیابی مذاکره‌کنندگان به توافق در سایر اختلافات را افزایش داد. در داخل ایران شکاف میان جریان‌های پرنفوذ حکومت بر سر مذاکره کردن با آمریکا و ادامه «مقاومت» زیاد شده است. به نظر می‌رسد بخش‌هایی از سپاه پاسداران از مرکز حرف شنوی ندارند.

به گزارش سی‌ان‌ان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا که هر دو پس از اعلام آتش‌بس ادعای پیروزی کردند به نظر می‌رسد تلاش داشتند بر یکدیگر فشار وارد کنند.

منابع داخلی ایران گزارش دادند که نیروها احتمالاً

## بلومبرگ: هیچ تضمینی برای ادامه آتش‌بس موقت میان آمریکا و جمهوری اسلامی وجود ندارد



یک نفتکش غول‌پیکر در تنگه هرمز / عکس: رویترز

قوی برای تداوم است و تنها یک «امر موقت» است. اختلافات اساسی درباره موضوعاتی مثل برنامه هسته‌ای رژیم و تحریم‌ها همچنان باقی مانده‌اند و هیچ تضمینی برای تبدیل این آتش‌بس به یک صلح دائمی وجود ندارد. همچنین برخی کشورها و بازیگران منطقه‌ای مانند اسرائیل اعلام کرده‌اند که توافق آتش‌بس «تمام حوزه‌های منطقه‌ای» را شامل نمی‌شود و درگیری‌ها در برخی جبهه‌ها ممکن است ادامه داشته باشد.

ساعاتی پس از اعلام آتش‌بس موقت میان جمهوری اسلامی و آمریکا، تاسیسات نفتی در جزایر سیری و لاوان برای نخستین بار هدف قرار گرفتند. همچنین پایگاه‌های نظامی در بوشهر نیز هدف حمله هوایی قرار گرفت. وزارت دفاع امارات نیز اعلام کرد چندین پهپاد و موشک از خاک ایران به این کشور پرتاب شده است.

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی مدعی شده بر اساس توافق موقت، «به مدت دو هفته تردد امن در تنگه هرمز در هماهنگی با نیروهای مسلح ایران و با نظرداشت محدودیت‌های فنی موجود مقدور خواهد بود.»

### سفر نخست وزیر انگلیس به منطقه

همزمان گزارش شد که کی‌پر استارمر نخست‌وزیر بریتانیا روز چهارشنبه برای گفتگو با رهبران منطقه‌ای به خلیج فارس سفر می‌کند. او در این سفر تلاش دارد تا از بازگشایی دائمی تنگه هرمز در پی آتش‌بس دو هفته‌ای آمریکا و جمهوری اسلامی اطمینان حاصل کند.

استارمر در استقبال از آتش‌بس موقت میان تهران و واشنگتن اعلام کرد: «من از توافق آتش‌بسی که حاصل شد و لحظه‌ای آرامش را برای منطقه و جهان به ارمغان خواهد آورد، استقبال می‌کنم. ما باید به همراه شرکا تمام تلاش خود را برای حمایت و حفظ این آتش‌بس و تبدیل آن به یک توافق پایدار و بازگشایی تنگه هرمز انجام دهیم.»

دونالد ترامپ طی هفته‌های گذشته بارها از بریتانیا به دلیل آنچه «عدم حمایت از عملیات مشترک آمریکا و اسرائیل علیه ایران» خوانده، به شدت انتقاد کرد.

● دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد که با آتش‌بس موقت دو هفته‌ای با جمهوری اسلامی ایران موافقت کرده تا فضای لازم برای مذاکرات گسترده‌تر فراهم شود. این توافق فقط چند ساعت پیش از مهلت تعیین‌شده توسط ترامپ برای آغاز حملات گسترده علیه رژیم ایران اعلام شد، اما برخی منابع می‌گویند هیچ تضمینی برای ادامه آتش‌بس وجود ندارد و مسائل کلیدی زیادی حل نشده باقی‌مانده است.

● در گزارش بلومبرگ که ۸ آوریل (۱۹ فروردین) منتشر شد، آمده است که آتش‌بس منوط به این است که حکومت ایران تنگه هرمز را باز کند و در مقابل بطور همزمان عملیات نظامی متوقف شود.

● اختلافات اساسی درباره موضوعاتی مثل برنامه هسته‌ای رژیم و تحریم‌ها همچنان باقی مانده‌اند و هیچ تضمینی برای تبدیل این آتش‌بس به یک صلح دائمی وجود ندارد.

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد که با آتش‌بس موقت دو هفته‌ای با جمهوری اسلامی ایران موافقت کرده تا فضای لازم برای مذاکرات گسترده‌تر فراهم شود. این توافق فقط چند ساعت پیش از مهلت تعیین‌شده توسط ترامپ برای آغاز حملات گسترده به رژیم ایران اعلام شد، اما برخی منابع می‌گویند هیچ تضمینی برای ادامه آتش‌بس وجود ندارد و مسائل کلیدی زیادی حل نشده باقی‌مانده است.

در گزارش بلومبرگ که ۸ آوریل (۱۹ فروردین) منتشر شد، آمده است که آتش‌بس منوط به این است که حکومت ایران تنگه هرمز را باز کند و در مقابل بطور همزمان عملیات نظامی متوقف شود.

این آتش‌بس در حالی صورت گرفته که بازارهای جهانی در واکنش به آن با آرامش نسبی روبرو شده‌اند: قیمت نفت کاهش یافت، شاخص‌های بورس افزایش یافت و سرمایه‌گذاران از کاهش احتمالی تنش‌ها استقبال کردند اما تحلیلگران هشدار داده‌اند که این آتش‌بس فاقد تضمین

## دوران نبرد با تاریکی؛ ولیعهد ۲۵ ساله؛ بازخواهم گشت! (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



در حالی که از یک طرف مہم‌های عراقی بر سر مردم فرود می‌آید و از طرف دیگر رژیم ملایان کشور را غارت می‌کند و همزمان آزادی و حقوق مردم را بیش از پیش زیر پا می‌گذاشت، پهلوی در حال تبدیل شدن به یگانه امید آزادبخواهان ایران بود.

شهریور ۱۳۶۵ دورانی که وضعیت ایران بسیار وخیم‌تر از اوایل فاجعه ۵۷ شده بود، یکی از عجیب‌ترین و در عین حال کم‌واکاو‌ی‌شده‌ترین اپیزودهای جنگ رسانه‌ای و روانی میان رژیم جمهوری اسلامی و اپوزیسیون پادشاهی‌خواه در دهه ۶۰ خورشیدی روی داد.

## اخراج کاردار سفارت جمهوری اسلامی از آرژانتین



کاردار سفارت جمهوری اسلامی و همسرش در خرس  
عروسی در فرودگاه بوئنس آیرس

دولت آرژانتین سه‌شنبه ۱۱ فروردین ۱۴۰۵ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به‌عنوان یک «سازمان تروریستی» معرفی کرد. یک روز بعد در روز ۱۲ فروردین سال جاری وزارت خارجه ایران طی بیانیه‌ای به این اقدام واکنش نشان داد. در این بیانیه این اقدام دولت آرژانتین «غیرقانونی و ناموجه» و «اتهام‌زنی به سپاه» و «خلاف عرف و حقوق بین‌الملل» شناخته شد.

● کاردار سفارت جمهوری اسلامی در آرژانتین که با اولتیماتوم دولت این کشور اخراج شده بود به همراه خانواده‌اش بوئنس آیرس را ترک کرد. در همین ارتباط روز یکشنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۵ تصویری از محسن سلطانی تهرانی و خانواده‌اش در فرودگاه منتشر شد.

● وزارت خارجه آرژانتین اعلام کرده بود در پی «اتهامات نادرست، توهین‌آمیز و نامناسب» نسبت به این کشور که در بیانیه اخیر وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران درج شده محسن سلطانی تهرانی، کاردار ایران را اخراج کرده است. ● در این بیانیه، کاردار سفارت جمهوری اسلامی «عنصر نامطلوب» خوانده شد و به او ۴۸ ساعت فرصت داده شد تا آرژانتین را ترک کند.

کاردار سفارت جمهوری اسلامی در آرژانتین که با اولتیماتوم دولت این کشور اخراج شده بود به همراه خانواده‌اش بوئنس آیرس را ترک کرد. در همین ارتباط روز یکشنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۵ تصویری از محسن سلطانی تهرانی و خانواده‌اش در فرودگاه منتشر شد.

وزارت خارجه آرژانتین اعلام کرده بود در پی «اتهامات نادرست، توهین‌آمیز و نامناسب» نسبت به این کشور که در بیانیه اخیر وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران درج شده محسن سلطانی تهرانی، کاردار ایران را اخراج کرده است. در این بیانیه، کاردار سفارت جمهوری اسلامی «عنصر نامطلوب» خوانده شد و به او ۴۸ ساعت فرصت داده شد تا آرژانتین را ترک کند.

→ تنگه هرمز را مین‌گذاری کرده‌اند؛ همزمان دونالد ترامپ هشدار داد که اگر ایران به توافق پایبند نباشد، نیروهای آمریکا حملات شدیدتری علیه آن انجام خواهند داد. با این حال، ماهیت این توافق همچنان محل اختلاف جدی است. فراتر از این که آیا لبنان نیز در آن گنجانده شده یا نه، پرسش‌هایی درباره سرنوشت ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران، زمان و نحوه ازسرگیری عبور و مرور در تنگه، و آینده توانایی ایران برای انجام حملات موشکی مطرح است.

محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی اعلام کرد که حفظ حق تهران برای غنی‌سازی اورانیوم «ضروری» است و باید در هرگونه مذاکرات آتش‌بس با آمریکا لحاظ شود.

او همچنین گفت: «این یکی از موارد ضروری است که هیچ‌کس درباره آن صحبت نمی‌کند»، و به عدم پذیرش غنی‌سازی از سوی آمریکا به‌عنوان بخشی از طرح ۱۰ ماده‌ای ایران برای آتش‌بس دائمی اشاره کرد. قرار است آمریکا و ایران این آخر هفته در اسلام‌آباد برای مذاکرات دیدار کنند.

وزارت بهداشت لبنان اعلام کرد که در حملات گسترده اسرائیل به مرکز بیروت و سایر مناطق لبنان در روز چهارشنبه، دست‌کم ۲۰۳ نفر کشته و بیش از هزار نفر زخمی شدند. این حملات همزمان با تشدید عملیات علیه گروه حزب‌الله صورت گرفت.

این آمار، بالاترین تلفات یک‌روزه لبنان در بیش از پنج هفته جنگ مجدد میان اسرائیل و حزب‌الله محسوب می‌شود.

اسرائیل اعلام کرد که علی یوسف حرشی، از نزدیکان نعیم قاسم را کشته است.

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی تأکید کرد که پایان جنگ در لبنان بخشی از توافق آتش‌بس بوده، اما نخست‌وزیر اسرائیل بنیامین نتانیاهو و ترامپ این موضوع را رد کردند.

نتانیاهو روز پنجشنبه گفت اسرائیل حملات خود علیه حزب‌الله را «با قدرت، دقت و قاطعیت» ادامه خواهد داد.

### قیمت نفت و تنگه هرمز

انسداد عملی تنگه هرمز باعث جهش شدید قیمت نفت شده و به‌دنبال آن هزینه سوخت، غذا و سایر کالاهای اساسی را در سراسر جهان افزایش داده است.

ایران اعلام کرده در صورت توقف «تجاوز» آمریکا در خاورمیانه و پایان حملات اسرائیل به لبنان، عبور کشتی‌ها از تنگه طبق قوانین بین‌المللی از سر گرفته خواهد شد.

کاخ سفید اعلام کرد که جی‌دی ونس معاون رئیس‌جمهور، ریاست هیئت آمریکایی را در مذاکرات اسلام‌آباد بر عهده خواهد داشت؛ مذاکراتی که از شنبه آغاز می‌شود.

اختلافات زیادی باقی مانده، از جمله این که آیا ایران اجازه خواهد داشت برای عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز هزینه دریافت کند یا نه اقدامی که می‌تواند نظم چندین دهه‌ای این آبراه بین‌المللی را تغییر دهد.

سرنوشت برنامه‌های موشکی و هسته‌ای ایران نیز همچنان نامشخص است. آمریکا تأکید دارد ایران نباید به سلاح هسته‌ای دست یابد و خواهان حذف ذخایر اورانیوم با غنای بالای آن است، در حالی که ایران برنامه خود را صلح‌آمیز می‌داند.

ترامپ گفت آمریکا با ایران برای انتقال اورانیوم مدفون همکاری خواهد کرد، اما ایران این موضوع را تأیید نکرد. در یکی از نسخه‌های منتشرشده از سوی ایران، ادامه غنی‌سازی مجاز دانسته شده است.

## تایمز: مجتبی‌خامنه‌ای در بیهوشی کامل؛ جمهوری اسلامی در بحران رهبری



● بر اساس یک یادداشت دیپلماتیک مبتنی بر ارزیابی‌های اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل، مجتبی‌خامنه‌ای در وضعیت بیهوشی و ناتوانی کامل قرار دارد و در قم تحت درمان است. این گزارش تأکید می‌کند که او عملاً قادر به مشارکت در تصمیم‌گیری‌های حکومتی نیست؛ موضوعی که پرسش‌های جدی درباره توانایی اداره کشور در بالاترین سطح قدرت ایجاد کرده است.

● این سند برای نخستین بار محل حضور مجتبی‌خامنه‌ای را در قم افشا می‌کند؛ شهری که همزمان به‌عنوان کانون روحانیت شیعه و محل احتمالی دفن علی‌خامنه‌ای مطرح شده است. گزارش‌ها همچنین از آماده‌سازی یک آرامگاه بزرگ خبر می‌دهند که می‌تواند به نمادی از تحولات در رأس حاکمیت تبدیل شود.

● ابهام در زمان و محل خاکسپاری علی‌خامنه‌ای، در کنار نگرانی از تهدیدات امنیتی، نشان‌دهنده وضعیت شکننده حاکمیت است. تأخیر در برگزاری مراسم، برخلاف سنت‌های رایج، و تدابیر شدید امنیتی، بازتابی از ترس از بی‌ثباتی و بروز تنش‌های داخلی در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ جمهوری اسلامی تلقی می‌شود.

به گزارش تایمز، بر اساس یادداشت‌های دیپلماتیک و ارزیابی‌های اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل، مجتبی‌خامنه‌ای، رهبر جدید جمهوری اسلامی ایران، در وضعیت وخیم و بیهوشی کامل در قم قرار دارد و قادر به اداره امور کشور نیست. منابع غربی می‌گویند این وضعیت باعث شده که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عملاً کنترل تصمیم‌گیری‌های کلان در رأس نظام را به دست گیرد، در حالی که سکوت رسمی حکومت و انتشار ویدئوهای هوش مصنوعی بر تردیدها درباره واقعیات افزوده است.

تصویر مربوط به پیش از حمله اسرائیل به «بیت» و مجروح شدن مجتبی‌خامنه‌ای در نهم اسفند ۱۴۰۴ است بنا بر ارزیابی‌های اطلاعاتی، رهبر جدید جمهوری اسلامی، مجتبی‌خامنه‌ای، در وضعیت بیهوشی و ناتوانی کامل بسر می‌برد و در شهر مذهبی قم، تحت درمان پزشکی قرار دارد. وضعیتی که به گفته‌ی منابع معتبر نشان می‌دهد او را از ایفای نقش در اداره‌ی امور مملکت ناتوان کرده است و عملاً قادر به اداره کشور نیست.

یادداشت دیپلماتیکی که گفته می‌شود بر پایه اطلاعات مشترک آمریکا و اسرائیل تهیه و تنظیم شده و با متحندان حوزه خلیج فارس نیز به اشتراک گذاشته شده، حاکی از آن است که دومین فرزند رهبر پیشین جمهوری اسلامی، علی‌خامنه‌ای، در حالت بیهوشی بسر می‌برد و از یک عارضه‌ی «شدید» رنج می‌برد. این سند که برای نخستین بار محل استقرار او را افشا می‌کند، یکی از مراکز مقدس مذهبی تشیع بشمار می‌رود که در حدود ۱۴۰ کیلومتری جنوب تهران واقع است. در این یادداشت آمده است: «مجتبی‌خامنه‌ای در قم تحت درمان و در شرایط وخیم است و قادر به مشارکت در هیچ یک از تصمیم‌گیری‌های حکومتی نیست.»

همزمان، گزارش شده که پیکر علی‌خامنه‌ای، رهبر پیشین ایران که در حمله‌ی مشترک آمریکا و اسرائیل در ۲۸ فوریه کشته شد، برای خاکسپاری در قم آماده می‌شود. شهری که کانون قدرت روحانیت شیعه محسوب می‌گردد.

بر اساس این گزارش، نهادهای اطلاعاتی نشانه‌هایی از «آماده‌سازی مقدمات ساخت یک آرامگاه بزرگ در قم»

طرف گفتگوی او رهبر جمهوری اسلامی نیست. درباره مراسم خاکسپاری علی‌خامنه‌ای نیز ابهامات ادامه دارد. هرچند پیش از این گفته شده بود که او در مشهد دفن خواهد شد، تأخیر در برگزاری مراسم رسمی، با توجه به سنت شیعی دفن سریع متوفی، پرسش برانگیز شده است. روز چهارم درگذشت او نیز نزدیک است. زمانی که پایان دوره‌ی سنتی سوگواری محسوب می‌شود.

نگرانی از تهدیدات، از جمله احتمال هدف قرار دادن مراسم، یکی از دلایل این تأخیر عنوان شده است. همچنین گزارش‌هایی از درگیری‌های پیشین میان سپاه پاسداران و نیروهای مخالف در اطراف مراکز کلیدی قدرت منتشر شده است. به هر روی، انتظار می‌رود مراسم خاکسپاری او به مراتب متفاوت از تشییع بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، روح‌الله خمینی، در سال ۱۹۸۹ باشد. مراسمی که با حضور میلیونی مردم و آشوب گسترده همراه شد.

در پایان، این گزارش اشاره می‌کند که مقامات جمهوری اسلامی در تلاش هستند از هرگونه بی‌نظمی یا تعرض به مراسم تدفین جلوگیری کنند، بویژه در شرایطی که پیش از آغاز جنگ، درگیری‌هایی میان سپاه پاسداران و نیروهای سازمان مجاهدین خلق در اطراف مجتمع مطهری، محل استقرار نهادهای کلیدی نظام، رخ داده بود.

مجتبی‌خامنه‌ای از چهره‌هایی است که سال‌ها به‌عنوان یکی از بازیگران پشت پرده‌ی قدرت در ایران شناخته می‌شد. او بدون آنکه سمت رسمی برجسته‌ای در ساختار حکومتی داشته باشد، بطور گسترده به‌عنوان فردی با نفوذ در بیت رهبری و مرتبط با نهادهای امنیتی و نظامی، بویژه سپاه پاسداران مطرح بوده است. بر خلاف بسیاری از افراد سیاسی جمهوری اسلامی، مجتبی‌خامنه‌ای بندرت در رسانه‌ها ظاهر شده و سخنرانی‌های علنی‌اش بسیار اندک بوده است. با این حال گزارش‌های متعدد طی سال‌های گذشته از دخالت او در تصمیم‌گیری‌های اساسی و کلان از جمله در انتخابات و مدیریت جریان‌های سیاسی حکایت داشته‌اند.

منبع: تایمز

ترجمه: کیهان لندن

را شناسایی کرده‌اند. آرامگاهی که برای «پیش از یک قبر» طراحی شده و این احتمال را مطرح می‌کند که دیگر اعضای خانواده و شاید خود مجتبی‌خامنه‌ای نیز در کنار رهبر پیشین به خاک سپرده شوند. گفته می‌شود محل حضور مجتبی‌خامنه‌ای مدت‌ها برای دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل مشخص بوده است، اما تاکنون علنی نشده بود. جمهوری اسلامی تأیید کرده است که مجتبی‌خامنه‌ای در همان حمله‌ای که پدرش، همسرش زهرا حدادعادل، مادرش و یکی از فرزندان‌ش کشته شدند، زخمی شده است. حمله‌ای که در نخستین روزهای جنگ منطقه‌ای رخ داد.

**مجتبی‌خامنه‌ای کیست؟ رهبر جدید جمهوری اسلامی ایران؟**  
از آن زمان تاکنون، وضعیت جسمانی او به موضوعی مبهم و بحث برانگیز تبدیل شده است زیرا هیچ تصویر یا صدای مستقیمی از مجتبی‌خامنه‌ای ۵۶ ساله منتشر نشده است و تنها دو بیانیه منسوب به وی، از تلویزیون دولتی جمهوری اسلامی پخش شده است. همچنین روز دوشنبه، این شبکه، ویدیویی تولید شده با هوش مصنوعی منتشر کرد که او را در حال ورود به یک اتاق جنگ و بررسی نقشه‌ای از تأسیسات هسته‌ای اسرائیل در دیمونا نشان می‌دهد. عدم انتشار صدای واقعی مجتبی، بر تردیدها و گمانه‌زنی‌ها درباره‌ی وخامت وضعیت جسمانی‌اش افزوده است.

در حالی که مقامات رسمی جمهوری اسلامی اصرار و تأکید دارند که رهبر جدید همچنان «کنترل امور» را در دست دارد، گزارش‌های غیررسمی از وضعیت پزشکی او حکایت از واقعیتی متفاوت دارد. برخی گروه‌های مخالف مدعی‌اند وی در حالت گما بسر می‌برد، و برخی دیگر از شکستگی پا و جراحات و آسیب‌های صورت خبر داده‌اند.

این وضعیت، جایگاه او را در نظامی که رهبر عالی آن دارای قدرت مطلق سیاسی و مذهبی است، بشدت زیر سوال برده و این گمان را تقویت کرده است که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عملاً کنترل کشور را در دست دارد و خامنه‌ای صرفاً نقشی محدود، نمادین یا پوششی ایفا می‌کند.

در همین حال، دونالد ترامپ اعلام کرده که با دیگر مقامات ایرانی در حال مذاکره است، اما تأکید کرده که

# صدور دستور توقیف اموال بیش از ۱۰۰ شهروند ایرانی ساکن خارج از کشور



● دادستان تهران دستور شناسایی و توقیف اموال و مسدود کردن حساب‌های بانکی بیش از ۱۰۰ چهره شاخص به علت آنچه حمایت از «دشمنان» خوانده شده را صادر کرده است.

● قوه قضائیه جمهوری اسلامی علت این اقدام سرکوبگرانه را «تشدید مجازات جاسوسی، همکاری با دولت اسرائیل و کشورهای مخالف نظام جمهوری اسلامی که علیه امنیت و منافع ملی فعالیت می‌کنند و مقابله با اقدامات عوامل رسانه‌های خارج از کشور که با کشورهای درگیر جنگ همکاری می‌کنند» اعلام کرده است.

● مرکز رسانه‌های قوه قضائیه اعلام کرده دستور توقیف اموال و مسدودی حساب برای ۶۳ نفر از مدیران، خبرنگاران و کارکنان رسانه ایران اینترنشنال، ۲۵ نفر از مدیران و خبرنگاران و کارکنان رسانه من‌وتو و ۲۵ نفر از شهروندان ایرانی ساکن خارج از کشور که در شبکه‌های اجتماعی از حمله نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران حمایت کرده‌اند، صادر شده است.

● خبرگزاری قوه قضائیه بدون اعلام جزئیات درباره هویت این افراد نوشته آنها ساکن کشورهای مختلف از جمله آمریکا، انگلیس، سوئد، هلند و گرجستان هستند.

● مصادره اموال شهروندان ایرانی خارج از کشور پس از جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی در دستور کار قوه قضائیه قرار گرفت.

قوه قضائیه جمهوری اسلامی مدعی شده دادستان تهران دستور شناسایی و توقیف اموال و مسدود کردن حساب‌های بانکی بیش از ۱۰۰ چهره شاخص به علت آنچه حمایت از «دشمنان» خوانده شده را صادر کرده است. مصادره اموال شهروندان ایرانی خارج از کشور پس از جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی در دستور کار قوه قضائیه قرار گرفت.

خبرگزاری «میزان»، مرکز رسانه قوه قضائیه، روز شنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۵ از صدور دستور شناسایی، توقیف اموال و مسدود شدن حساب بانکی بیش از ۱۰۰ تن از شهروندان ایرانی ساکن خارج از کشور با دستور علی صالحی دادستان تهران خبر داد.

خبرگزاری «میزان» علت این اقدام سرکوبگرانه را «تشدید مجازات جاسوسی، همکاری با دولت اسرائیل و کشورهای مخالف نظام جمهوری اسلامی که علیه امنیت و منافع ملی فعالیت می‌کنند و مقابله با اقدامات عوامل رسانه‌های خارج از کشور که با کشورهای درگیر جنگ همکاری می‌کنند» اعلام کرده است.

بر اساس این گزارش شماری از این افراد، مدیران و خبرنگاران رسانه‌های خارج از کشور و مخالف نظام و برخی دیگر چهره‌های شناخته‌شده‌ای از میان بازیگران و ورزشکاران هستند.

مرکز رسانه‌های قوه قضائیه اعلام کرده دستور توقیف اموال و مسدودی حساب برای ۶۳ نفر از مدیران، خبرنگاران و کارکنان رسانه ایران اینترنشنال، ۲۵ نفر از مدیران و خبرنگاران و کارکنان رسانه من‌وتو و ۲۵ نفر از شهروندان ایرانی ساکن خارج از کشور که در شبکه‌های اجتماعی از حمله نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران حمایت کرده‌اند، صادر شده است. خبرگزاری «میزان» بدون اعلام جزئیات درباره هویت این افراد نوشته آنها ساکن کشورهای مختلف از جمله آمریکا،

لازم برای توقیف آنها را اعمال کنند. خبرگزاری «میزان»، ارگان خبری قوه قضائیه جمهوری اسلامی پنجم فروردین از صدور حکم مصادره اموال شخصی با نام اختصاری ب-الف خبر دادند.

در این خبر آمده بود «با دستور مقام قضایی، تمامی اموال ثبتی ب-الف و تعدادی از نزدیکانش در ایران به دلیل همکاری با عناصر تروریستی» و اسرائیل توقیف شد.

خبرگزاری «میزان» همچنین ادعا کرده که این فرد «پس از خروج از کشور با یکی از سرویس‌های جاسوسی همکاری کرده و در اقدامات ضدایرانی و حمایت از حملات دشمن نقش داشته است.»

خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نام و هویت این فرد را برزو ارجمند، بازیگر ایرانی ساکن آمریکا، گزارش کرده است.

همزمان در پنجم فروردین رسانه‌های داخلی به نقل از دادسرای عمومی انقلاب استان یزد اعلام کردند اموال یک مرد یا نام اختصاری «ع.ش.ز» و یک زن با نام اختصاری «م.م.الف» اهل شهر یزد و ساکن خارج از کشور نیز توقیف شده است.

علی شریفی زارچی فردی است که دادسرای عمومی انقلاب استان یزد خبر توقیف اموال او را منتشر کرده است. علی شریفی زارچی استاد پیشین دانشگاه صنعتی آریامهر (شریف) است که در جریان اعتراضات دی ۴۰۴ در حالیکه در سفر علمی از سوی دانشگاه در کشور چین به سر می‌برد علیه جمهوری اسلامی اعلام موضع کرد و در شبکه «اپکس» با اشاره به کشتار سازمانیافته هزاران شهروند بی‌دفاع در جریان اعتراضات تأکید کرد که «علی خامنه‌ای رهبر من نیست.»

او پیشتر نیز در جریان اعتراضات ۱۴۰۱ به سرکوب دانشجویان در دانشگاه اعتراض کرد و مدتی بازداشت شد. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۳ علی شریفی زارچی از حامیان جدی نامزدی مسعود پزشکیان و از حامیان دولت بود اما از دی ۴۰۴ با تغییر موضع نسبت به جمهوری اسلامی به جمع گسترده حامیان شاهزاده رضا پهلوی پیوست.

انگلیس، سوئد، هلند و گرجستان هستند. مصادره اموال شهروندان ایرانی خارج از کشور پس از جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی در دستور کار قوه قضائیه قرار گرفت.

غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه جمهوری



علی صالحی، دادستان تهران

اسلامی چند روز پس از آغاز جنگ در هفته دوم اسفندماه ۱۴۰۴ اعلام کرد دستور قضایی برای ضبط و توقیف اموال مرتبط با آنچه «عناصر همکار با دشمن در داخل و خارج کشور» عنوان کرد صادر شده است.

رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی این افراد را به اعدام تهدید کرد و گفت: «یکی از مجازات‌های مقرر در این مورد، اعدام است و پس از بررسی‌ها، یکی از مجازات‌های قانونی شامل حال افراد مشمول خواهد شد.»

در پی صدور این دستور از سوی قوه قضائیه، سامانه هوشمند استعلامات مالی «سهام» راه‌اندازی شده که با فعال‌سازی این امکان، شعب دادسراها و دادگاه‌های سراسر کشور قادرند در کوتاه‌ترین زمان ممکن و به‌صورت برخط، اموال و دارایی‌های شهروندان را شناسایی کرده و اقدامات

# واشنگتن پُست: ضرب‌الاجل ترامپ و حمله به خارک؛ تهدید به نابودی یک «تمدن»



جزیره خارک

قرار گرفته‌اند خودداری کرد و گفت این اطلاعات محرمانه است.

مب جی-بی یو ۵۷ یک بمب ۳۰ هزار پوندی است که قادر است تا صدها فوت در عمق زمین نفوذ کند. این بمب سال گذشته برای نخستین بار در عملیات رزمی علیه اهداف هسته‌ای ایران بکارگرفته شد و توسط بمب‌افکن رادارگریز بی ۲ حمل شده بود.

این بمب یکی از بزرگترین تسلیحات غیرهسته‌ای در زرادخانه ایالات متحده بشمار می‌رود.

دونالد ترامپ برای ایران تا ساعت ۸ شب سه شنبه به وقت شرق آمریکا مهلت تعیین کرده بود تا تنگه هرمز را باز کند و هشدار داده بود در صورت عدم تمکین، تا نیمه شب با نابودی مواجه خواهد شد. او در شامگاه همان روز گفت: «می‌توان کل کشور را در یک شب از میان برد، و آن شب ممکن است همین [سه‌شنبه] شب باشد.»

با این حال، دولت ایران تاکنون هیچ نشانه‌ای از تمایل به تسلیم در برابر این تهدیدها نشان نداده و اعلام کرده است که حملات آمریکا با پاسخی قاطع روبرو خواهد شد.

اسماعیل بقائی، سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی، روز دوشنبه گفت: «مهلت‌ها نباید کوچکترین تردیدی در دفاع از کشورمان ایجاد کند.» همچنین کاظم غریب آبادی، معاون وزیر خارجه، روز پیش از آن اعلام کرده بود که جمهوری اسلامی به هرگونه اقدام با پاسخی «پشیمان‌کننده» پاسخ خواهد داد.

دونالد ترامپ مدعی شده است که تغییر رژیم در ایران را محقق کرده، اما مقامات منطقه‌ای و غربی می‌گویند ←

یا مواجهه با ویرانی، دونالد ترامپ هشدار شدیدی به ایران داد و اعلام کرد: «امشب یک تمدن کامل از میان خواهد رفت، به گونه‌ای که هرگز دوباره بازخواهد گشت. من نمی‌خواهم چنین اتفاقی بیفتد، اما احتمالاً خواهد افتاد.»

با این حال، او صبح سه شنبه در شبکه‌های اجتماعی نوشت: «اکنون که ما به یک تغییر رژیم کامل و تمام‌عیار دست یافته‌ایم، جایی که ذهن‌هایی متفاوت، هوشمندتر و کمتر افراطی حاکم شوند، شاید اتفاقی واقعا شگفت‌انگیز و انقلابی رخ دهد. چه کسی می‌داند؟»

این اظهارات در پی حملات شبانه ایالات متحده به جزیره خارک مطرح شد. جزیره‌ای که هسته‌ای اصلی اقتصاد نفتی ایران به شمار می‌رود.

دو مقام که به شرط ناشناس ماندن و برای ارابه جزئیاتی که هنوز علنی نشده با روزنامه واشنگتن پست گفتگو کردند، اظهار داشتند این حملات که حدود ساعت ۲ بامداد به وقت شرق آمریکا آغاز شد، اهداف نظامی از جمله باندهای فرود و پناهگاه‌ها را هدف قرار داد، اما به زیرساخت‌های نفتی جزیره آسیبی وارد نکرد. آنان همچنین تأکید کردند که هیچ نیروی زمینی در این عملیات دخیل نبوده است. یکی از این مقامات افزود برخی از اهداف مورد حمله، پیش‌تر نیز در جریان عملیات نظامی آمریکا هدف قرار گرفته بودند.

یکی از مقامات آمریکایی همچنین تأیید کرد که ایالات متحده روز یکشنبه از چندین بمب سنگر شکن خود برای هدف قرار دادن فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در یک پناهگاه عمیق زیرزمینی استفاده کرده است. این مقام از ارابه ارزیابی درباره‌ی اینکه کدام فرماندهان هدف

● دونالد ترامپ با تعیین مهلتی تا سه‌شنبه ساعت ۸ شب به وقت شرق آمریکا، از جمهوری اسلامی خواست تنگه هرمز را باز کند و هشدار داد در صورت عدم تمکین، تا نیمه‌شب با «نابودی» مواجه خواهد شد. او در پیامی کم‌سابقه اعلام کرد: «امشب یک تمدن کامل از میان خواهد رفت»، تهدیدی که به‌عنوان یکی از شدیدترین اظهارات یک رهبر جهانی علیه یک کشور ارزیابی شده است.

● ایالات متحده بامداد سه‌شنبه حملاتی را علیه اهداف نظامی در جزیره خارک آغاز کرد؛ جزیره‌ای که نقش حیاتی در صادرات نفت ایران دارد. به گفته‌ی مقامات آمریکایی، این حملات باندهای فرود و پناهگاه‌ها را هدف قرار داد، اما به زیرساخت‌های نفتی آسیبی وارد نشد و هیچ نیروی زمینی نیز در این عملیات مشارکت نداشت.

● همزمان با این حملات، آمریکا از بمب‌های سنگر شکن ۳۰ هزار پوندی برای هدف قرار دادن پناهگاه‌های عمیق زیرزمینی استفاده کرده است. این تسلیحات که از قدرتمندترین سلاح‌های غیرهسته‌ای در زرادخانه آمریکا بشمار می‌روند، برای نخستین بار در سال گذشته در عملیات علیه اهداف هسته‌ای ایران بکار گرفته شده بودند.

● مقامات جمهوری اسلامی هرگونه عقب‌نشینی در برابر فشارهای آمریکا را رد کرده‌اند. سخنگوی وزارت خارجه تأکید کرده است که این تهدیدها نباید کوچک‌ترین تردیدی در دفاع از کشور ایجاد کند و معاون وزیر خارجه نیز هشدار داده که هر اقدام نظامی با پاسخی «پشیمان‌کننده» روبرو خواهد شد.

● ترامپ پیش از این نیز تهدیدهایی مطرح کرده بود که به نظر می‌رسید با هدف تقویت موقعیت مذاکره‌ای او باشد. با این حال، هشدار او علیه کل ملت ایران با جمعیتی حدود ۹۳ میلیون نفر، از سوی یک رهبر جهانی، بویژه کسی که خود را صلح طلب معرفی کرده، کم‌سابقه و قابل توجه ارزیابی شده است.

● بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، روز سه شنبه در یک پیام ویدیویی اعلام کرد که اسرائیل خطوط راه‌آهن و پل‌هایی در ایران را هدف قرار داده است. تأسیساتی که به گفته‌ی او توسط سپاه پاسداران مورد استفاده قرار می‌گرفت. ارتش اسرائیل نیز اعلام کرد که هشت پل در ایران هدف حمله قرار گرفته‌اند.

در حالی‌که دونالد ترامپ با لحنی بی‌سابقه هشدار داد «امشب یک تمدن کامل نابود خواهد شد»، ایالات متحده بامداد سه‌شنبه حملاتی را علیه اهداف نظامی در جزیره خارک، قلب صادرات نفت ایران، آغاز کرد. این عملیات همزمان با پایان ضرب‌الاجل واشنگتن برای بازگشایی تنگه هرمز انجام شد؛ ضرب‌الاجلی که با تهدید به «نابودی» در صورت عدم تمکین همراه بود. با وجود این فشارها، مقامات جمهوری اسلامی هرگونه عقب‌نشینی را رد کرده و از پاسخ قاطع به حملات آمریکا سخن گفته‌اند.

رئیس جمهور آمریکا برای جمهوری اسلامی ایران تا سه شنبه ساعت ۸ شب به وقت شرق آمریکا مهلت تعیین کرده بود تا تنگه هرمز را باز کند و هشدار داده بود در صورت عدم تمکین، تا نیمه شب با «نابودی» مواجه خواهد شد. دوازده ساعت پیش از پایان این مهلت برای پذیرش توافق

## دوران نبرد با تاریکی؛ خسارت هنگفت جنگ جمهوری اسلامی (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



ویدئو

آلمان غربی هم با ایجاد کارخانه ساخت سلاح شیمیایی برای عراق، به دشمن ایران یاری رساند. گروه مجاهدین خلق نیز با دشمن همراه شدند و بیش از صد رشته عملیات نظامی علیه ایران انجام دادند.

در جنگ ایران و عراق، کشورهای عربی به استثنای سوریه و لیبی که اختلاف عقیدتی و سیاسی با حکومت عراق داشتند، به عراق کمک کردند. شوروی به عراق کمک تسلیحاتی داد. فلسطین به پشتیبانی از عراق پرداخت و

حکومت تندروی ایران تا حد زیادی دست نخورده باقی مانده و آماده است در مذاکرات برای پایان جنگ، با موضعی سخت وارد شود. از جمله با مطالبه کنترل کامل بر تنگه هرمز، گذرگاهی باریک که برای انتقال جهانی نفت حیاتی است.

مسعود پزشکیان، رئیس جمهور ایران، روز سه شنبه در شبکه ایکس نوشت: «بیش از ۱۴ میلیون ایرانی سرافراز تاکنون برای فدا کردن جان خود در دفاع از ایران ثبت نام کرده‌اند. من نیز بوده‌ام، هستم و خواهم بود که جان خود را فدای ایران کنم.»

رسانه‌های رسمی و نیمه رسمی ایران تصاویری منتشر کردند که به گفته‌ی آنها نشان می‌دهد مردم با تشکیل زنجیره‌های انسانی در اطراف نیروگاه‌ها گرد آمده‌اند. در این تصاویر، گروه‌هایی از شهروندان، از جمله جوانان، در حالی که پرچم‌ها و پلاکاردهایی در دست دارند، در صف‌هایی در اطراف این تأسیسات دیده می‌شوند. روزنامه واشنگتن پست اعلام کرده که امکان راستی آزمایی مستقل این تصاویر را نداشته است.

ترامپ پیش از این نیز تهدیدهایی مطرح کرده بود که به نظر می‌رسد با هدف تقویت موقعیت مذاکره‌ای او باشد. با این حال، هشدار او علیه کل ملت ایران با جمعیتی حدود ۹۳ میلیون نفر، از سوی یک رهبر جهانی، بویژه کسی که خود را صلح طلب معرفی کرده، کم‌سابقه و قابل توجه ارزیابی شده است.

ترامپ در پیام خود، سه شنبه شب را «یکی از مهمترین لحظات در تاریخ طولانی و پیچیده جهان» توصیف کرد و نوشت: «۴۷ سال اخاذی، فساد و مرگ سرانجام به پایان خواهد رسید.»

جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، نیز گفت «اطمینان دارد» که ایالات متحده تا ساعت ۸ شب سه‌شنبه پاسخی از جمهوری اسلامی «چه مثبت، چه منفی» دریافت خواهد کرد. او در جریان سفر به بوداپست، پایتخت مجارستان، افزود: «امیدوارم آنها پاسخ درستی بدهند.»

ونس همچنین تأکید کرد که ایالات متحده «جهانی را می‌خواهد که در آن نفت و گاز آزادانه جریان داشته باشد» و گفت این امر در صورتی که جمهوری اسلامی دست به «اقدامات تروریسم اقتصادی» بزند، محقق نخواهد شد. او در مراسم روز دوستی مجارستان و آمریکا گفت: «آنها باید بدانند که ما ابزار و تجهیزات در اختیار داریم که تاکنون تصمیم به استفاده از آنها نگرفته‌ایم.»

وی افزود که ترامپ «می‌تواند تصمیم بگیرد» و «تصمیم خواهد گرفت» از این ابزار استفاده کند، اگر جمهوری اسلامی مسیر خود را تغییر ندهد.

بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، روز سه شنبه در یک پیام ویدیویی اعلام کرد که اسرائیل خطوط راه‌آهن و پل‌هایی در ایران را هدف قرار داده است. تأسیساتی که به گفته‌ی او توسط سپاه پاسداران مورد استفاده قرار می‌گرفت. ارتش اسرائیل نیز اعلام کرد که هشت پل در ایران هدف حمله قرار گرفته‌اند.

در همین حال، مجید موسوی، فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران، روز سه شنبه اعلام کرد که در «مرحله‌ای جدید از جنگ»، ایران موج تازه‌ای از حملات را با استفاده از پرتابگرهای دوگانه آغاز خواهد کرد که شدت حملات را دو برابر می‌کند. موضوعی که خبرگزاری نیمه رسمی تسنیم نیز آن را گزارش کرده است.

منبع: واشنگتن پست  
ترجمه: کیهان لندن

## پروپاگاندا و روایت‌سازی‌های جعلی؛ پایه مهم حفظ جمهوری اسلامی



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

# هشدار مجمع جهانی اقتصاد درباره اثرات بسته بودن تنگه هرمز بر عرضه جهانی ۱۰ کالای مهم و کاربردی

هیدروژن سبز و زیرساخت‌های صادراتی را کند و خطرات سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی پروژه‌ها را افزایش دهد. گزارش ریسک‌های جهانی ۲۰۲۶ مجمع جهانی اقتصاد نشان می‌دهد که تقابل ژئواقتصادی حالا محرک اصلی سیاست اقتصادی و صنعتی است. در حالی که تأثیر فوری بر کالاها شدید است، سیگنال گسترده‌تر حرکت به سمت تاب‌آوری و تنوع در زنجیره‌های تأمین جهانی است.

جدا از اختلال ایجاد شده در عرضه جهانی انرژی و کالاهای دیگر با بسته بودن تنگه هرمز، حملات گسترده به زیرساخت‌های کشورهای حوزه خلیج فارس نیز ریسک تداوم کمبود و گرانی انرژی و سوخت و دیگر کالاهای تولید این کشورها پس از پایان جنگ را افزایش داده است.

حمله به زیرساخت‌های نفت و انرژی از هفته دوم جنگ خاورمیانه با بمباران ذخائر سوخت در اطراف تهران آغاز شد و جمهوری اسلامی هم با این توجیه که آمریکا از پایگاه‌های نظامی‌اش در کشورهای حاشیه خلیج فارس جمهوری اسلامی را هدف قرار داده، به صورت گسترده حمله به زیرساخت‌های انرژی در این کشورها هدف قرار داده است. در همین رابطه خبرگزاری فرانسه بر اساس داده‌های سازمان «پایگاه داده‌های مکان‌یابی و رویدادهای درگیری‌های مسلحانه» (ACLED) گزارش داده از ۸ تا ۱۱ فروردین‌ماه (۲۸ فوریه تا ۳۱ مارس)، ده‌ها تأسیسات حیاتی از جمله مخازن نفت و گاز، پالایشگاه‌ها، میدان انرژی، نیروگاه‌ها و حتی برخی سایت‌های هسته‌ای در ایران و کشورهای همسایه هدف حمله قرار گرفته‌اند.

بر اساس این گزارش، دامنه حملات تنها به یک کشور محدود نبوده و زیرساخت‌های کلیدی انرژی در سراسر منطقه تحت تأثیر قرار گرفته‌اند، موضوعی که نگرانی‌ها درباره امنیت انرژی، ثبات اقتصادی و احتمال گسترش درگیری‌ها را افزایش داده است. اینهمه در حالیست که شورای امنیت سازمان ملل متحد فردا، شنبه ۱۵ فروردین، قطعنامه پیشنهادی بحرین برای حفاظت از کشتیرانی تجاری در تنگه هرمز را به رأی می‌گذارد.

بحرین که از روز چهارشنبه ریاست دوره‌ای شورای امنیت را برعهده گرفته، پیش‌نویس قطعنامه‌ای را که «همه تدابیر دفاعی لازم برای حفاظت از کشتیرانی تجاری را مجاز می‌شمارد» نهایی کرده است.

عبدالله‌اللطیف بن رشید الزیانی، وزیر خارجه بحرین، روز گذشته خطاب به سایر اعضای شورای امنیت با بیان اینکه «ما چشم‌انتظار موضع‌گیری یک‌دست این شورا در قبال این قطعنامه خواهیم بود» گفت اقدام غیرقانونی و غیر موجه جمهوری اسلامی برای بستن تنگه هرمز منافع جهان را تهدید می‌کند و در نتیجه به پاسخی قاطع نیاز خواهد داشت.

خبرگزاری رویترز نیز گزارش داده احمد ابوالغیط، دبیر کل اتحادیه عرب، که ۲۲ کشور را شامل می‌شود هم در جلسه شورای امنیت از تلاش‌های بحرین برای تصویب این قطعنامه حمایت کرد.

بحرین که در تلاش برای به تصویب رساندن این قطعنامه، از حمایت سایر کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس و ایالات متحده برخوردار است، برای ممانعت از مخالفت برخی کشورها، به‌خصوص فدراسیون روسیه و چین، بخش‌هایی از پیش‌نویس اولیه را تعدیل کرده است.



است. کمبود گوگرد صنایع باتری، کودهای فسفاته و حمل و نقل پایدار را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین حدود یک سوم تجارت جهانی متانول دریایی از تنگه هرمز عبور می‌کند و اختلال در آن می‌تواند تأمین یک ماده شیمیایی کلیدی برای رزین‌ها، پوشش‌ها و پلاستیک‌ها را محدود کند. گرافیت مصنوعی که مورد استفاده در آند باتری خودروهای برقی وابسته به کک نفتی است نیز در پی بسته بودن تنگه هرمز با اختلال در عرضه روبرو شده است. مجمع جهانی اقتصاد هشدار داده افزایش قیمت و کمبود گرافیت می‌تواند هزینه باتری‌های EV را بالا ببرد و تأثیرات زنجیره‌ای تأمین دیگر مواد باتری مانند نیکل و کبالت را تشدید کند.

فلز آلومینیوم که خاورمیانه در کنار چین تولیدکننده مهم آن است نیز با محدودیت عرضه روبروست. این در حالیست که آلومینیوم در ساخت و ساز، حمل‌ونقل و انرژی‌های تجدیدپذیر کاربرد دارد و کمبود یا گرانی آن بر صنایع مختلف و بازار مسکن در کشورهای جهان موثر است.

از سوی دیگر قطر حدود یک سوم هلیوم جهان را تأمین می‌کند که به عنوان محصول جانبی پردازش گاز طبیعی تولید می‌شود. هلیوم در تولید تراشه‌ها و عملکرد دستگاه‌های ام‌آر‌آی حیاتی است.

گلیکول به‌عنوان ماده اولیه مهم برای تولید الیاف پلی‌استر، بسته‌بندی و منسوجات است. چین، هند، اندونزی و دیگر واردکنندگان عمده با کمبود مواجه خواهند شد و این فشار قیمت‌ها را افزایش می‌دهد.

کشورهای حاشیه خلیج فارس همچنین تأمین‌کننده مهم سنگ آهن و آهن مستقیم کاهش یافته برای فولادسازی جهانی است. عبور نکردن کشتی‌ها از تنگه هرمز، زمان حمل و هزینه‌ها را افزایش داده و خرید مواد اولیه را دشوار کرده است.

مجمع جهانی اقتصاد همچنین معتقد است که زیرساخت‌های هیدروژن سبز با تداوم جنگ خاورمیانه با تهدید روبروست و این جنگ می‌تواند روند توسعه

● مجمع جهانی اقتصاد هشدار داده که تأثیر بسته بودن تنگه هرمز فراتر از انرژی است و صادرات غیرنفتی منطقه از جمله کالاهای متانول، آلومینیوم، گوگرد، گرافیت و سایر مواد صنعتی حیاتی که زنجیره‌های تأمین جهانی و گذار به انرژی سبز را تحت تأثیر قرار می‌دهند را نیز مختل می‌کند.

● مجمع جهانی اقتصاد هشدار داده که با تداوم جنگ خاورمیانه، تضمین دسترسی به مواد حیاتی از انرژی تا فلزات و مواد شیمیایی برای دولت‌ها و صنایع به یک مسئله حیاتی امنیت اقتصادی و ملی تبدیل شده است.

● شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار است فردا، شنبه ۱۵ فروردین، قطعنامه پیشنهادی بحرین برای حفاظت از کشتیرانی تجاری در تنگه هرمز که «همه تدابیر دفاعی لازم برای حفاظت از کشتیرانی تجاری را مجاز می‌شمارد» را به رأی بگذارد.

● خبرگزاری فرانسه گزارش داده از ۸ تا ۱۱ فروردین‌ماه، ده‌ها تأسیسات حیاتی از جمله مخازن نفت و گاز، پالایشگاه‌ها، میدان انرژی، نیروگاه‌ها و حتی برخی سایت‌های هسته‌ای در ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس هدف حمله قرار گرفته‌اند.

مجمع جهانی اقتصاد با تأکید بر اینکه بسته بودن تنگه هرمز غیر از اختلال در عرضه جهانی نفت، سبب کاهش در ۹ کالای پرمصرف و مهم دیگر هم شده، هشدار داده که برای دولت‌ها و صنایع، تضمین دسترسی به مواد حیاتی از انرژی تا فلزات و مواد شیمیایی، به یک مسئله حیاتی امنیت اقتصادی و ملی تبدیل شده است.

جنگ در خاورمیانه باعث آسیب جدی به زیرساخت‌های انرژی و بسته شدن تنگه هرمز شده که سبب کاهش عرضه جهانی نفت و افزایش قیمت نفت شده است. با اینهمه مجمع جهانی اقتصاد هشدار داده که تأثیر بسته بودن تنگه هرمز فراتر از انرژی است و صادرات غیرنفتی منطقه را هم مختل می‌کند. این کالاها شامل متانول، آلومینیوم، گوگرد، گرافیت و سایر مواد صنعتی حیاتی هستند که زنجیره‌های تأمین جهانی و گذار به انرژی سبز را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

به گزارش مجمع جهانی اقتصاد تأثیر این اختلال‌ها در زنجیره‌های تأمین جهانی به‌سرعت نمایان شده است؛ از کودهای کشاورزی برای برداشت‌های آینده تا مواد معدنی مورد نیاز صنایع فناوری پیشرفته.

در این گزارش درباره کاهش عرضه و افزایش قیمت کودها (اوره و آمونیاک) آمده خلیج فارس مرکز اصلی صادرات کود دریایی جهان است و حداقل ۲۰ درصد از کل صادرات را تشکیل می‌دهد. وابستگی به اوره حتی بیشتر است و ۴۶ درصد تجارت جهانی از این منطقه تأمین می‌شود. این عرضه برای اقتصادهای کشاورزی بزرگ، از جمله هند، برزیل و چین حیاتی است و اختلال طولانی می‌تواند هزینه تولید غذا و تورم جهانی را افزایش دهد.

گوگرد به‌عنوان محصول جانبی اصلی پالایش نفت و گاز منطقه از جمله دیگر کالاهایی است که در گزارش مجمع جهانی اقتصاد تأکید شده با توقف عرضه جهانی روبروست. تقریباً نیمی از تجارت جهانی گوگرد دریایی از تنگه هرمز عبور می‌کند و منطقه تعیین‌کننده قیمت جهانی این کالا

# جمهوری اسلامی مجوز عبور کشتی‌های حامل «کالاهای اساسی و بشردوستانه» از تنگه هرمز را صادر کرد



● خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با انتشار تصویر نامه‌ای از صدور مجوز برای عبور کشتی‌های حامل «کالاهای اساسی» و «بشردوستانه» از تنگه هرمز به مقصد بنادر ایران یا مستقر در دریای عمان خبر داده است.

● در این نامه آمده که دولت و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی مجوز «عبور کشتی‌های حامل کالاهای بشردوستانه بویژه کالاهای اساسی و نهادهای دامی از تنگه هرمز» را صادر کرده‌اند.

خبرگزاری حکومتی «تسنیم» از صدور مجوز برای عبور کشتی‌های حامل «کالاهای اساسی و بشردوستانه» از تنگه هرمز خبر داده است.

خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بعد از ظهر روز شنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۵ از صدور مجوز برای عبور کشتی‌های حامل «کالاهای اساسی» و «بشردوستانه» از تنگه هرمز به مقصد بنادر ایران یا مستقر در دریای عمان خبر داده است. خبرگزاری «تسنیم» تصویر نامه‌ای از سوی هومن فتحی سرپرست معاونت توسعه بازاریابی وزارت جهاد کشاورزی به سرپرست محترم سازمان بنادر و دریانوردی را منتشر کرده است. در این نامه آمده که دولت و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی مجوز «عبور کشتی‌های حامل کالاهای بشردوستانه بویژه کالاهای اساسی و نهادهای دامی از تنگه هرمز» را صادر کرده‌اند.

سرپرست معاونت توسعه بازاریابی وزارت جهاد کشاورزی نوشته «دستور فرمایید بر اساس پروتکل‌های صادر شده تعهدات لازم برای عبور این کشتی‌ها در دستور کار قرار گیرد» و افزوده «فهرست کشتی‌های مربوطه که آمادگی عبور از تنگه هرمز را دارند جهت هماهنگی ارسال می‌گردد.» ساعاتی پیش از انتشار این خبر از سوی خبرگزاری «تسنیم» خبرگزاری رویترز به نقل از منابع آگاه و بر اساس ارزیابی‌های اطلاعاتی گزارش داد که جمهوری اسلامی احتمالاً در کوتاه مدت قصد بازگشایی تنگه هرمز ندارد. در گزارش خبرگزاری رویترز آمده بود که جمهوری اسلامی ممکن است همچنان عبور و مرور در این تنگه را محدود نگه دارد تا با بالانگه داشتن قیمت انرژی، دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا را برای یافتن راهی سریع جهت خروج از جنگ تحت فشار بگذارد. نامه منتشر شده از سوی خبرگزاری «تسنیم» نیز نشان می‌دهد مقامات جمهوری اسلامی در حال حاضر برنامه‌ای برای بازگشایی سریع تنگه هرمز ندارد. خبرهای دیگر حاکی از اخذ عوارض برای شمار محدودی از کشتی‌ها و نفتکش‌هایی است که طی پنج هفته گذشته با مجوز جمهوری اسلامی از تنگه هرمز عبور کردند.

وبسایت «نور نیوز» روز شنبه ۱۵ فروردین در گزارشی به نقل از یک مقام آگاه حکومتی نوشته جمهوری اسلامی قصد دارد خسارت‌های وارد شده ناشی از جنگ را به صورت کامل از محل عوارض تأمین امنیت تردد در تنگه هرمز تأمین کند. این مقام آگاه با اشاره به طرح تهیه شده در خصوص دریافت عوارض از کشتی‌های عبوری از تنگه هرمز برای تأمین امنیت گفته «بسیاری از شناورهای عبوری از هم اکنون متقاضی پرداخت هزینه برای عبور امن از تنگه هستند لیکن هنوز تصمیمی برای اجرای کامل این طرح

اتخاذ نشده است.»

نمایندگان مجلس شورای اسلامی به تازگی در رابطه با شیوه جدیدی از «مدیریت هوشمند» تنگه هرمز توسط جمهوری اسلامی را تدوین و در دستور بررسی قرار دادند. عباس گودرزی سخنگوی هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی درباره این طرح گفته بود: «طرح جدید مجلس برای مدیریت هوشمند تنگه هرمز با بیش از ۲۵۰ امضا در دستور کار مجلس قرار گرفته و فرایند تصویب آن آغاز شده است.» سخنگوی هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی گفته بود «قریب به اتفاق نمایندگان موافق این طرح هستند و حتی آن دسته از نمایندگانی که به دلیل تعطیلات و حضور در حوزه‌های انتخابیه به سامانه دسترسی نداشتند نیز موافقت خود را با آن اعلام کرده‌اند.» عباس گودرزی افزوده بود «این طرح که با هدف تقویت امنیت تنگه هرمز و از جمله اخذ عوارض ریالی از شناورها تدوین شده، بیانگر خواست عمومی مجلس و مردم ایران است و مطابق آیین‌نامه داخلی مجلس و طی فرآیند قانونی، به تصویب خواهد رسید.»

علی نیکزاد، نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی نیز درباره این طرح گفته بود که «طرحی در سامانه مجلس تحت عنوان قانون اقدام راهبردی صلح و توسعه درون‌زا و پایدار منطقه ای خلیج فارس ثبت شده است.» نایب رئیس مجلس شورای اسلامی با اشاره به دو فوریتی بودن این طرح گفته بود «بر اساس این طرح، دولت موظف به ارائه خدمات ناوبری، بازرسی، استانداردهای زیست محیطی و اخذ عوارض ریالی از شناورهای عبوری از تنگه هرمز می‌شود.»

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ساعاتی پس از آغاز حملات نظامی آمریکا و اسرائیل در نهم اسفندماه ۱۴۰۴ اقدام به بستن تنگه هرمز کرده است و طی هفته‌های گذشته چندین کشتی و نفتکش را که قصد عبور از تنگه داشته یا به آن نزدیک شدند هدف حمله قرار داده است. صدها کشتی و نفتکش اکنون در خلیج فارس و دریای

عمان، در اینسو و آنسو تنگه هرمز، معطل مانده‌اند. بسته بودن تنگه هرمز صادرات نفت و گاز و فرآورده‌ها نفتی و شمار دیگری از کالاهای پرکاربرد مثل اوره و آلومینیوم را از کشورهای حوزه خلیج فارس با اختلال روبرو کرده است. پیرو همین اختلال، قیمت جهانی نفت و انرژی و سوخت با افزایش روبرو شده است. همچنین به گزارش سازمان خواربار و کشاورزی سازمان ملل (فائو) اعلام کرد قیمت جهانی موادغذایی در ماه مارس نسبت به ماه فوریه ۲/۴ درصد افزایش یافت. افزایش سریع قیمت جهانی غذا با آغاز جنگ خاورمیانه به علت افزایش قیمت و کاهش سوخت و انرژی صورت گرفته است.

از سوی دیگر پیش‌بینی می‌شود کاهش تولید و افزایش قیمت کودهای کشاورزی به علت اختلال در عرضه جهانی اوره از کشورهای حاشیه خلیج‌فارس نیز بر افزایش قیمت موادغذایی در هفته‌ها و ماه‌های آینده اثرگذار باشد. مجمع جهانی اقتصاد نیز روز گذشته در گزارشی با تأکید بر اینکه بسته بودن تنگه هرمز غیر از اختلال در عرضه جهانی نفت، سبب کاهش در ۹ کالای پرمصرف و مهم دیگر هم شده، هشدار داده که برای دولت‌ها و صنایع، تضمین دسترسی به مواد حیاتی از انرژی تا فلزات و مواد شیمیایی، به یک مسئله حیاتی امنیت اقتصادی و ملی تبدیل شده است.

این کالاها شامل متانول، آلومینیوم، گوگرد، گرافیت و سایر مواد صنعتی حیاتی هستند که زنجیره‌های تأمین جهانی و گذار به انرژی سبز را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

در این گزارش درباره کاهش عرضه و افزایش قیمت کودها (اوره و آمونیاک) آمده خلیج فارس مرکز اصلی صادرات کود دریایی جهان است و حداقل ۲۰ درصد از کل صادرات را تشکیل می‌دهد. وابستگی به اوره حتی بیشتر است و ۴۶ درصد تجارت جهانی از این منطقه تأمین می‌شود. این عرضه برای اقتصادهای کشاورزی بزرگ، از جمله هند، برزیل و چین حیاتی است و اختلال طولانی می‌تواند هزینه تولید غذا و تورم جهانی را افزایش دهد.

## جمهوری اسلامی محمدامین بیگلری و شاهین واحدپرست، از بازداشت شدگان دی ۴۰۴، را اعدام کرد

● خبرگزاری «میزان» متعلق به قوه قضاییه جمهوری اسلامی از اعدام محمدامین بیگلری و شاهین واحدپرست، از معترضان بازداشت شده اعتراضات دی ۴۰۴ خبر داد. حکم اعدام این دو شهروند جوان در سحرگاه روز یکشنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۵ اجرا شده است.

● در پرونده‌ای که از سوی نهادهای جمهوری اسلامی برای آتش‌سوزی پایگاه بسیج کاوه در خیابان دماوند تهران در جریان اعتراضات ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۴ تشکیل شد هفت شهروند بازداشت شدند. در این پرونده امیرحسین حاتمی، محمدامین بیگلری، شاهین واحدپرست کلور، ابوالفضل صالحی سیاوشانی و علی فهیم به «اعدام» محکوم شدند.

● حکم اعدام امیرحسین حاتمی روز پنجشنبه ۱۳ فروردین‌ماه اجرایی شد. همزمان منابع آگاه اعلام کرده بودند دیگر محکومان به اعدام این پرونده نیز به سلول



محمدامین بیگلری

انفرادی منتقل شده و به آنها گفته شده حکم اعدام آنها به زودی اجرایی می‌شود.

جمهوری اسلامی در ادامه روند پسرعت اجرای احکام اعدام زندانیان سیاسی، دو تن از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ را اعدام کرد. طی یک هفته گذشته ۹ زندانی سیاسی در ایران اعدام شدند.

خبرگزاری «میزان» متعلق به قوه قضاییه جمهوری اسلامی از اعدام محمدامین بیگلری و شاهین واحدپرست، از معترضان بازداشت‌شده اعتراضات دی ۴۰۴ خبر داد. حکم اعدام این دو شهروند جوان در سحرگاه روز یکشنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۵ اجرا شده است.

تصویرگر گفتگو کرده است. سحر حقگو در کنار هنجویان خود، که هر هفت نفر از زنان هنرمند ایرانی بودند، مسئولیت اجرای این بخش از جشنواره نوروزی لاودردیل را به عهده داشت.

در این فضا سازی، هریک از نمادهای سفره هفت‌سین بر صفحه‌ای با فرم تخم‌مرغی شکل، با تکنیک‌های مختلف در



ویدئو

جای جای این باغ نصب شده بود.

همچنین نقشه راهی طراحی شده بود که به صورت چاپی در کتابچه راهنما، و در سایت جشنواره قرار داشت و بازدیدکنندگان با دنبال کردن مسیر از روی نقشه راهنما، می‌توانستند محل نصب هریک از نمادهای سفره هفت‌سین را در دل پارک واترلو در منطقه‌های گیت لندن پیدا کنند.

## گزارش جشنواره نوروزی لاودردیل؛ گفتگو با سحر حقگو مدیر هنری و اجرایی سفره هفت‌سین در پارک واترلو

جشنواره نوروزی لاودردیل به مدت سه هفته و تا ششم آوریل ۲۰۲۶ در لندن برگزار شد.

در این جشنواره بخش‌های مختلفی مانند سخنرانی پژوهشگران و کارشناسان آیین‌های ایرانی، اجرای گروه‌های موسیقی، بازارچه صنایع دستی و آثار هنری، گالری نمایش آثار چاپی و تصویرسازی، و معرفی و رونمایی کتاب، فضا سازی‌هایی مثل «باغ بهشت ایرانی» و معرفی سفره هفت‌سین ایرانی برای بازدیدکنندگان تدارک دیده شده بود.

«کیهان لندن» برای آشنایی بیشتر با چگونگی ایده‌پردازی بخش معرفی سفره هفت‌سین ایرانی در این جشنواره با سحر حقگو مدیر اجرایی و هنری این بخش، نقاش و

## گره زدن صلح به گروه تروریستی حزب‌الله!



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

## دو آموزگار فرانسوی زندانی در ایران عازم پاریس شدند



خرگزاری «فرانسه» به نقل از یک منبع آگاه در وزارت امور خارجه فرانسه که درخواست نامش فاش شود نوشته که این زوج سرگناه سه‌شنبه ۱۸ اسفندماه در یک کاروان دیپلماتیک به همراه سفیر فرانسه، ایران را ترک کردند و در حال حاضر در جمهوری آذربایجان هستند.

کوهلر ۴۱ ساله و پاریس ۷۲ ساله در اردیبهشت ۱۴۰۱ در پایان سفر تفریحی به ایران و هنگام خروج از کشور در فرودگاه «امام خمینی» دستگیر شدند و بیش از سه سال در زندان محبوس شدند. آنها از آبان گذشته از زندان آزاد شده بودند اما حق خروج از ایران را پیدا نکردند.

سیسیل کوهلر عضو «فدراسیون ملی آموزش و فرهنگ نیروی کار فرانسه» (FNEC FP-FO)، و ژاک پاریس، دبیر کل سابق همین سندیکا در بخش آموزش (SNFOLC) است. آنها در طول سفر به ایران با چند تن از فعالان صنفی کارگری و آموزگاران ایران ملاقات کرده بودند.

این زوج فرانسوی در ابتدا به «توطئه برای براندازی نظام» و «فساد فی‌الارض» متهم شدند اما همزمان با جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل در پرونده‌های دیگر نیز اتهام «جاسوسی برای اسرائیل» برای آنها در نظر گرفته شد.

عباس عراقچی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی شامگاه‌شهریورماه ۱۴۰۴ در یک گفتگو در صدا و سیما جمهوری اسلامی اعلام کرده بود که دو آموزگار فرانسوی زندانی در ایران قرار است با یک تبعه ایرانی بازداشتی در فرانسه مبادله شوند.

عباس عراقچی گفته بود که «تبادل مهدیه اسفندیاری با زندانیان فرانسوی داخل ایران به مراحل نهایی نزدیک شده و امیدواریم در روزهای آینده انجام شود.»

مهدیه اسفندیاری شهروند ایرانی ۳۹ ساله ساکن شهر لیون ۱۰ اسفند ۱۴۰۳ به اتهام «همجید از تروریسم» و با انتشار مطالبی علیه اسرائیل بازداشت و به زندان منتقل شد. او در زندان فرسن در حومه پاریس محبوس بود اما پس از آنکه در آبان امسال سیسیل کوهلر و ژاک پاریس از زندان آزاد شدند، مهدیه اسفندیاری نیز از زندان در فرانسه آزاد شد.

خرگزاری حکومتی «ایرنا» نوشت آزادی سیسیل کوهلر و ژاک پاریس در چارچوب تفاهمی میان تهران و پاریس انجام شده و فرانسه در این چارچوب متعهد به آزادی مهدیه اسفندیاری و پس‌گرفتن شکایت خود از جمهوری اسلامی در دیوان بین‌المللی دادگستری شده بود.

● امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، روز سه‌شنبه ۱۸ اسفندماه ۱۴۰۵ اعلام کرد که سیسیل کوهلر و ژاک پاریس دو آموزگار تبعه فرانسوی که از چهار سال پیش در ایران زندانی بودند، عازم فرانسه شده‌اند.

● خرگزاری «فرانسه» به نقل از یک منبع آگاه در وزارت امور خارجه فرانسه که درخواست نامش فاش شود نوشته که این زوج سرگناه سه‌شنبه ۱۸ اسفندماه در یک کاروان دیپلماتیک به همراه سفیر فرانسه، ایران را ترک کردند و در حال حاضر در جمهوری آذربایجان هستند.

● کوهلر ۴۱ ساله و پاریس ۷۲ ساله در اردیبهشت ۱۴۰۱ در پایان سفر تفریحی به ایران و هنگام خروج از کشور در فرودگاه «امام خمینی» دستگیر شدند و بیش از سه سال در زندان محبوس شدند. آنها از آبان گذشته از زندان آزاد شده بودند اما حق خروج از ایران را پیدا نکردند.

● این زوج فرانسوی در ابتدا به «توطئه برای براندازی نظام» و «فساد فی‌الارض» متهم شدند اما همزمان با جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل در پرونده‌های دیگر نیز اتهام «جاسوسی برای اسرائیل» برای آنها در نظر گرفته شد.

● خرگزاری حکومتی «ایرنا» نوشت آزادی سیسیل کوهلر و ژاک پاریس در چارچوب تفاهمی میان تهران و پاریس انجام شده و فرانسه در این چارچوب متعهد به آزادی مهدیه اسفندیاری و پس‌گرفتن شکایت خود از جمهوری اسلامی در دیوان بین‌المللی دادگستری شده بود.

● مهدیه اسفندیاری شهروند ایرانی ۳۹ ساله ساکن شهر لیون ۱۰ اسفند ۱۴۰۳ به اتهام «همجید از تروریسم» و با انتشار مطالبی علیه اسرائیل بازداشت و به زندان منتقل شد.

رئیس‌جمهور فرانسه خبر داده که دو آموزگار فرانسوی که از چهار سال پیش در ایران زندانی بودند عازم فرانسه شده‌اند.

امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، روز سه‌شنبه ۱۸ اسفندماه ۱۴۰۵ اعلام کرد که سیسیل کوهلر و ژاک پاریس دو آموزگار تبعه فرانسوی که در ایران زندانی بودند، عازم فرانسه شده‌اند.

رئیس‌جمهور فرانسه در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشته «سیسیل کوهلر و ژاک پاریس پس از سه سال و نیم بازداشت در ایران، آزاد شدند و در راه فرانسه هستند.»

→ احکام این پرونده در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی صلواتی صادر شده بود. قوه قضاییه جمهوری اسلامی مدعی است احکام متهمان در دیوان عالی کشور هم تأیید شده بود. خرگزاری «میزان» مدعی شده این دو «به یک مکان دارای طبقه‌بندی نظامی تعرض کرده و ضمن مشارکت در تخریب و آتش زدن این مکان حساس، تلاش داشتند به اسلحه‌خانه دسترسی پیدا کنند.»

در پرونده‌ای که از سوی نهادهای جمهوری اسلامی برای آتش‌سوزی پایگاه بسیج کاوه در خیابان دماوند تهران در جریان اعتراضات ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۴ تشکیل شد هفت شهروند بازداشت شدند.

در این پرونده امیرحسین حاتمی، محمدمامین بیگری، شاهین واحدپرست کلور، ابوالفضل صالحی سیاوشانی و علی فهیم به «اعدام» محکوم شدند.

حکم اعدام امیرحسین حاتمی روز پنجشنبه ۱۳ فروردین‌ماه اجرایی شد. همزمان منابع آگاه اعلام کرده بودند دیگر محکومان به اعدام این پرونده نیز به سلول انفرادی منتقل شده و به آنها گفته شده حکم اعدام آنها به زودی اجرایی می‌شود.

این پرونده نیز مانند دیگر پرونده‌های مشابهی که طی سالیان گذشته برای شهروندان بازداشت‌شده در اعتراضات سراسری گشوده شده با اتهامات، اعتراف‌گیری اجباری و زیر فشار از متهمان و نبود اسناد و مدارکی که اتهام را ثابت کند روبرو بوده است.

نهادهای حقوق بشری به نقل از وکلای این پرونده نوشتند که ادعای مطرح شده در کيفرخواست متهمان با شواهد موجود در پرونده از جمله ویدئوها از محل حادثه در تناقض است. در این ویدئوها لباس‌های شخصی، مردم را به



شاهین واحدپرست

داخل ساختمان بسیج هل می‌دهند و درها را قفل می‌کنند و محل را به آتش می‌کشند.

جمهوری اسلامی پس از آغاز جنگ با اسرائیل و آمریکا روند اعدام متهمان پرونده‌های سیاسی و امنیتی را سرعت بخشیده است. در یک هفته گذشته ۹ زندانی سیاسی اعدام شدند. شش نفر از اعدام‌شدگان از اعضای سازمان مجاهدین خلق بودند که در سالیان گذشته بازداشت اما اکنون و در بحبوحه جنگ حکم اعدام آنها اجرا شده است.

ابوالحسن منتظر، وحید بنی‌عامریان، پویا قبادی بیستونی، بابک علیپور، اکبر (شاهرخ) دانشورکار و محمد تقوی سنگ‌دهی شش زندانی سیاسی و عضو سازمان مجاهدین رد فاصله دهم تا پانزدهم فروردین جاری اعدام شدند.

## روزنامه «دیلی میل»: آموزش نفرت به کودکان در اردوگاه‌های سپاه پاسداران، «فرقه مرگ» برای حفظ نظام خشونت ترویج می‌کند



استفاده از کودکان و نوجوانان در بسیج برای سرکوب مردم

خلیلی گفت که با مشاهده شکنجه و اعدام تصمیم گرفت برای سی‌آی‌ای جاسوسی کند. او توضیح داد: «از روز اول، وقتی این فعالیت‌ها را شروع کردم، هر کاری که انجام می‌دادم به امید سرنگونی جمهوری اسلامی بود، زیرا فهمیدم که این رژیم نه تنها برای مردم ایران خطرناک است، بلکه رژیم به شدت وحشی، ایدئولوژیک و آخرالزمانی و شرور است. من دیدم که این رژیم خطری برای ثبات کل منطقه است و اگر در تلاش‌هایش موفق شود، میلیون‌ها ایرانی و غیرایرانی را قتل‌عام می‌کند.»

طبق گزارش «موسسه تونی بلر»، فرماندهان و اعضای سپاه در چارچوب «ایدئولوژی اسلامگرای شیعه موردتایید حکومت» که خشونت‌آمیز و افراطی است، آموزش می‌بینند و سپاه پاسداران به آن چیزی که خود آن را آموزش «ایدئولوژیک-سیاسی» نیروهای جدید می‌نامد، به شدت متعصب است. جهان‌بینی که این آموزش در چارچوب آن شکل می‌گیرد، افراطی و خشونت‌محور است.

این اندیشکده توضیح داد که این جهان‌بینی هر ایده و باور را زیر لوای غربی از مسیحیان و یهودیان گرفته تا حتی ایرانیانی که با رژیم مخالفاند، «دشمن» می‌داند و از ترویج چنین باوری در سراسر دنیا حمایت می‌کند.

در بخش دیگری از گزارش دیلی‌میل آمده، این فقط بزرگسالان نیستند تحت شستشوی مغزی سپاه قرار می‌گیرند. بر اساس کتاب «ظهور پاسداران»، این نهاد در اردوهای تابستانی به شستشوی مغزی کودکان و نوجوانان می‌پردازد. هدف از برپایی اردوگاه‌ها آماده‌سازی «جوانان برای بر عهده گرفتن نقش نیروهای کمکی مسلح در کنار سپاه، در چارچوب راهبرد دفاع از کشور» عنوان شده است.

روزنامه بریتانیایی «دیلی‌میل» در گزارشی به استفاده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج از کودکان سربازان پرداخته است. در این گزارش با اشاره به شست‌وشوی مغزی نیروها در اردوگاه‌ها، تأکید شده که اعضای این ارگان‌های نظامی آموزش خشونت و افراطی‌گری می‌بینند تا حکومت را حفظ کنند.

در این گزارش که پنجم آوریل (۱۶ فروردین) منتشر شد آمده است که در اردوگاه‌های سپاه در مناطق شهری و روستایی ایران، مردان نظامی خشن با فریاد به جوانان آموزش می‌دهند و آن‌ها را برای اطاعت‌پذیری آماده می‌کنند. پسرانی که گاهی فقط ۱۳ سالشان است، تحت آموزش‌های سخت مربیانی قرار می‌گیرند که بدون انعطاف، مغز شاگردانشان را برای نفرت از دشمنان نظام شست‌وشو می‌دهند و در ذهن آنها بذر افراط می‌کارند.

این آغاز مسیر برای عضو شدن در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است که به نوجوانان آموزش می‌دهد چگونه عضو این «فرقه مرگ» ۱۲۵ هزار نفری شوند.

در این گزارش آمده به بسیجی‌ها و سپاهی‌ها گفته می‌شود وظیفه آن‌ها حفظ تسلط حکومت بر جمعیت ۹۲ میلیون نفری ایران به دستور رهبر جمهوری اسلامی است. وظیفه‌ای که به گفته گروه‌های حقوق بشری، شامل شکنجه گسترده، اعدام و سرکوب بی‌رحمانه هر کسی است که جرات به چالش کشیدن رژیم را داشته باشد.

«رضا خلیلی»، [نام مستعار یک افسر سابق سپاه] که برای سی‌آی‌ای جاسوسی کرد به «دیلی‌میل» می‌گوید: «من شاهد شکنجه و وحشتی بودم که سپاه بر مردم ایران تحمیل می‌کرد.»

● روزنامه دیلی‌میل ۱۶ فروردین گزارش داد که در اردوگاه‌های سپاه در مناطق شهری و روستایی ایران، مردان نظامی خشن با فریاد به جوانان آموزش می‌دهند و آن‌ها را برای اطاعت‌پذیری آماده می‌کنند. پسرانی که گاهی فقط ۱۳ سالشان است، تحت آموزش‌های سخت مربیانی قرار می‌گیرند که بدون انعطاف، مغز شاگردانشان را برای نفرت از دشمنان نظام شست‌وشو می‌دهند و در ذهن آنها بذر افراط می‌کارند.

● طبق گزارش «موسسه تونی بلر»، فرماندهان و اعضای سپاه در چارچوب «ایدئولوژی اسلامگرای شیعه موردتایید حکومت» که خشونت‌آمیز و افراطی است، آموزش می‌بینند و سپاه پاسداران به آن چیزی که خود آن را آموزش «ایدئولوژیک-سیاسی» نیروهای جدید می‌نامد، به شدت متعصب است. جهان‌بینی که این آموزش در چارچوب آن شکل می‌گیرد، افراطی و خشونت‌محور است.

● این اردوگاه‌ها که سازمان بسیج برگزار می‌کند، «بر ارائه فعالیت‌هایی برای دانش‌آموزان تمرکز دارند که با هدف القای یک جهان‌بینی محافظه‌کارانه و بسته طراحی شده‌اند تا آن‌ها را در برابر تأثیرپذیری از فرهنگی خارجی، مانند شبکه‌های ماهواره‌ای و وبسایت‌های اینترنتی، نفوذناپذیر کند.

● با وجود همه این تلاش‌ها، اعتقاد بر این است که سپاه «تحت فشار داخلی شدید و فزاینده‌ای» قرار دارد. به گفته منبعی که با دیلی‌میل صحبت کرد، گزارش‌های زیادی مبنی بر اعدام نیروهای سپاه به دلیل فرار از خدمت وجود دارد. برخی اعضای رده‌بالای این سازمان هم فرار کرده یا تلاش کرده‌اند فرار کنند. به همین دلیل، جستجوی اعضای فراری آغاز شده و خانواده‌های آنان در حصر خانگی قرار گرفته‌اند.

## تبریک نتانیاهو به ترامپ برای نجات خلبانها: می‌دانیم چه تصمیم شجاعانه‌ای گرفت



نتانیاهو و ترامپ در کنست / ۱۳ اکتبر ۲۰۲۵

تاریکی و وحشت غلبه کند.» نخست وزیر اسرائیل، خطاب به ترامپ ادامه داد: «دوست عزیزم، بار دیگر رهبری تو پیروزی بزرگی را برای آمریکا به ارمغان آورد.»

براساس گزارش سی‌بی‌اس نیوز، سه هواپیمایی که کماندوهای آمریکایی را در جریان مأموریت نجات خلبان «اف۱۵-» از ایران خارج کردند به مقصد کویت پرواز کردند. این مأموریت بامداد یکشنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۵ درست پیش از نیمه‌شب به پایان رسید و همه نیروهای آمریکایی از حریم هوایی دشمن خارج شدند.

یک مقام ارشد دولت ترامپ به سی‌بی‌اس نیوز گفت که سازمان سیا نقش مهمی در این عملیات داشت. نیویورک تایمز گزارش داد نیروهای مردمی در ایران نیز به این عملیات کمک کردند.

پیش از یافتن این افسر خلبان، سی‌آی‌ای یک عملیات فریب اجرا کرد و در داخل ایران شایعه کرد که نیروهای آمریکایی خلبان دوم را هم پیدا کردند و در حال انتقال زمینی او برای خروج از آن کشور هستند.

هم‌زمان، این سازمان با استفاده از توانایی‌های خود محل دقیق این عضو خدمه را در شکاف کوهستانی ردیابی کرد. سی‌آی‌ای موقعیت دقیق او را به پنتاگون و کاخ سفید اطلاع داد و دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا دستور انجام فوری عملیات نجات را صادر کرد، در حالی که سیا همچنان اطلاعات لحظه‌ای ارائه می‌داد.

روز جمعه سوم آوریل (۱۴ فروردین) بعد از نجات اولین خلبان، باراک اوباید خبرنگار آکسیوس گزارش داد که خلبان دوم نیز نجات پیدا کرد. به نقل آکسیوس چند رسانه بین‌المللی دیگر نیز اعلام کردند که خلبان دوم نجات یافت، او بعداً گزارش داد این روایت بخشی از همان عملیات فریب برای نجات خلبان بود.

بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل ضمن تبریک به دونالد ترامپ برای نجات خدمه هواپیمای آمریکایی سقوط کرده در ایران، گفت: «به‌عنوان ملتی که بارها عملیات‌های جسورانه نجات انجام داده، می‌دانیم چه تصمیم جسورانه‌ای گرفتید.»

نخست وزیر اسرائیل، خطاب به ترامپ ادامه داد: «دوست عزیزم، بار دیگر رهبری تو پیروزی بزرگی را برای آمریکا به ارمغان آورد.»

براساس گزارش سی‌بی‌اس نیوز، سه هواپیمایی که کماندوهای آمریکایی را در جریان مأموریت نجات خلبان «اف۱۵-» از ایران خارج کردند به مقصد کویت پرواز کردند. این مأموریت بامداد یکشنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۵ درست پیش از نیمه‌شب به پایان رسید و همه نیروهای آمریکایی از حریم هوایی دشمن خارج شدند.

روز جمعه سوم آوریل (۱۴ فروردین) بعد از نجات اولین خلبان، باراک اوباید خبرنگار آکسیوس گزارش داد که خلبان دوم نیز نجات پیدا کرد. به نقل آکسیوس چند رسانه بین‌المللی دیگر نیز اعلام کردند که خلبان دوم نجات یافت، او بعداً گزارش داد این روایت بخشی از همان عملیات فریب برای نجات خلبان بود.

بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل ضمن تبریک به دونالد ترامپ برای نجات خدمه هواپیمای آمریکایی سقوط کرده در ایران، گفت: «به‌عنوان ملتی که بارها عملیات‌های جسورانه نجات انجام داده، می‌دانیم چه تصمیم جسورانه‌ای گرفتید.»

او افزود: «همه اسرائیلی‌ها از این عملیات قابل توجه شادمان هستند. این ثابت می‌کند که وقتی جوامع آزاد با شجاعت و عزم راسخ عمل می‌کنند، می‌توانند بر نیروهای

این اردوگاه‌ها که سازمان بسیج برگزار می‌کند، «بر ارائه فعالیت‌هایی برای دانش‌آموزان تمرکز دارند که با هدف القای یک جهان‌بینی محافظه‌کارانه و بسته طراحی شده‌اند تا آن‌ها را در برابر تأثیرپذیری از فرهنگی خارجی، مانند شبکه‌های ماهواره‌ای و وب‌سایت‌های اینترنتی، نفوذناپذیر کند.»

سپاه پاسداران و بسیج، آموزش‌های شبه‌نظامی را در سراسر کشور برای اعضایشان برگزار می‌کنند تا آن‌ها را برای دفاع در برابر «کودتاهای نرم» غربی آماده کنند.

طبق این گزارش، شرکت‌کنندگان در این اردوهای آموزشی «از طیف وسیعی از جامعه ایران از طبقات روستایی و شهرستانی تا دانشجویان و کارگران کارخانه‌ها هستند.»

### فرار نیروها از خدمت

با وجود همه این تلاش‌ها، اعتقاد بر این است که سپاه پاسداران «تحت فشار داخلی شدید و فزاینده‌ای» قرار دارد. به گفته منبعی که با دلیلی میل صحبت کرد، گزارش‌های زیادی مبنی بر اعدام نیروهای سپاه به دلیل فرار از خدمت وجود دارد. برخی اعضای رده‌بالای این سازمان هم فرار کرده یا تلاش کرده‌اند فرار کنند. به همین دلیل، جستجوی اعضای فراری آغاز شده و خانواده‌های آنان در حصر خانگی قرار گرفته‌اند.

در عین حال گزارش‌هایی وجود دارد که درخواست‌های استعفا در چندین استان، در برخی موارد با تهدید صریح، به طور کامل رد شده‌اند که همه نشان‌دهنده فروپاشی از درون این سازمان است.

تلاش‌ها برای مقابله با فروپاشی این سازمان برای آن است که سپاه پاسداران که پس از انقلاب تاسیس شد، ضامن اصلی بقای رژیم حاکم بر ایران در نظر گرفته می‌شود.

این سازمان با گذشت زمان، به یکی از قدرتمندترین نیروها در جمهوری اسلامی تبدیل شد و دامنه نفوذش را بسیار فراتر از مرزهای ایران گسترش داد.

سپاه پاسداران از گروه‌های شبه‌نظامی شیعه در سراسر عراق، لبنان، سرزمین‌های فلسطینی، سوریه و یمن حمایت و آنچه را «محور مقاومت» توصیف می‌کند، با هدف مقابله با نفوذ غرب و اسرائیل در منطقه تشکیل داده است.

سرکوب خشونت‌آمیز اعتراضات ضدحکومتی در ایران محکومیت بین‌المللی را به دنبال داشت و اتحادیه اروپا و سایر نهادهای مهم سپاه را یک سازمان تروریستی معرفی کردند. اکنون نیز به نظر می‌رسد که این نهاد در تلاشی برای سرکوب مخالفان سیاسی و جلوگیری از وقوع خیزش دیگر در طول جنگ جاری، ممکن است موجی از خشونت را رقم بزند. هم‌زمان قوه قضاییه جمهوری اسلامی با اعدام‌های پرتعداد معتضان تلاش می‌کند مردم را از تبعات هرگونه اعتراضی بترساند.

تصاویر منتشرشده نیز نشان می‌دهد این سازمان تلاش می‌کند از تمام اعضایش در شرایط کنونی استفاده کند و حتی به مسلح کردن نوجوانان برای گشت‌زنی در خیابان‌ها روی آورده است.

دلیلی‌میل در پایان می‌نویسد، در حالی که دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا، گفته برای توافق با جمهوری اسلامی تلاش می‌کند، میلیون‌ها ایرانی که تحت کنترل سپاه پاسداران زندگی می‌کنند، نگران‌اند که جمهوری اسلامی باقی بماند و فرصتی که برای آزادی آن‌ها دست از این رژیم فراهم شده است، از دست برود.

## تکمیلی؛ عملیات نجات خلبان آمریکایی در ایران

● در سی و چهارمین روز عملیات نظامی آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی، جمعه سوم آوریل ۲۰۲۶ برابر با ۱۴ فروردین ۱۴۰۵، ساعاتی پس از نجات یکی از دو خلبان آمریکایی که هواپیمای آنها در جنوب غربی ایران سقوط کرده بود، باراک راوید خبرنگار آکسیوس گزارش داد خلبان دوم نیز نجات پیدا کرده است، اما پس از مدتی در آپدیت جدید، اعلام شد دومین خلبان هنوز نجات پیدا نکرده است.

● آکسیوس در آپدیت جدید، گزارش داد که خلبان دوم هنوز پیدا نشده و عملیات جستجو همچنان ادامه دارد. فاکس نیوز نیز در خبر تکمیلی گزارش داد که ارتش آمریکا از موقعیت خلبان دوم سیگنال‌هایی دریافت کرده است. در گزارش فاکس نیوز آمده بود این خلبان موفق شده از طریق سیگنال‌های رادیویی رمزگذاری شده با ارتش آمریکا تماس برقرار کند.

● عملیات نجات این دو خلبان، در شرایطی که انجام شد که حکومت از عشایر خواسته بودند آنها را دستگیر کنند یا درباره آنها به نیروهای امنیتی اطلاعات بدهند.

در سی و چهارمین روز عملیات نظامی آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی، جمعه سوم آوریل ۲۰۲۶ برابر با ۱۴ فروردین ۱۴۰۵، ساعاتی پس از نجات یکی از دو خلبان آمریکایی که هواپیمای آنها در جنوب غربی ایران سقوط کرده بود، باراک راوید خبرنگار آکسیوس گزارش داد خلبان دوم نیز نجات پیدا کرده است، اما پس از مدتی در آپدیت جدید، اعلام شد دومین خلبان هنوز نجات پیدا نکرده است. عملیات نجات خلبانان آمریکایی در مرزهای غربی ایران عملیات نجات در شرایطی انجام شد که حکومت از عشایر خواسته بودند خلبان‌ها را دستگیر کنند یا درباره آنها به نیروهای امنیتی اطلاعات بدهند.

آکسیوس در آپدیت جدید، گزارش داد که خلبان دوم هنوز پیدا نشده و عملیات جستجو همچنان ادامه دارد. فاکس نیوز نیز در خبر تکمیلی گزارش داد که ارتش آمریکا از موقعیت خلبان دوم سیگنال‌هایی دریافت کرده است. در گزارش فاکس نیوز آمده بود این خلبان موفق شده از طریق سیگنال‌های رادیویی رمزگذاری شده با ارتش آمریکا تماس برقرار کند. از سوی دیگر ای‌تی بلومنتال، خبرنگار شبکه کان اسرائیل گزارش داد اسرائیل به آمریکا در شناسایی و پیدا کردن خلبان‌های هواپیمای جنگنده آمریکایی که در جنوب غربی ایران سقوط کرد، کمک اطلاعاتی کرده است.

او خاطر نشان کرد که این موضوع توسط یک منبع امنیتی به کان تأیید شد. داده‌های اطلاعاتی به آمریکا کمک کرد تا خلبان را زنده نجات دهد، جستجو برای ناوبر هواپیما اما هنوز ادامه دارد.

منطقه‌ای که حادثه در آن رخ داد نواحی کوهستانی بین استان خوزستان و کهگیلویه و بویراحمد نزدیک مرز ایران و عراق بود. منابع حکومتی ابتدا مدعی شدند پدافند جمهوری اسلامی یک هواپیمای اف۳۵ را سرنگون کرد، ساعاتی بعد اعلام شد هواپیما «اف۱۵» بود.

طبق اعلام شبکه استانی کهگیلویه و بویراحمد، هرکس خلبان آمریکایی را زنده بگیرد پاداش ارزشمندی دریافت خواهد کرد.

پایگاه خبری «آکسیوس» سوم آوریل (۱۴ فروردین) گزارش داد یک جنگنده آمریکایی در ایران سقوط کرد و سرنوشت دو خدمه آن اطلاعی در دست نیست.

منابع آمریکایی گزارش دادند عملیات جست‌وجو و نجات برای یافتن دو خدمه آن در حال انجام است.

این نخستین بار از آغاز جنگ خواهد بود که یک جنگنده آمریکایی بر اثر اصابت پدافند جمهوری اسلامی منهدم می‌شود.

رسانه‌های حکومتی ایران تصاویر و ویدیوهایی منتشر کردند که گفته می‌شود بقایای هواپیمای سرنگون شده و یکی از صندلی‌های پرتاب (اجکت) را نشان می‌دهد.

این تصاویر و ویدیوها نشان می‌دهند که این هواپیما یک جنگنده اف۱۵- بوده است.

همزمان ویدیوهایی منتشر شد که نشان می‌داد هواپیمای ترابری و هلی‌کوپترهای تاکتیکی آمریکایی در ارتفاع پایین در جنوب ایران مشغول پرواز هستند.

خبرگزاری تسنیم نزدیک به سپاه با انتشار تصویری از پرواز هلی‌کوپتر آمریکای گزارش داد «بررسی‌های خبرنگاران تسنیم در استان‌ها نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها از طریق چند هلیکوپتر بلک‌هاوک، یک فروند هرکولس ۱۳۰ و همچنین با بهره‌گیری از پهپادهای شناسایی به دنبال یافتن خلبان جنگنده ای هستند که صبح امروز توسط نیروهای مسلح ایران مورد حمله قرار گرفت.»

در این گزارش تأکید شد هرکولس معمولاً خلبانان



تصاویری که ادعا شده مربوط به لاشه هواپیمای آمریکایی سرنگون شده در ایران است



جنگنده‌ها به GPSهایی متصل هستند که در شرایط ایجکت می‌تواند از محل آنها خبر بدهد. با این حال مساحتی که مورد بررسی آمریکایی‌ها قرار گرفته حاکی از آن است که آنها از محل دقیق خلبان خود خبری ندارند و از طرق دیگری به دنبال یافتن او هستند.»

صداسیماي جمهوری اسلامی گفته این جنگنده در استان کهگیلویه و بویراحمد سقوط کرده است. شبکه دنا (متعلق به صداسیما) به نقل از نیروی انتظامی استان از مردم و عشایر خواست تا اگر خلبان‌های آمریکایی را مشاهده کردند آنها را مورد هدف قرار دهند. همچنین طبق اعلام شبکه استانی کهگیلویه و بویراحمد، هرکس خلبان آمریکایی را زنده بگیرد پاداش ارزشمندی دریافت خواهد کرد.

## سقوط یک هواپیمای «اف-۱۸» آمریکا در ایران؛ جمهوری اسلامی و آمریکا همزمان در جست‌وجوی دو خلبان

● پایگاه خبری «آکسیوس» سوم آوریل (۱۴ فروردین) گزارش داد یک جنگنده آمریکایی در ایران سقوط کرد و سرنوشت دو خدمه آن اطلاعی در دست نیست.

● منابع آمریکایی گزارش دادند عملیات جست‌وجو و نجات برای یافتن دو خدمه آن در حال انجام است.

● همزمان ویدیوهایی منتشر شد که نشان می‌داد هواپیمای ترابری و هلی‌کوپترهای تاکتیکی آمریکایی در ارتفاع پایین در جنوب ایران مشغول پرواز هستند.

● خبرگزاری تسنیم نزدیک به سپاه با انتشار تصویری از پرواز هلی‌کوپتر آمریکای گزارش داد «بررسی‌های خبرنگاران تسنیم در استان‌ها نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها از طریق چند هلیکوپتر بلک‌هاوک، یک فروند هرکولس ۱۳۰ و همچنین با بهره‌گیری از پهپادهای شناسایی به دنبال یافتن خلبان جنگنده ای هستند که صبح امروز توسط نیروهای مسلح ایران مورد حمله قرار گرفت.»

● صداسیماي جمهوری اسلامی گفته این جنگنده در استان کهگیلویه و بویراحمد سقوط کرده است. شبکه دنا (متعلق به صداسیما) به نقل از نیروی انتظامی استان از مردم و عشایر خواست تا اگر خلبان‌های آمریکایی را مشاهده کردند آنها را مورد هدف قرار دهند. همچنین

# نجات دومین خلبان آمریکایی در ایران؛ ترامپ: یکی از جسورانه‌ترین عملیات‌های تاریخ آمریکا بود

برنامه‌ریزی می‌کردند. به دستور من، ارتش ایالات متحده ده‌ها هواپیما، مجهز به مرگبارترین سلاح‌های جهان را برای بازگرداندن او اعزام کرد. او دچار جراحات شده است، اما حالش خوب خواهد شد.»

ترامپ با تقدیر از نیروهای نظامی آمریکا و با تایید نجات خلبان دیگر جنگنده در روز گذشته نوشت: «این عملیات معجزه‌آسای جستجو و نجات علاوه بر نجات موفقیت‌آمیز یک خلبان شجاع دیگر در دیروز است که ما آن را تایید نکردیم، زیرا نمی‌خواستیم عملیات نجات دوم خود را به خطر بیندازیم. این اولین بار در حافظه نظامی است که دو خلبان آمریکایی، به طور جداگانه، در عمق خاک دشمن نجات یافته‌اند. ما هرگز یک جنگجوی آمریکایی را رها نخواهیم کرد! این واقعیت که ما توانستیم هر دوی این عملیات‌ها را بدون حتی یک کشته یا حتی مجروح آمریکایی به انجام برسانیم، بار دیگر ثابت می‌کند که ما به تسلط و برتری هوایی مطلق بر آسمان ایران دست یافته‌ایم. این لحظه‌ای است که همه آمریکایی‌ها، جمهوری خواه، دموکرات و هر کس دیگری، باید به آن افتخار کنند و حول آن متحد شوند. ما واقعا بهترین، حرفه‌ای‌ترین و مرگبارترین ارتش را در تاریخ جهان داریم. خدا به آمریکا برکت دهد، خدا به نیروهای ما برکت دهد، و عید پاک بر همه مبارک!»

عملیات نجات بسیار پیچیده بود و جزئیات زیادی از آن منتشر شد. طبق گزارش‌های اولیه نیروهای کماندو با هلی‌کوپتر و هواپیما وارد ایران شده‌اند. خلبان آمریکایی در کوهستان‌های اطراف «کوه سیاه» در دهدشت استان کهگیلویه و بویراحمد پناه گرفته بود. هلی‌کوپترها و هواپیماهای آمریکایی با آتش سنگین محدوده تأمین را ایجاد کردند و تا کماندوها هب نقطه مورد نظر برسند. در طول این عملیات در چند نقطه درگیری زمینی اتفاق افتاد که در نتیجه آن حداقل ۹ بسیجی و سپاهی کشته و زخمی شدند.

نیویورک تایمز، روز یکشنبه ۱۵ فروردین ماه در گزارشی در مورد عملیات نجات سرنشین جنگنده اف ۱۵ آمریکایی در ایران، به نقل از یک مقام ارشد نظامی ایالات متحده از انهدام دو هواپیمای ترابری ارتش آمریکا برای جلوگیری از دستیابی نیروهای ایرانی به آنها خبر داد.

## آمریکا هواپیماهای خود را منفجر کرد

روزنامه «نیویورک تایمز» گزارش داد پس از نجات خلبان، دو هواپیمای ترابری که قرار بود کماندوها و خلبان را به نقطه‌ای امن منتقل کنند، در پایگاهی دورافتاده در ایران زمین‌گیر شدند. در این گزارش توضیح داده شد، «فرماندهان تصمیم گرفتند برای خارج کردن تمامی پرسنل نظامی ایالات متحده و خلبان، سه هواپیمای جدید به منطقه اعزام کنند. آن‌ها همچنین دو هواپیمای ازکارافتاده را منفجر کردند تا به دست نیروهای ایرانی نیفتند.»

اما سخنگوی قرارگاه مرکزی «خاتم‌الانبیا» در بیانیه‌ای ادعا کرد عملیات نجات خلبان آمریکایی شکست خورده است. در این بیانیه گفته شد طی عملیات مشترک نیروی هوافضا، زمینی، یگان‌های بسیج و فراجا دو فروند هواپیمای «بلک هاوک» و یک فروند هواپیمای ترابری نظامی C-130 مورد اصابت قرار گرفتند.



با انتشار پیامی در «تروث سوشال»، نجات دومین خلبان را تایید کرد.



تصویری از انهدام هواپیماهای ترابری آمریکا در یک نقطه بیابانی در غرب ایران

ترامپ در این پیام نوشت: «ما او را گرفتیم! هموطنان آمریکایی من، طی چند ساعت گذشته، ارتش ایالات متحده یکی از جسورانه‌ترین عملیات‌های جستجو و نجات در تاریخ ایالات متحده را برای یکی از افسران فوق‌العاده کادر پروازی ما، که از قضا سرهنگی بسیار محترم است، انجام داد و من بسیار خوشحالم که به شما اطلاع دهم او اکنون در سلامت و امنیت کامل است! این جنگجوی شجاع در پشت خطوط دشمن در کوهستان‌های ایران بود و توسط دشمنان ما که ساعت به ساعت نزدیک‌تر می‌شدند، تعقیب می‌شد، اما هرگز واقعا تنها نبود زیرا فرمانده کل قوا، وزیر جنگ، رئیس ستاد مشترک ارتش و هم‌زمان جنگاور او مکان وی را ۲۴ ساعته تحت نظر داشتند و با دقت برای نجات او

● مقامات آمریکایی روز یکشنبه ۵ آوریل (۱۶ فروردین) اعلام کردند دومین خلبان هواپیمای جنگنده «اف-۱۵» که در ایران سقوط کرده بود، توسط کماندوها در یک عملیات پیچیده نجات پیدا کرد. دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا با انتشار پیامی در «تروث سوشال»، نجات دومین خلبان را تایید کرد.

● ترامپ در این پیام نوشت: «ما او را گرفتیم! هموطنان آمریکایی من، طی چند ساعت گذشته، ارتش ایالات متحده یکی از جسورانه‌ترین عملیات‌های جستجو و نجات در تاریخ ایالات متحده را برای یکی از افسران فوق‌العاده کادر پروازی ما، که از قضا سرهنگی بسیار محترم است، انجام داد و من بسیار خوشحالم که به شما اطلاع دهم او اکنون در سلامت و امنیت کامل است!

● عملیات نجات بسیار پیچیده بود و جزئیات زیادی از آن منتشر شد. طبق گزارش‌های اولیه نیروهای کماندو با هلی‌کوپتر و هواپیما وارد ایران شده‌اند. خلبان آمریکایی در کوهستان‌های اطراف «کوه سیاه» در دهدشت استان کهگیلویه و بویراحمد پناه گرفته بود. هلی‌کوپترها و هواپیماهای آمریکایی با آتش سنگین محدوده تأمین را ایجاد کردند و تا کماندوها هب نقطه مورد نظر برسند. در طول این عملیات در چند نقطه درگیری زمینی اتفاق افتاد که در نتیجه آن حداقل ۹ بسیجی و سپاهی کشته و

زخمی شدند.

● اما سخنگوی قرارگاه مرکزی «خاتم‌الانبیا» در بیانیه‌ای ادعا کرد عملیات نجات خلبان آمریکایی شکست خورده است. در این بیانیه گفته شد طی عملیات مشترک نیروی هوافضا، زمینی، یگان‌های بسیج و فراجا دو فروند هواپیمای «بلک هاوک» و یک فروند هواپیمای ترابری نظامی C-130 مورد اصابت قرار گرفتند.

مقامات آمریکایی روز یکشنبه ۵ آوریل (۱۶ فروردین) اعلام کردند دومین خلبان هواپیمای جنگنده «اف-۱۵» که در ایران سقوط کرده بود، توسط کماندوها در یک عملیات پیچیده نجات پیدا کرد. دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا

## موج بحران‌های بی‌سابقه در مطبوعات ایران؛ ده‌ها روزنامه‌نگار بیکار شدند



کاهش یافته است.

«شرق» می‌نویسد فعالان رسانه‌ای این روند را ناشی از کاهش درآمدهای تبلیغاتی و فشارهای اقتصادی می‌دانند و هشدار می‌دهند که چنین تصمیماتی ممکن است به الگویی برای سایر رسانه‌ها تبدیل شده و بحران اشتغال در این حوزه را تشدید کند.

اگرچه دولت مدعی انجام برخی اقدامات حمایتی از سوی نهادهای دولتی، از جمله افزایش آگهی‌های دولتی، ارائه یارانه و استفاده از ظرفیت بیمه است اما روزنامه‌نگاران شاغل در ایران معتقدند این حمایت‌ها کافی نیست و ضعف نهادهای صنفی و نبود پشتوانه مؤثر، وضعیت معیشتی و شغلی آنها را بیش از پیش آسیب‌پذیر کرده است. گزارش «شرق» در حالی منتشر شده که اقتصاد ایران در حالی دهه‌هاست در پی ناکارآمدی جمهوری اسلامی با بحران پیوسته رکود تومی روبروست اکنون با تورم بی‌سابقه ۷۲ درصدی روبرو شده است. هزینه‌ها نه تنها برای مردم بلکه برای صاحبان کسب‌وکار و فعالان اقتصادی نیز به شدت افزایش یافته است.

در آنسو اما درآمدها به علت شرایط ویژه ناشی از اعتراضات دی ۴۰۴ و همچنین شش هفته جنگ نظامی با کاهش روبرو و حتی در بسیاری مشاغل به صفر رسیده است. در این میان مطبوعات با فشارهای امنیتی و سانسور نیز روبرو هستند.

فرشاد اسماعیلی فعال کارگری و حقوقدان در شبکه «ایکس» نوشته «شاغلین بیکار نشدن، شغل‌ها نابود شدند». اشاره این مشاور حقوقی کار به شرایطی است که در پی قطع اینترنت و شرایط جنگی برای کسب‌وکارها رخ داده است.

در آنسو ایجاد توقف در صادرات و واردات و همچنین اختلال در تولید بخش‌های مختلف به علت شرایط ناشی از جنگ، از جمله هدف قرار گرفتن کارخانه‌های فولاد و زیرساخت‌های پتروشیمی در استان خوزستان، نگرانی برای تعطیلی کارخانه‌ها و واحدهای صنعتی بزرگ کشور نیز افزایش یافته است.

● روزنامه «شرق» گزارش داده مطبوعات در ایران از سال گذشته با موجی از بحران‌های بی‌سابقه روبرو بوده‌اند و این روزها با اخراج گسترده کارکنان، ناتوانی در پرداخت حقوق و حتی تعطیلی روبرو هستند.

● بر اساس این گزارش بیش از ۱۰۰ نفر از کارکنان یکی از بزرگ‌ترین رسانه‌های خصوصی اخراج شدند و همزمان رسانه‌هایی مانند «پیام‌ما» و «شبکه آفتاب» نیز متوقف شدند. ● روزنامه «دنیا اقتصاد» حدود ۷۰ درصد از کارکنان خود را تعدیل کرده و تعداد صفحات انتشار آن نیز کاهش یافته است.

● «شرق» می‌نویسد فعالان رسانه‌ای این روند را ناشی از کاهش درآمدهای تبلیغاتی و فشارهای اقتصادی می‌دانند و هشدار می‌دهند که چنین تصمیماتی ممکن است به الگویی برای سایر رسانه‌ها تبدیل شده و بحران اشتغال در این حوزه را تشدید کند.

پس از تعطیلات نوروز موجی از تعطیل و نیمه‌تعطیل شدن کسب‌وکارها به علت شرایط جنگی و قطع اینترنت در ایران به راه افتاده است. در این میان مطبوعات نیز از سال گذشته با موجی از بحران‌های بی‌سابقه روبرو بوده‌اند و این روزها با اخراج گسترده کارکنان، ناتوانی در پرداخت حقوق و حتی تعطیلی روبرو هستند.

روزنامه «شرق» چاپ تهران در گزارشی نوشت که بیش از ۱۰۰ نفر از کارکنان یکی از بزرگ‌ترین رسانه‌های خصوصی اخراج شدند و همزمان رسانه‌هایی مانند «پیام‌ما» و «شبکه آفتاب» نیز متوقف شدند.

همچنین بر اساس این گزارش روزنامه «هم‌میهن» که پیش‌تر در پی برخورد قضایی توقیف شده بود، در روزهای پایانی سال نیز از انتشار بازماند. در کنار این موارد، گزارش‌هایی از عدم پرداخت حقوق و عیدی در برخی رسانه‌ها منتشر شده است.

در این میان، روزنامه «دنیا اقتصاد» حدود ۷۰ درصد از کارکنان خود را تعدیل کرده و تعداد صفحات انتشار آن نیز

## فشار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای حضور کارگران در پالایشگاه‌های مباران شده پارس جنوبی با وجود شرایط جنگی و پرخطر



● سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کارگران شاغل در شرکت‌های پیمانکاری در پالایشگاه‌های آسیب دیده مجتمع گاز پارس جنوبی را با وجود شرایط جنگی و پرخطر مجبور کرده به کار بازگردند تا در عملیات بازسازی پالایشگاه از آنها استفاده شود.

● شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) تأکید کرده علاوه بر اینکه شرایط غیر قابل پیش‌بینی جنگ جان همکاران را با خطر مواجه می‌فاید، خطر آلودگی زیست محیطی به دلیل نشت سیالات و گازهای سمی از خطوط لوله و تجهیزات آسیب دیده نیز جان کارگران این مجموعه را تهدید می‌کند.

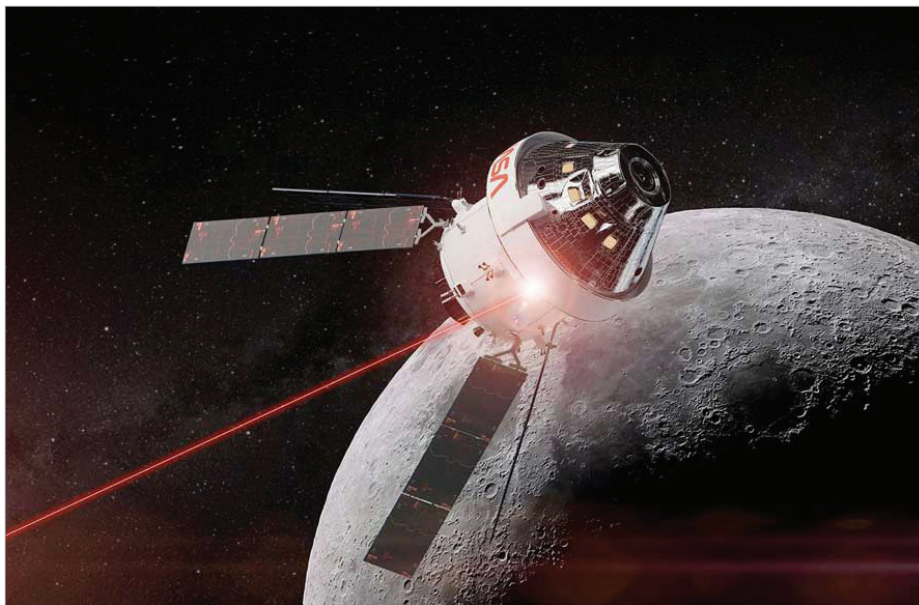
● روز چهارشنبه ۲۷ اسفندماه ۱۴۰۴ تأسیسات گاز پارس جنوبی در استان بوشهر هدف بمباران قرار گرفت. فرماندار عسلویه اعلام کرد در این حملات فازهای ۳، ۴، ۵ و ۶ پارس جنوبی در عسلویه هدف قرار گرفته و آسیب دیده است.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) گزارش داده که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کارگران شاغل در شرکت‌های پیمانکاری در پالایشگاه‌های آسیب دیده مجتمع گاز پارس جنوبی را با وجود شرایط جنگی و پرخطر مجبور کرده به کار بازگردند تا در عملیات بازسازی پالایشگاه از آنها استفاده شود.

حمله به چهار فاز مجتمع پارس جنوبی، ۲۷ اسفند ۱۴۰۴ شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) روز پنجشنبه ۱۳ فروردین ۱۴۰۴ گزارش داده که بر اساس اخبار دریافتی از همکاران در مجتمع گاز پارس جنوبی، مدیران نفت تحت فشار فرمانده‌های



## انسان به دورترین فاصله از زمین رسید؛ رکوردی تاریخی شکسته شد



در آن امکان‌پذیر نیست. به همین دلیل، ارتباط خدمه با مرکز کنترل مأموریت بطور برنامه‌ریزی شده برای حدود ۴۰ دقیقه قطع شد. این «سکوت ارتباطی» یکی از مراحل شناخته شده و اجتناب‌ناپذیر در مأموریت‌های مدار ماه به شمار می‌رود و پیشتر نیز در مأموریت‌های برنامه «آپولو» تجربه شده بود. در این مدت، فضاپیما به صورت کاملاً خودکار و با اتکا به سامانه‌های ناوبری و کنترل داخلی به مسیر خود ادامه می‌دهد تا پس از خروج از پشت ماه، ارتباط دوباره برقرار شود. پیش از این، رکورد دورترین فاصله انسان از زمین متعلق به مأموریت Apollo 13 در ۱۵ آوریل ۱۹۷۰ بود که فاصله ۲۴۸،۶۵۵ مایل (۴۰۰،۱۷۱ کیلومتر) از زمین رسیدند؛ رکوردی که بیش از ۵۵ سال پابرجا مانده بود.

فضاپیمای Orion در ادامه این مأموریت طی روزهای آینده به سمت زمین بازخواهد گشت و با ورود به جو، در اقیانوس آرام و در نزدیکی سواحل کالیفرنیا فرود خواهد آمد. این مأموریت، گامی مهم در برنامه بازگشت انسان به ماه محسوب می‌شود. بر اساس برنامه فعلی NASA، مأموریت Artemis III در سال ۲۰۲۷ برای آزمایش سامانه‌ها در مدار پایین زمین برنامه‌ریزی شده و مأموریت Artemis IV در ادامه مسیر، زمینه انجام فرود با سرنشین بر سطح ماه را فراهم خواهد کرد.

در نامگذاری این برنامه، NASA از اسطوره‌شناسی یونان باستان الهام گرفته است. «آرتمیس» نام الهه ماه و شکار در اساطیر یونانی و خواهر دوقلوی Apollo است. انتخاب این نام به صورت نمادین، ادامه‌ای بر برنامه «آپولو» در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ محسوب می‌شود که نخستین انسان‌ها را به ماه رساند. در واقع، همانگونه که «آپولو» نماینده نسل اول اکتشافات با سرنشین در ماه بود، «آرتمیس» به عنوان خواهر او، نماد بازگشت انسان به ماه در قرن ۲۱ است. ناسا همچنین تأکید کرده که در قالب این برنامه، برای نخستین بار یک زن و همچنین افراد متنوع‌تری از فضاوردان به ماه اعزام خواهند شد؛ موضوعی که نشان‌دهنده تغییر رویکرد در عصر جدید اکتشافات فضایی است.

● فضاپیماي Orion در مأموریت Artemis II روز دوشنبه ۶ آوریل ۲۰۲۶ حوالی عصر به وقت شرق آمریکا (EDT) از رکورد پیشین عبور کرد و سپس در ساعات پایانی همان روز، به بیشترین فاصله خود از زمین، یعنی ۲۵۲،۷۵۶ مایل (حدود ۴۰۶،۸۰۰ کیلومتر) رسید؛ فاصله‌ای که بیشترین میزان دور شدن انسان از زمین در تاریخ به شمار می‌رود.

● پیش از این، رکورد دورترین فاصله انسان از زمین متعلق به مأموریت Apollo 13 در ۱۵ آوریل ۱۹۷۰ بود که طی آن فضاوردان به فاصله ۲۴۸،۶۵۵ مایل (۴۰۰،۱۷۱ کیلومتر) از زمین رسیدند؛ رکوردی که بیش از ۵۵ سال پابرجا مانده بود.

● در نامگذاری این برنامه، NASA از اسطوره‌شناسی یونان باستان الهام گرفته است. «آرتمیس» نام الهه ماه و شکار در اساطیر یونانی و خواهر دوقلوی Apollo است. انتخاب این نام به صورت نمادین، ادامه‌ای بر برنامه «آپولو» در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ محسوب می‌شود که نخستین انسان‌ها را به ماه رساند.

فضاپیمای Orion در مأموریت Artemis II، برای نخستین بار پس از بیش از پنج دهه، رکورد سفر انسان به دورترین فاصله از سیاره زمین را شکست.

این فضاپیما که اول آوریل ۲۰۲۶ توسط NASA از مرکز فضایی کندی در فلوریدا پرتاب شده بود، با چهار فضاورد شامل رید وایزمن، ویکتور گلاور، کریستینا گُخ و جرمی هنسن، در جریان یک مأموریت حدوداً ۱۰ روزه به دور ماه، رکورد تاریخی فاصله از زمین را جابجا کرد. فضاپیماي Orion در روز دوشنبه ۶ آوریل ۲۰۲۶ حوالی عصر به وقت شرق آمریکا (EDT) از رکورد پیشین عبور کرد و سپس در ساعات پایانی همان روز، به بیشترین فاصله خود از زمین، یعنی ۲۵۲،۷۵۶ مایل (حدود ۴۰۶،۸۰۰ کیلومتر) رسید؛ فاصله‌ای که بیشترین میزان دور شدن انسان از زمین در تاریخ به شمار می‌رود.

این نقطه در سمت دور ماه (far side) قرار دارد؛ ناحیه‌ای از ماه که همواره رو به دور از زمین است و به دلیل قرار گرفتن خود ماه میان فضاپیما و زمین، ارتباط مستقیم رادیویی

→ ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، خواستار حضور حداکثری کارگران پالایشگاه‌های مپاران شده در جنگ شده‌اند. این نهاد صنفی افزوده بر این اساس کارگران موظف به حضور در محل کار خود هستند تا جهت بازسازی و بازگشت به تولید بخش‌های قابل استفاده پالایشگاه‌های پارس جنوبی فعال شوند.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) تأکید کرده این اجبار به کار کارگران پالایشگاه‌های گاز پارس جنوبی در حالی که علاوه بر شرایط غیر قابل پیش‌بینی جنگ جان همکاران را با خطر مواجه می‌نماید، خطر آلودگی زیست محیطی به دلیل نشت سیالات و گازهای سمی از خطوط لوله و تجهیزات آسیب دیده نیز جان کارگران این مجموعه را تهدید می‌کند.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) نوشته ضمن محکوم نمودن اینگونه اقدامات زورگویانه توسط مدیران نفت و همچنین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌عنوان عامل اصلی تحمیل شرایط به کارگران، خواستار توقف فوری اینگونه زورگویی‌ها و به‌کارگیری اجباری کارگران در شرایط جنگی و پر خطر شده است.

این نهاد صنفی همچنین از کلیه رسانه‌ها و تشکل‌ها و نهادهای مدنی و اجتماعی خواستار رسیدگی به وضعیت این کارگران و انتقال صدای آنان به نهادهای حقوق بشری و بین‌المللی شده است.

حدود ساعت ۱۴ روز چهارشنبه ۲۷ اسفندماه ۱۴۰۴ تأسیسات گاز پارس جنوبی در استان بوشهر هدف مپاران قرار گرفت. ساعاتی پس از این حمله فرماندار عسلیوبه اعلام کرد در این حملات فازهای ۳، ۴، ۵ و ۶ پارس جنوبی در عسلیوبه هدف قرار گرفته و آسیب دیده است.

کارگران شاغل در شرکت‌های پیمانکاری پارس جنوبی در حالی اسفندماه گذشته با مپاران محل کار و فشار امنیتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای حضور در محل کار در شرایط جنگ روبرو هستند که در دی‌ماه نیز شماری از این کارگران به علت حضور در اعتراضات دی ۴۰۶ با شدیدترین فشارهای قضایی و امنیتی روبرو شده و همچنان خبر روشنی از سرنوشت آنها در دست نیست.

«اتحادیه آزاد کارگران ایران» اواخر بهمن و دو هفته پیش از آغاز جنگ گزارش داد صدها کارگر معترض منطقه عسلیوبه که در اعتراضات اخیر بازداشت شدند در سوله‌های وابسته به قرارگاه خاتم الانبیاء سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بدون کمترین امکانات نگهداری و امکان ملاقات با آنها به خانواده‌ها داده نمی‌شود.

در همین رابطه حسین رئیس، حقوقدان و استاد حقوق بشر، نیز در شبکه «ایکس» نوشت: «صدها کارگر در کنگان بازداشت شده و در سوله‌های موسسه عمران ساحل، وابسته به سپاه، در شرایط غیرانسانی و بدون امکانات نگهداری می‌شوند. جان همه کارگران در خطر است و در روزهای نخست، دست‌کم پنج کارگر بر اثر شکنجه جان باختند.»

همزمان یکی از فعالان کارگری منطقه عسلیوبه در اینباره به وبسایت «ایران وایر» گفته «این کارگران که عمدتاً در پروژه‌های موسسه عمران ساحل وابسته به قرارگاه خاتم‌الانبیاء کار می‌کردند پس از برگزاری یک تجمع اعتراضی؛ در حال هماهنگی برای تدارک یک اعتصاب گسترده بودند که توسط سپاه پاسداران بازداشت و همگی به سوله‌های قرارگاه خاتم‌الانبیاء منتقل و در آنجا نگهداری می‌شوند.»

به گفته این فعال کارگری تنها ۳۰ نفر از کارگران بازداشت‌شده که کارگر فنی ماهر بوده‌اند با وثیقه‌های سنگین آزاد شدند اما صدها کارگر دیگر همچنان در بازداشت هستند.

## قیمت نفت برنت تحویل فوری به بیش از ۱۲۴ دلار رسید؛ التهاب در بازارها به علت شکننده بودن آتش‌بس میان جمهوری اسلامی و آمریکا



زیرساخت‌ها در کشورهای حوزه خلیج فارس همچنان با اختلال روبرو باشد.

در همین رابطه شیخ نواف سعود ناصر الصباح مدیر عامل شرکت نفت کویت اعلام کرده «بازگشت کامل تولید نفت کشورهای خلیج فارس به سطح پیش از جنگ، دست‌کم چهار ماه زمان می‌برد.»

او همچنین درباره ادامه جنگ در خاورمیانه هشدار داده و گفته «تداوم این وضعیت بر جریان سوخت و کودهای شیمیایی تأثیر گذاشته و می‌تواند منجر به کمبود غذا و افزایش مخاطرات امنیتی شود.»

با وجود کاهش قیمت، بازار همچنان به تحولات سیاسی وابسته است و تنگه هرمز مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در قیمت جهانی نفت محسوب می‌شود.

موسسه تحقیقات نومورا در ژاپن اعلام کرد چشم‌انداز روشنی برای افزایش عرضه نفت خام وجود ندارد و در عین حال، خطر شکست مذاکرات آتش‌بس مشروط جمهوری اسلامی و آمریکا همچنان پابرجاست.

مؤسسات مالی سناریوهای متفاوتی از نفت ۷۰ دلاری تا ۲۰۰ دلاری مطرح کرده‌اند و هشدار داده‌اند بازگشت تنش‌ها می‌تواند به تورم، کاهش رشد اقتصادی و حتی رکود جهانی منجر شود.

اینهمه در حالیست که ساعتی پس از اعلام آتش‌بس میان جمهوری اسلامی و آمریکا، اخباری درباره حملات به مراکز نظامی در بوشهر و تأسیسات نفتی در سیری و لاوان در ایران و در مقابل حملاتی به برخی تأسیسات در دبی و عربستان سعودی از سوی جمهوری اسلامی منتشر شد.

این روند در کنار اظهارات مقامات جمهوری اسلامی و ایالات متحده نشان می‌دهد همچنان ریسک پایان آتش‌بس و آغاز دوباره حملات نظامی در خاورمیانه بالا است؛ موضوعی که بهبود وضعیت بازارهای جهانی در دوره آتش‌بس را با چالش روبرو کرده است.

شدند اما ساعاتی بعد و با نمایان شدن آثار شکننده بودن آتش‌بس، قیمت نفت با صعودی بی‌سابقه به بیش از ۱۲۴ دلار در هر بشکه افزایش یافت.

قیمت هر بشکه نفت برنت دریای شمال برای تحویل فوری به ۱۲۴ دلار و ۶۸ سنت رسیده است. این قیمت حدود ۳۰ دلار بالاتر از قرارداد آتی برنت برای ماه ژوئن است که در روز چهارشنبه در محدوده ۹۴ دلار و ۷۵ سنت بسته شد.

در معاملات روز چهارشنبه به وقت آمریکای شمالی قیمت نفت خام وست تگزاس اینترمدیت آمریکا نیز با بیش از ۱۸ دلار کاهش به ۹۴ دلار و ۴۱ سنت در هر بشکه رسید. قیمت نفت برای «تحویل فوری» در حالی افزایش یافته که از بامداد روز چهارشنبه ۱۹ اسفندماه و همزمان با اعلام خبر آتش‌بس موقت و دو هفته‌ای میان جمهوری اسلامی و آمریکا قیمت هر بشکه نفت برنت با کاهش حدود ۱۹ دلاری در به زیر ۱۰۰ دلار در هر بشکه رسید.

قیمت جهانی نفت برنت برای تحویل در ماه‌های آینده همچنان در کانال ۹۶ دلار برای هر بشکه قرار دارد. قیمت هر بشکه نفت وست تگزاس اینترمدیت آمریکا برای تحویل در ماه‌های آینده نیز ۹۷ دلار و ۴۸ سنت است.

تحلیلگران بازار نفت معتقدند اختلاف میان قیمت نفت تحویل فوری و تحویل در ماه ژوئن به علت باور معامله‌گران از شکننده بودن آتش‌بس میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی است؛ به بیان دیگر همچنان ریسک اقتصادی ناشی از جنگ با وجود آتش‌بس پایین ارزیابی نمی‌شود و تحلیلگران باور دارند ترس از تداوم کمبود عرضه نفت در هفته‌های پیش‌رو تعیین‌کننده قیمت‌های فزاینده است.

از سوی دیگر حتی در صورت تداوم آتش‌بس و بروز توافق احتمالی میان آمریکا و جمهوری اسلامی، خسارت‌های وارد شده به زیرساخت‌های انرژی در طول ۴۰ روز جنگ تمام عیار سبب می‌شود عرضه نفت برای مدتی و تا بازسازی

قیمت هر بشکه نفت برنت دریای شمال برای تحویل فوری به ۱۲۴ دلار و ۶۸ سنت رسیده است. این قیمت حدود ۳۰ دلار بالاتر از قرارداد آتی برنت برای ماه ژوئن است که در روز چهارشنبه در محدوده ۹۴ دلار و ۷۵ سنت بسته شد.

قیمت جهانی نفت برنت برای تحویل در ماه‌های آینده همچنان در کانال ۹۶ دلار برای هر بشکه قرار دارد. قیمت هر بشکه نفت وست تگزاس اینترمدیت آمریکا برای تحویل در ماه‌های آینده نیز ۹۷ دلار و ۴۸ سنت است.

تحلیلگران بازار نفت معتقدند اختلاف میان قیمت نفت تحویل فوری و تحویل در ماه ژوئن به علت باور معامله‌گران از شکننده بودن آتش‌بس میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی است.

همچنان ریسک اقتصادی ناشی از جنگ با وجود آتش‌بس پایین ارزیابی نمی‌شود و تحلیلگران باور دارند ترس از تداوم کمبود عرضه نفت در هفته‌های پیش‌رو تعیین‌کننده قیمت‌های فزاینده است.

در صورت تداوم آتش‌بس و بروز توافق احتمالی میان آمریکا و جمهوری اسلامی، خسارت‌های وارد شده به زیرساخت‌های انرژی در طول ۴۰ روز جنگ تمام عیار سبب می‌شود عرضه نفت برای مدتی و تا بازسازی زیرساخت‌های انرژی در کشورهای حوزه خلیج فارس همچنان با اختلال روبرو باشد.

شیخ نواف سعود ناصر الصباح مدیر عامل شرکت نفت کویت اعلام کرده «بازگشت کامل تولید نفت کشورهای خلیج فارس به سطح پیش از جنگ، دست‌کم چهار ماه زمان می‌برد.»

در حالیکه ساعتی پس از اعلام آتش‌بس موقت و دو هفته‌ای میان جمهوری اسلامی و ایالات متحده قیمت جهانی نفت کاهش یافت و بازارهای جهانی با رشد روبرو

# گفتگوی ویژه «کیهان لندن»؛ روایت یک روحانی منتقد از زندگی و مسیر سیاسی مجتبی خامنه‌ای



می‌کند که این افشاگری‌ها می‌تواند برایش هزینه‌ساز باشد؛ چرا که پیش‌تر نیز از سوی مأموران جمهوری اسلامی در خارج از کشور تهدید شده و بازتاب این تهدیدها در برخی رسانه‌های بریتانیا، از جمله «تایمز» لندن، منعکس شده است. آنچه در ادامه می‌آید، متن این گفت‌وگوست؛ گفت‌وگویی که در آن خوش‌بینان مجموعه‌ای از ادعاها و روایت‌ها را درباره زندگی خصوصی، سوابق حوزوی، حلقه نزدیکان و مسیر شکل‌گیری تفکرات سیاسی مجتبی خامنه‌ای مطرح می‌کند.

## ● آقای خوش بیان از زندگی خصوصی، تحصیلات و گرایش جنسی مجتبی خامنه‌ای چه اطلاعاتی دارید؟

مجتبی فرزند دوم علی خامنه‌ای، پس از مصطفی، است. مجتبی با میثم برادر کوچک‌ترش خیلی صمیمی بود اما با مادر و خواهرانش رابطه خوبی نداشت. او با پدرش هم خیلی مانوس بود. با مصطفی برادر بزرگ‌ترش هم موافق نبود و با هم اختلاف‌نظرهایی داشتند چون مصطفی با برخی رفتارها و رویکردهای مجتبی موافق نبود. البته آنها همه جانی هستند، نمی‌توان آنها را تطهیر کرد چون بزرگ شده مکتب خامنه‌ای هستند.

مجتبی خامنه‌ای مثل ما که در دبیرستان درس خواندیم تا دیپلم تحصیل نکرد. او علوم حوزوی را شروع کرد چون علی خامنه‌ای برخلاف اینکه نشان می‌داد طرفدار دانشگاهی‌هاست همچون بدنه رژیم جمهوری اسلامی با دانشگاه مشکل داشت و هیچ‌یک از فرزندان او تحصیلات دانشگاهی نداشتند.

مجتبی خامنه‌ای ابتدا خواندن سطح از دروس مدارس مذهبی را شروع کرد؛ همان زمان، ارتباط مجتبی خامنه‌ای با م. الف. پسر شیخ ح. الف. فاش شد. ح. الف. آخوند مبری است که تا این اواخر طرفدار رژیم بود الان به نوعی منتقد شده و سکوت کرده است. مجتبی خامنه‌ای و پسر شیخ ح. الف. طلبه مدرسه آیت‌الله مجتهدی در تهران بودند و چون طلبه مدرسه آیت‌الله مجتهدی در شعبه قم بودم از ←



محمد خوش‌بیان

در پی انتشار این گزارش و بازتاب گسترده آن در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های بین‌المللی، نام مجتبی خامنه‌ای بار دیگر در کانون توجه قرار گرفت؛ چهره‌ای که سال‌هاست در سایه قدرت عمل می‌کند و نامش در تحلیل‌ها و گزارش‌های مختلف با سرکوب اعتراضات، نفوذ در شبکه‌های امنیتی و نقش‌آفرینی در تصمیم‌سازی‌های پشت‌پرده گره خورده است.

محمد خوش‌بیان روحانی منتقد جمهوری اسلامی که به گفته خودش، تحصیلات حوزوی را تا درجه اجتهاد پی گرفته و به دلیل مواضع انتقادی علیه علی خامنه‌ای و سیاست‌های جمهوری اسلامی، بازداشت، شکنجه و پس از مصادره اموال، ناچار به ترک ایران شده است. محمد خوش‌بیان، نوه آیت‌الله سید محمدرضا مدرسی و نبیره دختری مرجع تقلید سید عبدالاعلی سبزواری، می‌گوید پس از انتشار مطلب اخیر در «نیویورک پست» جزئیات بیشتری از آنچه درباره مجتبی خامنه‌ای می‌داند، با افکار عمومی و مخاطبان «کیهان لندن» در میان می‌گذارد.

به گفته خوش‌بیان، انگیزه او از طرح این مطالب، آگاه‌تر شدن مردم ایران نسبت به فردی است که اکنون در رأس هرم قدرت قرار گرفته و شناخت زندگی شخصی، پیشینه فکری و روابط او را از منظر منافع عمومی ضروری می‌سازد. او تأکید

● محمد خوش‌بیان روحانی منتقد جمهوری اسلامی در گفتگو با «کیهان لندن» می‌گوید: «مجتبی با میثم برادر کوچک‌ترش خیلی صمیمی بود اما با مادر و خواهرانش رابطه خوبی نداشت. او با پدرش هم خیلی مانوس بود. با مصطفی برادر بزرگ‌ترش هم موافق نبود و با هم اختلاف‌نظرهایی داشتند چون مصطفی با برخی رفتارها و رویکردهای مجتبی موافق نبود.»

● «مجتبی به سطح دوم حوزه نرسیده بود که خبرهای ارتباطات جنسی او بین رؤسای حوزه‌های علمیه و محصلان این دو مدرسه پخش شد و در محافل حوزوی گفته می‌شد که او «اهل همجنس‌بازی» است و در نهایت هم هرگز به درجه اجتهاد نرسید.»

● «در نگاه برخی حوزوی‌ها سن بالای مجتبی هنگام ازدواج هم به خاطر همجنس‌گرایی او بوده است. زمانی که در قم بودم باخبر شدم دو سه بار اختلافات بسیار شدیدی با همسر و خانواده همسرش پیدا کرد که گفته می‌شد این اختلافات هم به علت علائق همجنس‌گرایانه مجتبی بوده است.»

● «روحانیون نزدیک به حکومت، از جمله «ح. ن. ه.»، «ن. م. ش» و همچنین «م. ت. م» که از استادان مورد تأثیر مجتبی خامنه‌ای معرفی می‌شود، با طرح این موضوع مشکلی نداشتند و اگر بحثی در این باره پیش می‌آمد، تلاش می‌کردند آن را کم‌اهمیت جلوه دهند.»

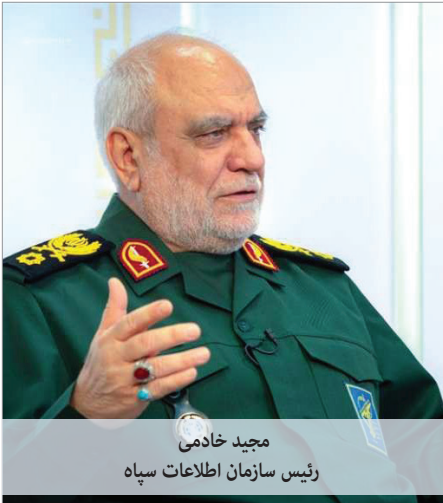
● «تفکرات سیاسی مجتبی خامنه‌ای زمانی به صورت جدی شکل گرفت که به شاگردی محمود هاشمی شاهرودی درآمد، شاهرودی رئیس سابق قوه قضاییه و یکی از اعضا و مسئولین حزب‌الدعوه عراق بود؛ حزبی که مسئول پب‌گذاری و چند عملیات تروریستی در لبنان و لندن بود. از سوی دیگر مجتبی خامنه‌ای به شدت تحت تأثیر تفکرات محمد تقی مصباح یزدی بود.»

● «مجتبی خامنه‌ای برخلاف پدرش اهل بده بستان بود. برای مثال خامنه‌ای می‌تواند اکر هاشمی رفسنجانی جایش را بگیرد و او را حذف کرد ولی مجتبی برخلاف پدرش، با فائزه، مهدی و محسن هاشمی ارتباط داشت و اعتقاد داشت برای بقای حکومت، باید همه اطرافیان را نگه داشت.»

فیروزه نوردستروم - در پی بازتاب ادعاهای تازه درباره مجتبی خامنه‌ای از سوی رئیس جمهوری ایالات متحده و بازتاب در شبکه‌های اجتماعی و شماری از رسانه‌ها و نهادهای خبری بین‌المللی، «کیهان لندن» در گفت‌وگو با محمد خوش‌بیان، روحانی منتقد جمهوری اسلامی، روایتی از زندگی شخصی، سوابق حوزوی و شکل‌گیری تفکرات سیاسی او را بررسی می‌کند.

۹ روز پس از کشته شدن علی خامنه‌ای، رهبر دوم جمهوری اسلامی، مجلس خبرگان رهبری، مجتبی خامنه‌ای را به عنوان رهبر سوم جمهوری اسلامی معرفی کرد. یک هفته پس از این معرفی، روز دوشنبه ۱۶ مارس (۲۵ اسفند ۱۴۰۴)، روزنامه «نیویورک پست» گزارش داد که دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا با اطلاع از ارزیابی منتسب به نهادهای اطلاعاتی ایالات متحده مبنی بر اینکه مجتبی خامنه‌ای، رهبر جدید جمهوری اسلامی، «ممکن است همجنس‌گرا باشد»، ابراز شگفتی کرده است.

## مجید خادمی رئیس سازمان اطلاعات سپاه (ساس) کشته شد



مجید خادمی  
رئیس سازمان اطلاعات سپاه

● سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز دوشنبه ۱۷ فروردین ۱۴۰۵ در بیانیه‌ای اعلام کرد سردار پاسدار مجید خادمی رئیس سازمان اطلاعات سپاه (ساس) کشته شده است. در این بیانیه از خادمی به عنوان «رئیس مقتدر و فرهیخته» سازمان اطلاعات سپاه یاد شده است. برخی منابع گفته‌اند وی بامداد دوشنبه ۱۷ فروردین ۱۴۰۵ کشته شده است.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز دوشنبه ۱۷ فروردین ۱۴۰۵ در بیانیه‌ای اعلام کرد سردار پاسدار مجید خادمی رئیس سازمان اطلاعات سپاه (ساس) کشته شده است. در این بیانیه از خادمی به عنوان «رئیس مقتدر و فرهیخته» سازمان اطلاعات سپاه یاد شده است.

زمان هدف قرار گرفتن خادمی و محل دقیق آن مشخص نیست اما برخی منابع گفته‌اند بامداد دوشنبه ۱۷ فروردین ۱۴۰۵ کشته شده است.

طی چهار هفته جنگ، تعداد زیادی از فرماندهان ارشد و میانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی کشته و زخمی شدند اما رسانه‌های حکومتی با سازمان‌های نظامی از جمله سپاه و ارتش با تأخیر خبر مرگ آنها را اعلام می‌کنند.

پیش از این علیرضا تنگسیری فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران و محمدعلی نائینی سخنگوی سپاه نیز کشته شده بودند.

هشت ماه پیش، مدتی پس از جنگ ۱۲ روزه، خادمی در مراسم چهارم فرماندهان کشته‌شده‌ی این نهاد با تأکید بر آمادگی جمهوری اسلامی برای درگیری نظامی، جمهوری اسلامی را «صلح‌طلب جنگ‌بلد» توصیف کرده بود!

او گفته بود، «از جنگ آموخته‌های بسیار خوبی داریم و در صورت وقوع جنگ، حتما دشمن را سر جای خود خواهیم نشاندد».

اینکه در اوج جنگ رئیس قدرتمندترین نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی هدف قرار بگیرد، ضربه بزرگی به نظام محسوب می‌شود.

به حلقه مجتبی خیلی نزدیک کرده بود به طوری که چندین ملک در انگلستان خرید و به مجتبی خامنهای هدیه داد. مجتبی هم آن زمان به او مافیای آرد و شکر را داده بود. «س.م.» در سال ۸۸ گفته بود اگر یک میلیون معترض به خیابان‌ها بیایند باید از این یک میلیون ۲۰ هزار نفر کشته شوند! به جز «س.م.»، بخش امنیتی حلقه مجتبی خامنهای، «الف.خ.» بود که به مجتبی خامنهای خیلی نزدیک بود. یکی از کسانی که در فجاجی جمهوری اسلامی دست داشت، او هم بیشتر کارها و مقدمات روابط جنسی را برای مجتبی خامنهای فراهم می‌کرد. مجتبی خامنهای به خطیب دستور می‌داد مراجعی که مخالف همجنسگرایی او بودند را وادار به سکوت کند.

۲۳ سال پیش خانه مسکونی من نزدیک خانه شخصی و محرمانه مجتبی خامنهای در قم قرار داشت. پس از تلاش نهادهای امنیتی برای تطمیع مالی من، مجتبی خامنهای هم تلاش کرد مرا به محافل سیاسی خود دعوت کند. از طرف او دو بار به آن خانه محرمانه دعوت شدم. در یکی از این ملاقات‌ها که بساط مواد مخدر سنتی [تریاک] و بهترین تنقلات و میوه‌های فصلی پهن بود، نوجوان کم سن و سالی را برای ملاقات با مجتبی خامنهای آوردند. او همان موقع سریع با من خداحافظی کرد. به روی خودم نیاوردم ولی حدس زدم چرا مرا از خانه خود بیرون کرد. من اما همچنان در محافل منبری خودم خامنهای و سیاست‌هایش را مورد انتقاد شدید قرار می‌دادم و آنها هم نتوانستند مرا تطمیع کنند، در نهایت پس از تحمل شکنجه بدنی شدید و زندان، مجبور به خروج از کشور شدم.

### ● تفکرات سیاسی مجتبی خامنهای از چه زمانی شکل گرفت؟

تفکرات سیاسی مجتبی خامنهای زمانی به صورت جدی شکل گرفت که به شاگردی محمود هاشمی شاهرودی درآمد، شاهرودی رئیس سابق قوه قضاییه و یکی از اعضا و مسئولین حزب‌الدعوه عراق بود؛ حزبی که مسئول مپ‌گذاری و چند عملیات تروریستی در لبنان و لندن بود. از سوی دیگر مجتبی خامنهای به شدت تحت تأثیر تفکرات محمد تقی مصباح یزدی بود. مصباح یزدی در کتاب اعتقادات خود، تلویحا و گاه با تأکید به کشتار مردم بیگناه برای حفظ و رسیدن به اهداف رژیم اشاره می‌کند یا ترورهای خارج از کشور را پوشش شرعی داده است. مجتبی خامنهای در این مکتب، سرکوب‌گتر و خشن‌تر از پدرش شده بود؛ این مکتب متفاوت از آموزش‌های عملی و تربیتی پدرش بود. از سوی دیگر مجتبی خامنهای برخلاف پدرش اهل بده بستان بود. برای مثال خامنهای می‌ترسید اکر هاشمی رفسنجانی جایش را بگیرد و او را حذف کرد ولی مجتبی برخلاف پدرش، با فائزه، مهدی و محسن هاشمی ارتباط داشت و اعتقاد داشت برای بقای حکومت، باید همه اطرافیان را نگه داشت.»

### ● توضیح تحریریه:

ادعاهای مطرح‌شده در این گزارش، در چارچوب بازتاب مطالبی است که پیش‌تر در حوزه عمومی، از جمله در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌هایی مانند Sky News Aus، tralia، APT، The Times، The Times of Israel، The Mirror و Spectator، Fox News منتشر شده‌اند. کیهان لندن با هدف تأمین حق دسترسی مخاطبان به اطلاعات و با در نظر گرفتن اهمیت عمومی موضوع، این مطالب را در قالب گفت‌وگو با یک منبع مطلع بازتاب می‌دهد. مسئولیت اظهارات نقل‌شده در این مصاحبه بر عهده مصاحبه‌شونده است.

➔ این موضوع باخبر شدم. شعبه اصلی این مدرسه در تهران بود، اوایل دهه ۷۰، روزهای تحصیل مجتبی خامنهای در مدرسه آیت الله مجتهدی شعبه تهران، مدیر مدرسه از موضوع رابطه جنسی مجتبی خامنهای و م. الف. پسر شیخ ح. الف. با خبر شد. مدیر مدرسه این دو را محترمانه از مدرسه اخراج کرد. مجتبی خامنهای مجبور شد به قم برود. از م. الف. خبر ندارم که چه کار کرد ولی مجتبی به سطح دوم حوزه نرسیده بود که خبرهای ارتباطات جنسی او بین رؤسای حوزه‌های علمیه و محصلان این دو مدرسه پخش شد و در محافل حوزوی گفته می‌شد که او «اهل همجنس‌بازی» است و در نهایت هم هرگز به درجه اجتهاد نرسید.

### ● آیا نزدیکان و علی خامنهای از این موضوع باخبر بودند؟

بحث رابطه جنسی غیرمتعارف برای علی خامنهای کاملا قابل هضم بود. کما این که وقتی در محلات به منبر می‌رفتم اوایل سال ۱۳۹۰ یک پژوهشگر مخالف رژیم که مرا برای سخنرانی دعوت کرده بود. به من گفت رفتم تحقیق کردم می‌خواستم برابرم ثابت شود و شبهه نباشد؛ و سپس نام کسانی را برد که با علی خامنهای وقتی او نوجوان بوده ارتباط جنسی داشتند. او که یکی از آنها را که آن زمان خیلی پیر شده بود پیدا کرده بود. او به مستندات رسیده بود که علی خامنهای هم چنین روابطی داشته است و تفکرات مجتبی خامنهای در این زمینه به پدرش نزدیک بوده است. مجتبی خامنهای اوایل دهه ۷۰ در ۲۸ سالگی به واسطه علی اصغر حجازی با دختر ۱۸ ساله حداد عادل ازدواج کرد. در دیدگاه حوزویان این سن، سن بالایی برای ازدواج یک طلبه است چون همواره در متون حوزوی تأکید می‌شود طلبه‌ها زود ازدواج کنند که به خطا و انحراف نیافتند. به هر حال در نگاه برخی حوزوی‌ها سن بالای مجتبی هنگام ازدواج هم به خاطر همجنسگرایی او بوده است. زمانی که در قم بودم باخبر شدم دو سه بار اختلافات بسیار شدیدی با همسر و خانواده همسرش پیدا کرد که گفته می‌شد این اختلافات هم به علت علائق همجنس‌گرایانه مجتبی بوده است.

### ● واکنش روسای حوزه‌های علمیه به این موضوع چه بود؟

یک حوزه علمیه سیاسی داریم و یک حوزه علمیه مخالف دخالت دین در سیاست، به قول امروز‌ها سکولار؛ روحانیون نزدیک به حکومت، از جمله «ح. ن. ه.»، «ن. م. ش.» و همچنین «م. ت. م.» که از استادان مورد تأثیر مجتبی خامنهای معرفی می‌شود، با طرح این موضوع مشکلی نداشتند و اگر بحثی در این باره پیش می‌آمد، تلاش می‌کردند آن را کم‌اهمیت جلوه دهند. در مجالس خصوصی خود می‌گفتند او که معصوم نیست هر انسانی اشتباه می‌کند. حالا اگر یک فرد عادی مرتکب این کار شود ۹۹ درصد اعدامش می‌کنند اما اکنون مجتبی به رهبری جمهوری اسلامی هم رسیده، ولی علمای سکولار که معذورم اسم آنها را ببرم، گاه پیام‌هایی به پدرش می‌دادند چون می‌ترسیدند عموم مردم از موضوع باخبر شوند ولی آنها را به مصادره اموال و بستن حساب‌های بانکی آنها تهدید می‌کردند.

### ● دوستان و حلقه نزدیک اطراف مجتبی خامنهای چه کسانی هستند؟

دوستان مجتبی خامنهای به دو بخش تقسیم می‌شوند؛ بخشی که دو سه نفر بیشتر نبودند، نوجوانان طلبه را برای مجتبی خامنهای می‌آوردند تا با آنها ارتباطات جنسی داشته باشد. یکی از آنها «س.م.» بود. البته با اسم اصلی سعیدرضا، او و خانواده‌اش کارخانه لوازم آرایشی در ساوه داشتند که بعد پدرش کارخانه را ورشکسته اعلام کرد. «س.م.» خود را

## اخراج کاردار سفارت جمهوری اسلامی از آرژانتین



کاردار سفارت جمهوری اسلامی و همسرش در خرس عروسی در فرودگاه بوئنس آیرس

● کاردار سفارت جمهوری اسلامی در آرژانتین که با اولتیماتوم دولت این کشور اخراج شده بود به همراه خانواده اش بوئنس آیرس را ترک کرد. در همین ارتباط روز یکشنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۵ تصویری از محسن سلطانی تهرانی و خانواده اش در فرودگاه منتشر شد.

● وزارت خارجه آرژانتین اعلام کرده بود در پی «اتهامات نادرست، توهین آمیز و نامناسب» نسبت به این کشور که در بیانیه اخیر وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران درج شده محسن سلطانی تهرانی، کاردار ایران را اخراج کرده است.

● در این بیانیه، کاردار سفارت جمهوری اسلامی «عنصر نامطلوب» خوانده شد و به او ۴۸ ساعت فرصت داده شد تا آرژانتین را ترک کند.

کاردار سفارت جمهوری اسلامی در آرژانتین که با اولتیماتوم دولت این کشور اخراج شده بود به همراه خانواده اش بوئنس آیرس را ترک کرد. در همین ارتباط روز یکشنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۵ تصویری از محسن سلطانی تهرانی و خانواده اش در فرودگاه منتشر شد.

وزارت خارجه آرژانتین اعلام کرده بود در پی «اتهامات نادرست، توهین آمیز و نامناسب» نسبت به این کشور که در بیانیه اخیر وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران درج شده محسن سلطانی تهرانی، کاردار ایران را اخراج کرده است.

در این بیانیه، کاردار سفارت جمهوری اسلامی «عنصر نامطلوب» خوانده شد و به او ۴۸ ساعت فرصت داده شد تا آرژانتین را ترک کند.

دولت آرژانتین سه شنبه ۱۱ فروردین ۱۴۰۵ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به عنوان یک «سازمان تروریستی» معرفی کرد. یک روز بعد در روز ۱۲ فروردین سال جاری وزارت خارجه ایران طی بیانیه ای به این اقدام واکنش نشان داد. در این بیانیه این اقدام دولت آرژانتین «غیرقانونی و ناموجه» و «اتهام زنی به سپاه» و «خلاف عرف و حقوق بین الملل» شناخته شد.

## گفتگو با دکتر سارا ثابت؛ پرونده شکایت علیه جمهوری اسلامی به دادگاه کیفری بین المللی ICC



ویدئو

این گفتگو به منظور آشنایی خانواده های دادخواه و آسیب دیدگان سرکوب خونین حکومتی اعتراضات دی ماه ۱۴۰۴ و پرونده شکایت علیه جمهوری اسلامی در دادگاه کیفری بین المللی یا ICC، انجام گرفته است.

پرونده شکایتی که به همت جمعی از برجسته ترین حقوقدانان و کنشگران سیاسی ایرانی برون مرز IAILPA، تهیه و تنظیم شده و هیچگونه حمایت مالی و سیاسی شامل آن نمی شود، و البته تمامی روند دریافت مدارک تا ثبت و رساندن به روز اجرای عدالت برای مراجعان، کاملا رایگان خواهد بود.

قربانیان سرکوب حکومتی اعتراضات دی ماه ۱۴۰۴ می توانند مدارک و اسناد خود را به این هیئت ارسال کنند. به گفته سخنگوی انجمن، دکتر سارا ثابت، اضافه شدن هر یک مورد و هر یک مدرک، گامی بزرگ در پیشبرد قضایی و حقوقی این پرونده در آینده ای نزدیک است.

وب سایت انجمن: [www.iailpa.org](http://www.iailpa.org)  
 ارسال مدارک به ایمیل انجمن: [info@iailpa.org](mailto:info@iailpa.org)

## مراسم نوروزی به یاد جاویدنامان ایران در «خیریه یاران»



ویدئو

یکی از پایگاه های اجتماعی جامعه مهاجران در شهر لندن، «باشگاه غیرانتفاعی بانوان یاران» و یا «خیریه یاران» است. این خیریه در روز نوزدهم مارس ۲۰۲۶، برابر با ۲۸ اسفند ۱۴۰۴، و یک روز قبل از فرارسیدن نوروز، میزبان اعضای خیریه و مهمانان ایرانی و خارجی بود تا در کنار اعضای شورای محلی منطقه بارنت، یادواره ای برای جاویدنامان انقلاب ملی شیروخورشید و مراسمی برای فرارسیدن فصل بهار و جشن نوروزی برپا کنند.

## آزادی بسیار نزدیک است

«آزادی هرگز داوطلبانه توسط فرد پیروز داده نمی‌شود؛ بلکه باید توسط ستمدیدگان مطالبه شود - مارتین لوتر کینگ جونیور»



شکل دیگر حضور در صحنه نبرد علیه استبداد در روزهای پیش از سقوط آن، توسل به شیوه‌های آسان از راه هنر و طنزهای زهرآگین است.

در آفریقای جنوبی، جنبش ضد آپارتاید، از «جبهه دموکراتیک متحد» استفاده کرد که چتر عظیمی از صدها سازمان مدنی محلی بود که توانایی حکومت را به سخره می‌گرفتند و دولت واقعا در برابر این موج مسخره‌گو، ناتوان و درمانده شده بود.

در داستان اعلام جانشینی مجتبی خامنه‌ای که در حاله‌ای از شایعات پیچیده شده بود و همچنان در پرده‌ی ابهام و تردید پیچیده است، مبارزان خوش ذوق با استفاده از رهبر مقوایی به تمسخر رژیم‌ی پرداختند که دروغ‌گویی‌اش درباره‌ی رهبر جدید بی‌دست و پا و فرورفته در گُما، سوژه‌ی تمسخر در دنیای مجازی شد. پیش از او پدرش نیز بدلیل غیبت طولانی‌اش بعد از جنگ‌های ۱۲ روزه، با عنوان «موشعلی» مورد تمسخر بود.

استبداد بر ترس متکی است. وقتی جمعیتی شروع به مسخره کردن رژیم می‌کند یا راه‌هایی برای دور زدن قوانین آن پیدا می‌کند (مانند شعارهای بالکنی در ایران)، «هاله شکست‌ناپذیری» در هم می‌شکند.

مسیر شکست دادن چنین رژیم‌هایی اغلب نیازمند ترکیبی از شجاعت شخصی و شکیبایی استراتژیک است. هدف، گذار از وضعیتی است که مردم در آن از ترس رژیم عبور می‌کنند، تا جایی که رژیم از مردم خود به وحشت دچار می‌شود، مانند وضعیت کنونی ایران که فرماندهان سپاه از وحشت اسارت به دست مردم، در مخفیگاه و مانند خفاشان در سیاهی بسر می‌برند. البته ترس از مرگ بدست نیروهای مهاجم نیز مزید بر علت است.

جین شارب، از دانشمندان پیشگام علوم سیاسی در آمریکا و بنیانگذار مؤسسه آلبرت انیشتین که بخاطر

به این ترتیب می‌بینیم که اعتصاب‌های کارگری «اکثریت خاموش» را به نیرویی فعال تبدیل می‌کند. اگر کارکنان بانک مرکزی و سایر بانک‌ها، پالایشگاه‌ها و بنادر از حرکت بایستند، قلب رژیم از تپش می‌ایستد. البته در هفته‌های اخیر مپاران‌های آمریکا بخش‌های مهمی از این عناصر را دچار ناکارآمدی کامل کرده و بزودی توقف توانایی صدور نفت از پایانه‌های نفتی جزیره خارگ این آسیب‌ها را تشدید و درآمدهای رژیم را به صفر نزدیک خواهد کرد.

در چنین وضعیتی است که تغییر از مقاومت مردمی متمرکز، به مقاومت غیرمتمرکز ضروری می‌شود.

در مورد ایران، وقتی مبارزه، مانند آنچه امروز در قامت یک رهبر و یک ستاد شکل گرفته است، رژیم نمی‌تواند بسادگی بر مرکز تصمیم‌گیری غلبه کند. در صحنه‌ی مقاومت اما، با توزیع «مبارزه» در هر محله و فضای دیجیتال ممکن، از شبکه‌های افقی و رهبران گروه‌ها استفاده می‌شود و نیروهای امنیتی بیش از حد تحت فشار قرار می‌گیرند و خسته می‌شوند. آنها نمی‌توانند همزمان در همه جا باشند.

وقتی هزینه‌ی اعتراضات خیابانی مرگ است، مقاومت اغلب به عرصه‌ی پایداری نمادین منتقل می‌شود. این امر به رژیم نشان می‌دهد که آنها ممکن است خیابان‌ها را کنترل کنند، اما ذهن مردم را نمی‌توانند کنترل کنند. بطور کلی بقای نهایی یک رژیم به تمایل قوای مسلح سرکوب برای کشیدن ماشه بستگی دارد. شکست کامل یک استبداد اغلب زمانی اتفاق می‌افتد که هزینه‌ی سرکوب بیشتر از هزینه‌ی نافرمانی برای سربازان بشود. هزینه‌های سرکوب در ایران، هر روز افزایش می‌یابد. طولی نخواهد کشید که حشدالشعبی‌های مزدور و فاطمیون مزدور و سایر مزدوران، سلاح‌ها و پست‌های خیابانی را رها کرده و راه فرار پیش خواهند گرفت چرا ایستادن در برابر امواج سهمگین انقلابیون خشمگین، به بهای مرگی زجرآور خواهد بود.

● از سکون فعلی در عرصه مبارزات خیابانی، نباید مایوس شد. وضعیت کنونی در ایران چیزی است که تحلیلگران آن را «وضعیت انقلابی فراگیر در میانه‌ی استبداد» می‌نامند.

● چه چیزی پیکارهای مدنی ایرانیان را متفاوت و دشوار می‌کند؟

● نباید فراموش کرد، مبارزه علیه رژیم‌ی که از طریق خشونت سیستماتیک قدرت را حفظ می‌کند، یکی از دشوارترین چالش‌هایی است که یک جامعه می‌تواند با آن روبرو شود. تاریخ نشان می‌دهد که شکست دادن یک استبداد بی‌رحم بندرت از طریق یک رویداد یگانه اتفاق می‌افتد، بلکه از طریق فرسایش ستون‌های حمایتی رژیم حاصل می‌شود.

● وقتی هزینه‌ی اعتراضات خیابانی مرگ است، مقاومت اغلب به عرصه‌ی پایداری نمادین منتقل می‌شود. این امر به رژیم نشان می‌دهد که آنها ممکن است خیابان‌ها را کنترل کنند، اما ذهن مردم را نمی‌توانند کنترل کنند.

● استبدادها به تصویری «جدی» از قدرت مطلق متکی هستند. وقتی از طنز یا پوچ‌گرایی استفاده می‌کنید، رژیم را به یک «دوراهی» سوق می‌دهید: اگر شما را بخاطر چیزی مسخره دستگیر کنند، ضعیف و احمق بنظر می‌رسند.

● ایران امروز در مرحله‌ای خطرناک اما از نظر تاریخی بسیار آشنا قرار دارد: رژیم بسیار ضعیف‌تر از گذشته است و رهبری خود را بطرز جبران‌ناپذیری از دست داده است. همبستگی جامعه منسجم‌تر از قیام‌های گذشته است و گسست قطعی رژیم در شرف تکوین است. آزادی و بازگشت آرامش، سازندگی و زندگی در ایران بسیار نزدیک است.

نادر صدیقی - در این نوشتار، من کوشیده‌ام تا ضمن برشمردن تاکتیک‌های مبارزات مدنی (و نه مسلحانه) تصویری واقعی از وضعیت موجود را بازسازی کنم.

می‌دانیم که در ایران رژیم اوباشان که بعلت ریزش و کاهش شدید کادربهای بسیج به کودکان ۱۲ ساله و به مزدوران بیگانه از عراق و افغانستان متوسل شده، در بوق تبلیغات خود بر طبل پیروزی می‌کوبد و خود را پیروز میدان جنگ می‌نامد.

ن باید فراموش کرد، مبارزه علیه رژیم‌ی که از طریق خشونت سیستماتیک قدرت را حفظ می‌کند، یکی از دشوارترین چالش‌هایی است که یک جامعه می‌تواند با آن روبرو شود. تاریخ نشان می‌دهد که شکست دادن یک استبداد بی‌رحم بندرت از طریق یک رویداد یگانه اتفاق می‌افتد، بلکه از طریق فرسایش ستون‌های حمایتی رژیم حاصل می‌شود.

عامل دیگری که رژیم‌های بی‌رحم را دچار تنگنای عملی و راهبردی می‌کند، درهم ریختگی سیستم، عدم توانایی حفظ نیروهای امنیتی و سرکوب و دستگاه نظارتی است. در همان حال وقتی اقتصاد متوقف می‌شود، توانایی رژیم برای «خرید» وفاداری هم از بین می‌رود.

در سال‌های ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ روسیه، و در طول شورش‌های ۱۹۷۸-۷۹ کشور خودمان ایران، اعتصاب‌های عمومی، بویژه در بخش‌های نفت و حمل و نقل، دولت را فلج کرد.

## تجمع ایرانیان ساکن بریتانیا در مخالفت با مذاکره و سازش با جمهوری اسلامی



استارمر برسانند. در این تجمع، با ابتکار ایرانیان شهر نیوکاسل، معترضان بوم‌های نقاشی بزرگ با تصاویر جاویدنامان اعتراضات مردمی سالهای گذشته در ایران را حمل می‌کردند. همچنین ایرانیان ملی‌گرای ساکن لندن روز شنبه ۲۸ مارس و همزمان با سخنرانی شاهزاده رضا پهلوی در اجلاس سی‌پک (CPAC) در دالاس تگزاس، تظاهراتی در شهر لندن ترتیب دادند، تا حمایت خود را از آلترناتیو منتخب مردم برای دوران گذار، در داخل و خارج از ایران نشان دهند.

(۲۰۱۷) - ۱۳۹۷ (۲۰۱۸) - ۱۳۹۸ (۲۰۱۹) - ۱۴۰۱ (۲۰۲۲) و ۱۴۰۴ (۲۰۲۶) دستکم شش قیام سراسری و ملی داشته‌ایم و هر بار بدلالی که بر همگان روشن است، پیروزی نهایی حاصل نشده است با این تفاوت که این مبارزه‌ی اخیر که بزرگترین و به نسبت موفق‌ترین آنها بوده است، همچنان جریان دارد و به مرحله‌ی نهایی نرسیده است. البته تمامی این مبارزات، رژیم را هر بار بیشتر از پیش تضعیف کرده و ما نیز، یک درس تاریخی ارزشمند آموخته‌ایم که همبستگی، رمز پیروزی ماست. اگر این پیکار نهایی با دخالت دو قدرت بزرگ جهانی و منطقه‌ای توأم شده که با دردهای سنگینی همراه بوده ولی دخالت آنها با اتکا به همین همبستگی ملی بوده است، چرا که این قدرت‌ها دریافته‌اند که رژیم حاکم در ایران از هیچ‌گونه مشروعیت سیاسی و مقبولیت ملی برخوردار نیست.

ایران امروز در مرحله‌ای خطرناک اما از نظر تاریخی بسیار آشنا قرار دارد: رژیم بسیار ضعیف‌تر از گذشته است و رهبری خود را بطرز جبران‌ناپذیری از دست داده است. همبستگی جامعه منسجم‌تر از قیام‌های گذشته است و گسست قطعی رژیم در شرف تکوین است. آزادی و بازگشت آرامش، سازندگی و زندگی در ایران بسیار نزدیک است.

ایرانیان ساکن لندن در روز یکشنبه ۲۹ مارس ۲۰۲۶ برابر با نهم فروردین ۱۴۰۵، برای سیزدهمین هفته متوالی، مقابل سفارت جمهوری اسلامی تجمع کردند. این تجمع به ویژه به دلیل اخبار مربوط به احتمال مذاکره با رژیم و آتش‌بس در جنگ خاورمیانه بدون خلع سلاح کامل جمهوری اسلامی برگزار شد. تجمع‌کنندگان تلاش کردند صدای مردم داخل ایران در مخالفت با هرگونه مذاکره و سازش با جمهوری اسلامی را به گوش افکار عمومی بریتانیا به ویژه دولت سر‌کی‌پر رادنی

سربازان و مزدوران مردم هستند و این بهنگامی است که نیروهای سرکوب از دستورات فرماندهان سرپیچی می‌کنند و از ترس، اسلحه را کنار گذاشته و فرار می‌کنند. بدنبال چنین رویدادی، نخبگان سپاهی نیز از همکاری طفره می‌روند. باین ترتیب، وابستگی مزدوران مرکز ثقل است. باید هزینه سرکوب را برای رژیم افزایش و ترس از جدایی را برای عوامل پایینی کاهش داد و مدام یادآوری کرد که رژیم در حال تضعیف و رو به اضمحلال است و جان شما بعنوان عملی ظلم در خطر.

از نظامی‌سازی زود هنگام باید اجتناب کرد. در اینجا، تاریخ درس بزرگی به ما می‌دهد. وقتی جنبش‌ها خیلی زود خشونت‌آمیز می‌شوند، رژیم‌های استبدادی قتل‌عام را توجیه می‌کنند. نمونه‌ها را در جنگ‌های داخلی سوریه و تاحدودی در بخش‌هایی از بهار عربی دیدیم. در ایران خود ما به کشتار جمعی بیش از سی و شش هزار و پانصد تن انجامید آن هم به بهانه‌ی همکاری با اسرائیل!

ارتباطات غیرمتمرکز در چنین شرایطی حیاتی است و ایرانیان خارج از کشور در این زمینه نقش عمده‌ای ایفا کرده و می‌کنند. قطعی اینترنت در سال جاری نشان داد که این موضوع چقدر مهم است. ایرانیان از تاریخ چهل ساله‌ی خود درسها آموخته‌اند. ما در سال‌های ۱۳۸۸ (۲۰۰۹) - ۱۳۹۶

نوشته‌های گسترده‌اش در مورد مبارزات بدون خشونت شناخته می‌شود، توصیه می‌کند که تمرکز باید به تاکتیک‌های نامتقارن، خلاقانه و روانشناختی تغییر کند. وقتی یک رژیم انحصار خشونت را در دست دارد، مردم باید انحصار معنا، طنز و زیرساخت‌های موازی را ایجاد کنند. استبدادها به تصویری «جدی» از قدرت مطلق متکی هستند. وقتی از طنز یا پوچ‌گرایی استفاده می‌کنید، رژیم را به یک «دوراهی» سوق می‌دهید: اگر شما را بخاطر چیزی مسخره دستگیر کنند، ضعیف و احمق بنظر می‌رسند؛ اگر شما را به حال خود رها کنند، کنترل را از دست می‌دهند. باید اقدامات نمادینی استفاده کرد که ذاتا غیرقانونی نیستند اما پارانویای رژیم را افشا می‌کنند.

کارهای ساده ولی موثر دیگری می‌تواند مزدوران رژیم را دچار وحشت کنند مانند نصب رویان‌های سفید در نقاط مختلف شهر بطوری که نیروهای امنیتی حتی زمانی که کسی در خیابان نیست، احساس محاصره کنند. به جای اینکه فقط از سربازان خواسته شود که فرار کنند، براندازی فعال، «ترس» را در صفوف خود رژیم هدف قرار می‌دهد. شما بدرستی باعث می‌شوید که نظامیان رده‌های پایین و یا عوامل مجری در قوه‌ی قضاییه و زندانبانان احساس کنند که فرماندهانشان در نهایت آنها را رها خواهند کرد یا اینکه «لیست» جنایات آنها توسط همسایگانی که در کنارشان زندگی می‌کنند، ثبت می‌شود؛ باین ترتیب روی «هزینه‌های اجتماعی» مستمر بودن تمرکز می‌کنید و اینکه جامعه، در فردای آزادی، آنها را به یاد خواهد آورد باعث پوسیدگی داخلی در دستگاه‌های حکومتی و بویژه در دستگاه امنیتی رژیم می‌شود.

باید به‌صراحت گفت که وضعیت ایران شبیه نمونه‌های تاریخ معاصر و نزدیک نیست. شاید تشابهاتی در انقلاب مردمی علیه آپارتاید در آفریقای جنوبی به سال ۱۹۹۰ میلادی (۱۳۶۰ خورشیدی) دیده شود ولی در هر حال وضعیت منحصر بفردی دارد. مثلا در آفریقای جنوبی پلیس خشن دولت آپارتاید مانند سپاه پاسداران عامل سرکوب بود ولی سپاه دارای هسته‌ی امنیتی بسیار ایدئولوژیک است و تنها یک نیروی نظامی صرف نیست، بلکه بطور گسترده‌ای برای بقای خود سرمایه‌گذاری کرده و بزرگترین بخش اقتصادی کشور را در اختیار دارد. اطلاعات را کنترل می‌کند، انحصار رسانه‌ای و اینترنت را دارد. به خشونت در حد بالا متوسل می‌شود، دستگیریهایی گسترده و اعدام‌های مستمر بعنوان عامل بازدارنده را نمایش می‌دهد و تبلیغ می‌کند و از واکنش‌های بین‌المللی هم ایجابی ندارد. اصلا برای عکس‌العمل جامعه جهانی پیشیزی قابل نیست و حتا جنگ را از مرزهای پیرامون خود نیز فراتر می‌برد؛ ولی علیرغم اینها، جنگ حاضر، پویایی جامعه‌ی مخالف رژیم را برجسته کرده است.

واقع‌بینانه‌ترین استراتژی بر اساس شواهد این است که همچنانکه در بالا گفته شد، تغییر از اعتراض به عدم همکاری پایدار مردمی صورت گیرد. اعتراضها و تظاهرات که با تیراندازی بی محابای مزدوران رژیم مقابله می‌شود، بندرت، به تنهایی رژیم‌هایی مانند جمهوری اسلامی را سرنگون می‌کنند. آنچه مهم است اعتصاب‌های سراسری فلج‌کننده اقتصادی و امتناع از همکاری است. چرا این موضوع در ایران حیاتی است چون نفت، بازار و لجستیک یا حمل و نقل، شریان‌های حیاتی رژیم محسوب می‌شوند. بدون این‌ها، حتا برای باقیمانده‌ی رژیم نیز، فشار قابل تحمل است.

و اما هدف قرار دادن ضعیف‌ترین نقطه‌ی رژیم نیز که وفاداری مزدوران آنست، از نکات بسیار مهم مبارزه محسوب می‌شود. نقطه‌ی عطف، تقریبا در هر قیام موفق،

## در ادامه موج اعدام زندانیان سیاسی، ابوالحسن منتظر و وحید بنی‌عامریان «اعدام» شدند

● ابوالحسن منتظر و وحید بنی‌عامریان دو زندانی سیاسی محبوس در زندان قزلحصار سحرگاه شنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۵ اعدام شدند.

● قوه قضائیه جمهوری اسلامی اتهام این دو شهروند را «بغی از طریق مباشرت در انجام اقدامات متعدد تروریستی»، «عضویت در سازمان مجاهدین»، «اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت داخلی کشور» و همچنین «ارتکاب اقدامات موثر ایدایی با هدف سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران» اعلام کرده است.

● سازمان مجاهدین خلق اعلام کرده وحید بنی‌عامریان، ۳۳ ساله، دارای مدرک کارشناسی ارشد مدیریت، در دی ۱۴۰۲ دستگیر شد، او از سال ۹۶ چند نوبت دستگیر شده و جمعاً شش سال زندانی بوده است.

جمهوری اسلامی دو زندانی سیاسی را به اتهام «بغی» به علت آنچه «مشارکت در اقداماتی با هدایت سازمان مجاهدین خلق» عنوان شده اعدام کرد. ابوالحسن منتظر و وحید بنی‌عامریان دو زندانی سیاسی محبوس در زندان قزلحصار سحرگاه شنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۵ اعدام شدند.

خبرگزاری «میزان» متعلق به قوه قضائیه جمهوری اسلامی با اعلام این خبر مدعی شده وحید بنی‌عامریان و ابوالحسن منتظر «در حالیکه قصد انجام عملیات پرتاب لانچر» داشتند

منتظر ۶۶ ساله دارای مدرک کارشناسی معماری داشت و از زندانیان سیاسی دهه شصت بود. او پیشتر در سال‌های ۹۷ و ۹۹ نیز چند بار بازداشت و زندانی شد و آخرین بار در دی ۱۴۰۲ دستگیر شده بود. جمهوری اسلامی پس از آغاز جنگ با اسرائیل و آمریکا موجی از اعدام زندانیان سیاسی را در دستور کار قرار داده است که پیشتر در پرونده‌های سیاسی و امنیتی به اعدام محکوم و اکنون احکام آنها اجرایی می‌شود.

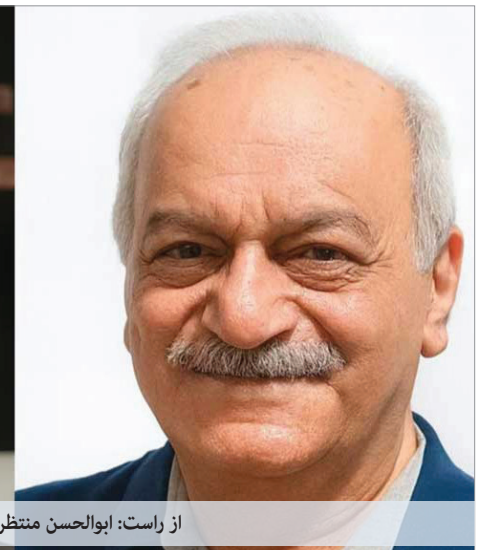
بر اساس گزارش نهادهای حقوق بشری شامگاه یکشنبه ۱۰ فروردین، نیروهای گارد زندان و مأموران امنیتی با ورود به بند چهار زندان قزلحصار کرج، ابوالحسن منتظر و وحید بنی‌عامریان را به همراه ۲۰ زندانی محکوم به اعدام دیگر با باتوم و ضرب‌وجرح از بند خارج و به مکانی نامعلوم منتقل کردند.

تا کنون احکام اعدام شماری از این زندانیان اجرایی شده است. سحرگاه سه‌شنبه ۱۱ فروردین نیز قوه قضائیه جمهوری اسلامی اعلام کرد که پویا قبادی بیستونی و بابک علیپور، دو زندانی سیاسی، اعدام شده‌اند. سحرگاه دوشنبه ۱۰ فروردین نیز اکبر (شاهرخ) دانشورکار و محمد تقوی سنگ‌دهی، دو زندانی سیاسی دیگر اعدام شده بودند.

همچنین سحرگاه پنجشنبه ۱۳ فروردین ۱۴۰۵ امیرحسین حاتم‌ی نوجوان ۱۸ ساله و از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ اعدام شد. امیرحسین در پرونده‌ای به همراه شش



از راست: ابوالحسن منتظر و وحید بنی‌عامریان



## جمهوری اسلامی علی فهیم از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ را اعدام کرد

● خبرگزاری «میزان» ارگان خبری قوه قضائیه جمهوری اسلامی از اعدام علی فهیم، از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ در سحرگاه روز دوشنبه ۱۷ فروردین‌ماه خبر داده است.

● اتهام علی فهیم «مشارکت در اقدامات عملیاتی برخلاف امنیت کشور» و «ورود به اماکن نظامی دارای طبقه‌بندی به قصد خارج کردن سلاح و مهمات جنگی و تخریب و آتش زدن اموال دولتی به قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران» عنوان شده است.

● علی فهیم در پرونده‌ای که از سوی نهادهای جمهوری اسلامی برای آتش‌سوزی پایگاه بسیج کاوه در خیابان دماوند تهران در جریان اعتراضات ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۴ تشکیل شد هفت شهروند بازداشت و امیرحسین حاتم‌ی، محمدمامین بیگلری، شاهین واحدپرست کلور، ابوالفضل صالحی سیاوشانی و علی فهیم به اعدام محکوم شدند.

● حکم اعدام امیرحسین حاتم‌ی روز پنجشنبه ۱۳ فروردین‌ماه اجرا شد. محمدمامین بیگلری و شاهین واحدپرست، سحرگاه روز یکشنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۵ اعدام شدند.

● وکلای این پرونده گزارش داده‌اند که ادعای مطرح شده در کیفرخواست متهمان با شواهد موجود در پرونده از جمله ویدئوها از محل حادثه در تناقض است.

قوه قضائیه جمهوری اسلامی از اجرای حکم اعدام علی فهیم از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ خبر داد. علی فهیم دهمین زندانی سیاسی است که طی یک هفته گذشته در ایران اعدام شده است.

خبرگزاری «میزان» ارگان خبری قوه قضائیه جمهوری اسلامی از اعدام علی فهیم، از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ در سحرگاه روز دوشنبه ۱۷ فروردین‌ماه خبر داده است.

اتهام علی فهیم «مشارکت در اقدامات عملیاتی برخلاف امنیت کشور» و «ورود به اماکن نظامی دارای طبقه‌بندی به قصد خارج کردن سلاح و مهمات جنگی و تخریب و آتش زدن اموال دولتی به قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران» عنوان شده است.

قوه قضائیه مدعی شده حکم اعدام علی فهیم در دیوان عالی کشور نیز تأیید شده بود. او همچنین به

شهروند دیگر به آتش‌سوزی پایگاه بسیج کاوه در خیابان دماوند تهران متهم شده بودند و اکنون خطر اعدام دیگر متهمان این پرونده وجود دارد.

مای ساتو گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران پس از اعلام خبر اعدام بابک علیپور و پویا قبادی در شبکه «ایکس» نوشت «امروز، گزارش‌هایی دریافت کردم مبنی بر اینکه قوه قضائیه، میزان، اعدام بابک علیپور و پویا قبادی را اعلام کرده است. با توجه به قطع مداوم اینترنت، هنوز مشخص نیست چه کسانی اعدام شده‌اند یا در حال اعدام هستند. آنچه واضح است این است که از اعدام‌ها به عنوان ابزاری برای سرکوب مخالفان سیاسی در بحبوحه جنگ استفاده می‌شود.»

دستگیر شدند.

قوه قضائیه جمهوری اسلامی اتهام این دو شهروند را «بغی از طریق مباشرت در انجام اقدامات متعدد تروریستی»، «عضویت در سازمان مجاهدین»، «اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت داخلی کشور» و همچنین «ارتکاب اقدامات موثر ایدایی با هدف سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران» اعلام کرده است.

سازمان مجاهدین خلق اعلام کرده وحید بنی‌عامریان، ۳۳ ساله، دارای مدرک کارشناسی ارشد مدیریت، در دی ۱۴۰۲ دستگیر شد، او از سال ۹۶ چند نوبت دستگیر شده و جمعاً شش سال زندانی بوده است.

همچنین بر اساس اعلام سازمان مجاهدین خلق ابوالحسن

## کشته شدن حسین غاوی در بازداشتگاه سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی



حسین غاوی

غاوی اواخر اسفندماه به دلیل تصویربرداری از مناطق مبارزان شده و ارسال آن به رسانه‌های خارج از کشور، توسط نیروهای امنیتی در غرفه چای‌فروشی محل کار خود بازداشت شده بود.

به گفته این منابع روز پنجشنبه ۱۳ فروردین ۱۴۰۵، نیروهای وابسته به سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طی تماس تلفنی به خانواده او اطلاع دادند که فرزندشان جان باخته است.

این گزارش افزوده «نیروهای امنیتی تماس گیرنده توضیحی در خصوص شرایط نگهداری و چگونگی جان‌باختن این شهروند در بازداشتگاه ندادند، تاکنون نیز پیکر این زندانی به خانواده‌اش تحویل داده نشده است.»

سازمان حقوق بشری کارون نیز به نقل از منابع آگاه نوشته است که حسین غاوی در دوران بازداشت تحت شکنجه قرار گرفته و در نهایت جان باخته است.

بر اساس گزارش ارائه شده از سوی خبرنگاری «هرانا» حسین غاوی از ناحیه پای چپ دارای معلولیت بود و با کار در دکه چای‌فروشی تنها نان‌آور خانواده‌اش بود.

پس از آغاز حملات نظامی اسرائیل و آمریکا از نهم اسفندماه موج بازداشت شهروندان با اتهاماتی چون فیلمبرداری و تصویربرداری از مناطق مبارزان شده، ارتباط با رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور، ارتباط و همکاری با اسرائیل و آمریکا افزایش یافته است.

منابع قضایی در استان‌های مختلف بارها گزارش‌هایی از بازداشت فله‌ای شهروندان ارائه کرده‌اند که بیانگر تشدید موج سرکوب در روزهای جنگ است.

سرکوب‌ها به اشکال دیگری از جمله راه‌اندازی ایست‌های بازرسی در سطح شهرها و قطع سراسری اینترنت نیز ادامه دارد.

● حسین غاوی، ۲۸ ساله، ساکن منطقه زرگان در شمال اهواز، به صورت پرابهامی در بازداشتگاه سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی جان باخت.

● حسین غاوی اواخر اسفندماه به دلیل تصویربرداری از مناطق مبارزان شده و ارسال آن به رسانه‌های خارج از کشور، توسط نیروهای امنیتی در غرفه چای‌فروشی محل کار خود بازداشت شده بود.

● روز پنجشنبه ۱۳ فروردین ۱۴۰۵، نیروهای وابسته به سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طی تماس تلفنی به خانواده او اطلاع دادند که فرزندشان جان باخته است.

● حسین غاوی از ناحیه پای چپ دارای معلولیت بود و با کار در دکه چای‌فروشی تنها نان‌آور خانواده‌اش بود.

● پس از آغاز حملات نظامی اسرائیل و آمریکا از نهم اسفندماه موج بازداشت شهروندان با اتهاماتی چون فیلمبرداری و تصویربرداری از مناطق مبارزان شده، ارتباط با رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور، ارتباط و همکاری با اسرائیل و آمریکا افزایش یافته است.

حسین غاوی، شهروند دارای معلولیت ساکن اهواز، که به علت فیلمبرداری از مناطق مبارزان شده در این شهر توسط سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ساس) بازداشت شده بود، به شکل مشکوکی زیر شکنجه جان باخت.

خبرگزاری «هرانا» گزارش داده حسین غاوی (سیلاوی)، ۲۸ ساله، فرزند عدنان و ساکن منطقه زرگان در شمال اهواز، به صورت پرابهامی در بازداشتگاه سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی جان باخت.

خبرگزاری «هرانا» به نقل از منابع محلی نوشته حسین

مصادره اموال نیز محکوم شده بود. در پرونده‌ای که از سوی نهادهای جمهوری اسلامی برای آتش‌سوزی پایگاه بسیج کاوه در خیابان دماوند تهران در جریان اعتراضات ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۴ تشکیل شد هفت شهروند بازداشت شدند.

در این پرونده امیرحسین حاتم، محمدمامین بیگلری،



علی فهیم

شاهین واحدپرست کلور، ابوالفضل صالحی سیاوشانی و علی فهیم به «اعدام» محکوم شدند.

حکم اعدام امیرحسین حاتم روز پنجشنبه ۱۳ فروردین‌ماه اجرا شد. همزمان منابع آگاه اعلام کرده بودند دیگر محکومان به اعدام این پرونده نیز به سلول انفرادی منتقل شده و به آنها گفته شده حکم اعدام آنها به زودی اجرایی می‌شود.

محمدمامین بیگلری و شاهین واحدپرست، نیز سحرگاه روز یکشنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۵ اعدام شدند.

این پرونده نیز مانند دیگر پرونده‌های مشابهی که طی سالهای گذشته برای شهروندان بازداشت‌شده در اعتراضات سراسری گشوده شده با ابهامات، اعتراف‌گیری اجباری و زیر فشار از متهمان و نبود اسناد و مدارکی که اتهام را ثابت کند روبرو بوده است.

وکلا این پرونده گزارش داده‌اند که ادعای مطرح شده در کیفرخواست متهمان با شواهد موجود در پرونده از جمله ویدئوها از محل حادثه در تناقض است. در این ویدیوها لباس‌های شخصی، مردم را به داخل ساختمان بسیج هل می‌دهند و درها را قفل می‌کنند و محل را به آتش می‌کشند.

جمهوری اسلامی پس از آغاز جنگ با اسرائیل و آمریکا روند اعدام متهمان پرونده‌های سیاسی و امنیتی را سرعت بخشیده است. در یک هفته گذشته ۱۰ زندانی سیاسی اعدام شدند. شش نفر از اعدام شدگان از اعضای سازمان مجاهدین خلق بودند که در سالهای گذشته بازداشت اما اکنون و در بحبوحه جنگ حکم اعدام آنها اجرا شده است. ابوالحسن منتظر، وحید بنی‌عامریان، پویا قبادی بیستونی، بابک علیپور، اکبر (شاهرخ) دانشورکار و محمد تقوی سنگ‌دهی شش زندانی سیاسی و عضو سازمان مجاهدین رد فاصله دهم تا پانزدهم فروردین جاری اعدام شدند.

# درنگی دوهفته‌ای تا ساعت ۲۵؛ جنگِ روایت، و روانِ زخمی جامعه‌ی ایران



«من دیگه خسته شدم! اصلا انتظارش رو نداشتم!  
این چرا اینجوری کرد با ما!

مگه نگفت میزنه، میتکونه!

پس این آتش بس چی میگه این وسط!

من اکانتم رو میبندم، دیگه حوصله ندارم!»

پیام یکی از دوستان صفحات مجازی، پس از شنیدن خبر آتش‌بس دوهفته‌ای.

انتظار... ترامپ... سناریو... امید... اضطراب... صدا...  
پشت‌صحنه... نمایشی که شاید تنها یک سکنس از آن را  
دیده‌ایم... برداشت من، برداشت تو... نیشخند بازیگر...  
و تعویق ساعت ۲۵.

**بهزاد پرنیان** - اعلام آتش‌بس دو هفته‌ای میان آمریکا و جمهوری اسلامی، پس از نزدیک شدن به پایان ضرب‌الاجل روز دوشنبه دونالد ترامپ برای بمباران شدید و نابودگرانه‌ی صنایع، پل‌ها و منابع تولید برق و انرژی رژیوم، برای بسیاری از ما ایرانیان، (چه در داخل و چه در بیرون از ایران) نه خبر صلح، که نوعی افتادن ناگهانی در خلأ بود. از وعده‌ی ضربه‌ی نهایی به رژیوم، به تعلیقی که نه پایان جنگ، نه آغاز آزادی، و نه حتی توافقی روشن با مفادی شفاف.

قدر مسلم، آنچه فعلا در برابر ماست، نه یک صلح پایدار، بلکه نوعی تعلیقی گیج‌کننده است؛ وقفه‌ای که بیش از آنکه آرامش‌بخش باشد، ذهن‌ها را درگیر پرسشی بزرگتر کرده: چه بازی‌ای در جریان است؟

بدون شک در بیرون از ایران، این چرخش برای بسیاری فقط یک خبر غیرمنتظره بود؛ اما در داخل ایران، در شرایطی که کشور با یکی از شدیدترین قطع‌های اینترنت و خفقان رسانه‌ای دست و پنجه نرم می‌کند، همین چرخش می‌تواند ضربه‌ای روانی با ابعاد اجتماعی باشد. جامعه‌ای که دسترسی‌اش به اطلاعات مستقل محدود شده است، ناگهان با خبری مواجه می‌شود که نه می‌تواند آن را تأیید کند، نه

رد، و نه حتی در چارچوبی روشن تحلیل نماید.

در چنین وضعیتی، حقیقت نه پنهان، بلکه مبهم شده است و ابهام، خود به ابزار قدرت در دست رژیم و رسانه‌های وابسته به آن بدل می‌گردد.

و این همان حقیقتی‌ست که چنین فضایی، می‌تواند جامعه ایران را در آستانه‌ی یک آبرونی تلخ قرار بدهد:

هرچه حادثه بزرگتر، دسترسی به واقعیت کمتر.

در چنین شرایطی، رژیم متصدد فرصت، هرگز بی‌کار نمی‌نشیند؛ بلکه از همین تاریکی تغذیه می‌کند.

اینترنت را می‌بندد تا خبر را ببندد؛ خبر را می‌بندد تا تفسیر را در انحصار بگیرد؛ و تفسیر را در انحصار می‌گیرد تا شکست را به «پیروزی دیپلماتیک» و تعلیق را به «اقتدار»

بازتعریف کند.

در این منظومه، آتش‌بس نه لزوماً آغاز یک روند تازه در ساختار پُرشوب جمهوری اسلامی، بلکه در یک روند خودبخودی امتداد و تعمیق سردرگمی است.

مردمی که در تاریکی نگه‌داشته شده‌اند، نمی‌دانند آیا نجات نزدیک شده است، یا دوباره در واپسین دقیقه، تاریخ از بالای بام خانه‌های ما عبور کرده.

از این منظر، «درنگی دوهفته‌ای تا ساعت ۲۵» تنها یک عنوان نیست، تعریف یک وضعیت است.

جمهوری اسلامی سالهاست که در ساختن چنین وضعیت‌های معلقی استاد شده. نه آنقدر اطلاعات می‌دهد که جامعه تصمیم بگیرد، نه حتی یک لحظه به توقف سرکوب فکر می‌کند که جامعه نفس بکشد. نتیجه، تولید جَوّی است از امید و یأس، انتظار و انفعال، با هدف معلق نگاه داشتن جامعه. و این تعلیق در نهایت خوشدست‌ترین چماقی است که در اختیار دارد.

تجربه خیزش‌های دو دهه‌ی گذشته، از خرداد ۸۸ تا دی ۹۶، و از آبان ۹۸ تا قیام ۱۴۰۱، نشان دادند که خفقان رسانه‌ای، صرفاً ابزاری برای پنهان کردن واقعیت نیست؛ بلکه

مکانیسمی برای مهندسی روان جمعی است.

در سرکوب اعتراضات آبان ۱۳۹۸، قطع سراسری اینترنت به حکومت این امکان را داد تا سرکوب خونین را در تاریکی پیش برد و هم‌زمان روایت رسمی خود را بر فضای عمومی تحمیل بکند.

همین الگو در سال‌های بعد نیز تکرار شد. خاموشی ارتباطات در میانه‌ی خیزش‌های مردمی، نه فقط برای پنهان‌سازی، بلکه برای جلوگیری از وصل شدن انقلابیون به یکدیگر و در نهایت جلوگیری از بالاتر رفتن اطلاعات از وضعیت جنبش و آگاهی داشتن از تجربه‌ی چند خیابان بالاتر یا پایین‌تر بود.

منطق این سازوکار کنترل‌گر ساده‌امابسیار مؤثر بود و هست. آدمها را از دنیای بیرون جدا کن، از هم جدا کن، و در نهایت، توانایی تبدیل تجربه‌ی زیسته به فهم سیاسی واقعیت میدان را از آنها بگیر.

از همین رو، خطر اصلی این دو هفته را نمی‌توان صرفاً در کاهش یا تعلیق فشار نظامی بر رژیم دانست؛ بلکه باید آن را در سطحی عمیق‌تر دید.

در سطح بازی روانی که تفسیرهای رسانه‌ای رژیم برای مهندسی روایت‌ها به‌کار خواهد بست. جایی که با مخدوش شدن مفاهیم، برداشت‌ها متأثر از روایت‌های دست‌ساز دستگاه تبلیغات رژیم می‌شوند، و جامعه پیش از آماده شدن برای رویارویی نهایی، با فرسایش فهم از واقعیت روبرو می‌گردد.

جامعه‌ی ما ایرانیان که ماه‌ها با امید به شکاف نهایی در ساختار رژیم، یا با اتکا به فشار خارجی، خود را از نظر احساسی تا آستانه‌ی رهایی کشانده، ناگهان با روبرو شدن با آتش‌بسی مبهم، می‌تواند در سه‌گانه‌ی ویرانگر بی‌جهتی، بی‌پناهی و بی‌اعتمادی گرفتار بشود.

در چنین وضعی، احتمال آن هست که افسردگی سیاسی جای خشم سازمان یافته را گرفته و این دقیقاً همان ←

## آتش‌بس یا سکوت قبل از طوفان؟



بیانگر این است که تصمیم‌گیری در این سطح، بر پایه‌ی «مقاومت» شکل گرفته، نه سازش. به همین دلیل، فضای میان دو طرف بیش از آنکه به سمت توافق حرکت کند، به سمت یک تقابل عمیق‌تر سوق پیدا کرده است.

در چنین شرایطی، مفهوم آتش‌بس دچار تغییر می‌شود. این آتش‌بس نه یک نقطه‌ی پایان، بلکه وقفه‌ای موقت برای بازسازی توان، تنظیم مجدد محاسبات و مدیریت فضای رسانه‌ای و سیاسی است.

آمریکا و متحدانش به‌خوبی می‌دانند که پیروزی تنها در میدان نظامی تعریف نمی‌شود؛ بلکه باید در عرصه‌ی افکار عمومی جهانی نیز دست بالا را داشته باشند. این وقفه، دقیقاً همان فرصتی است که به آن‌ها اجازه می‌دهد چنین تصویری را بسازند.

بر همین اساس، می‌توان گفت آنچه امروز دیده می‌شود، بیش از آنکه نشانه‌ی آرامش باشد، به سکوتی معنادار شباهت دارد؛ سکوتی که می‌تواند مقدمه‌ی یک مرحله‌ی شدیدتر باشد.

سناریویی که در آن، پس از تکمیل این فاز از مشروعیت‌سازی و آمادگی، یک اقدام بزرگ‌تر و از پیش طراحی‌شده دور از انتظار نخواهد بود.

اجتماعی، و در سطح خوانش واقع‌بینانه از صحنه‌ی قدرت. از این منظر، این دو هفته را نمی‌توان صرفاً یک وقفه دانست؛ بلکه باید آن را بعنوان بخشی از یک روند بزرگ‌تر دید، روندی که در آن، توازن میان قدرت، روایت و اراده‌ی اجتماعی همچنان در حال شکل‌گیری است. باید توجه داشت که آنچه تعیین‌کننده خواهد بود، نه صرفاً تصمیم‌بازیرگان بیرونی، بلکه نحوه‌ی واکنش و بازآرایی جامعه‌ی ایران در برابر این وضعیت سیال است. پاینده ایران

**مهدی نوذر** - آنچه بعنوان «آتش‌بس» مطرح می‌شود، اگر با نگاهی دقیق‌تر بررسی شود، بیشتر از آنکه نشانه‌ای از پایان تنش باشد، به یک توقف استراتژیک شباهت دارد. در منطق سیاست بین‌الملل، قدرت‌ها پیش از ورود به مراحل حساس و پرهزینه، نیاز دارند افکار عمومی جهان را آماده کنند و برای اقدام خود مشروعیت بسازند. به همین دلیل است که «دیپلماسی» گاهی نه بعنوان راه‌حل، بلکه بعنوان بخشی از سناریوی تقابل عمل می‌کند.

در همین چارچوب، رفتار ترامپ نیز قابل تحلیل است. اگر هدف اصلی، رسیدن به یک توافق واقعی و پایدار بود، قاعدتاً شرایط به‌گونه‌ای طراحی می‌شد که امکان پذیرش حتی بصورت محدود وجود داشته باشد. اما وقتی مطالبات به شکلی مطرح می‌شوند که عملاً برای طرف مقابل غیرقابل قبول‌اند، دیگر نمی‌توان از «مذاکره» به معنای واقعی صحبت کرد.

این وضعیت بیشتر نشان‌دهنده‌ی تلاش برای ساختن یک روایت است؛ روایتی که به جهان القا کند آمریکا مسیرهای مسالمت‌آمیز را طی کرده، اما به نتیجه نرسیده است. در سوی دیگر، جمهوری اسلامی نیز با ادامه‌ی مسیر فعلی نشان داده است که تمایلی به پذیرش این چارچوب ندارد. پذیرش هزینه‌های سنگین و در عین حال عدم عقب‌نشینی،

زنجیره‌ی اطلاعات)، تنها یکی از چالش‌های ما ایرانیان است، اما بزرگترین آن نیست. چالش بزرگ‌تر، ابهامی‌ست که در آن مرز میان کنش، معامله و روایت عامدانه مخدوش گشته. اما همین وضعیت، یک واقعیت مهم را نیز آشکار می‌کند؛ جامعه‌ای که در پی فهم است، قابل حذف از معادله نیست. در چنین شرایطی، تعلیق ناخوانده را می‌توان به یک دوره‌ی بازتنظیم تبدیل کرد. بازتنظیم در سطح فهم عمومی، در سطح پیوندهای

چیزی است که اگر برای رفع آن اقدام نکنیم، رژیم از آن سود خواهد برد.

اینجاست که تحلیل رخدادهای پیش‌بینی‌ناپذیری مانند همین احتمال اجرای آتش‌بس دوهفته‌ای، اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند.

همان رئیس‌جمهوری که با زبان نجات‌بخشی و وعده‌ی ضربه نهایی سخن می‌گفت، اکنون با همان سهولت از مبنای قابل‌کار برای مذاکره حرف می‌زند.

همان جنگی که عنوانی رهایی‌بخش گرفت، در لحظه‌ای دیگر به بستری برای معامله، بازار، و چانه‌زنی ژئوپلیتیک تبدیل می‌شود.

و همان مردمی که در روایت‌های بیرونی موضوع نجات معرفی می‌شوند، در عمل تلاش خواهد شد تا توسط دستگاه تبلیغات رژیم، در تصمیم دیگران، به آبه فروکاسته بشوند. آبرونی فاجعه‌آمیز ماجرا همین جاست:

ملت ایران در مرکز همه‌ی گفتگوهای مرتبط با جنگ میان آمریکا-اسرائیل در برابر رژیم است، اما اگر سیاسیون، مفسران و روزنامه‌نگاران ایرانی آگاهانه و مسئولانه به تبیین این وضعیت نپردازند، همین ملت، در گرداب روایت‌سازی‌ها و وقایع پیش‌بینی‌ناپذیر، به سادگی هرچه تمام‌تر به حاشیه‌ی همه تصمیم‌ها رانده خواهد شد.

با این همه، نتیجه‌گیری درست از این وضعیت نباید و نمی‌تواند تسلیم به یأس بشود.

درست برعکس؛ چنین آتش‌بسی به جرأت می‌توان گفت که مبهم و ناپایدار است، پس نخستین ضرورت، می‌بایست بازسازی استقلال تحلیلی جامعه‌ی ایران از این رویداد نابهنگام باشد. باید تلاش بکنیم تا این موضوع را بین جامعه‌ی داخل کشور جا بیاوریم که نه هر تهدید خارجی لزوماً به آزادی می‌انجامد، و نه هر توقف جنگی الزاماً به معنای تثبیت رژیم است. آنچه اهمیت دارد، توان جامعه برای فهم زمین بازی، حفظ حافظه، و مقاومت در برابر جنگ روایت‌هاست.

در چنین بزنگاهی، مسئولیت دیاسپورای ایرانی می‌بایست از یک موقعیت عاطفی فراتر رفته و به یک وظیفه‌ی تاریخی بدل بشود.

جامعه‌ی ایرانیان خارج از کشور، در شرایطی که مردم در داخل کشور زیر فشار سانسور و قطع ارتباطات قرار دارند، می‌بایست به شبکه‌ای از انتقال اخبار درست، تفسیر رویدادها و امید تبدیل گردند.

هر اختلاف، هر چند کوچک، می‌تواند به ابزار جنگ روانی رژیم بدل شود. از این‌رو، پرهیز از منازعات فرسایشی و حفظ همگرایی، نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت است.

در همین چارچوب، نقش تحلیلگران، روزنامه‌نگاران و مفسران ایرانی در بیرون مرزها، نقشی حیاتی و تعیین‌کننده خواهد بود. آنان باید میان خبر و تفسیر تمایز قابل شوند، از شتاب‌زدگی بپرهیزند، و به جای بازتولید هیجان یا یأس، به تولید فهم و افق بپردازند. در فضایی که رژیم با روایت‌سازی هدفمند در پی ایجاد تردید و شکاف است، هر تحلیل مسئولانه می‌تواند همچون پادزهری علیه سردرگمی عمل کند.

در این میان، رجوع به رهنمودهای رهبر انقلاب شیروخورشید، شهریار ایران رضاشاه‌دوم پهلوی بعنوان یک محور ملی، می‌تواند برای بسیاری از ایرانیان همان نقش فانوس را ایفا کند. حفظ جهت، جلوگیری از پراکندگی، و یادآوری این حقیقت که مسیر رهایی، نه از دل تعلیق‌های تحمیلی، بلکه از دل همبستگی، آگاهی و پایداری جمعی عبور می‌کند.

در پایان باید تاکید کرد که عدم اطلاع دقیق از آنچه در میدان می‌گذرد (بعلت نبود اینترنت و عدم دسترسی به

# در شرایط جنگ و قطع اینترنت: موج بیکاری و اخراج نیروی کار در ایران با پایان تعطیلات نوروزی



در این گزارش آمده که طی یک ماه گذشته کمبود فولاد، اختلال در واردات مواد اولیه، بی‌نظمی حمل‌ونقل و مشکل در ترخیص قطعات، صنعت خودرو را با تهدیدی همه‌جانبه مواجه کرده است. «دنیای اقتصاد» نوشته «این صنعت که پیش‌تر با قیمت‌گذاری دستوری، بحران نقدینگی و وابستگی به واردات قطعات دست‌وپنجه نرم می‌کرد، اکنون وارد مرحله «اختلال چندلایه» شده و جنگ از چند مسیر همزمان آن را هدف قرار داده است. اختلال در تولید فولاد و محدودیت انرژی، گلوگاه اصلی تولید خودرو است و کمبود ورق می‌تواند خطوط را متوقف کند. واردات قطعات نیز به دلیل آسیب به زیرساخت‌های بندری مختل شده و قطعه‌سازان با کاهش تولید و بدهی انباشته خودروسازان تحت فشار هستند. شبکه لجستیک، نیروی انسانی و بحران نقدینگی نیز آسیب‌پذیر شده‌اند.»

این گزارش افزوده «در سمت بازار، نااطمینانی، کاهش قدرت خرید و تغییر رفتار مصرف‌کننده موجب افت تقاضا می‌شود و سیاست‌گذاری بی‌ثبات می‌تواند رکود را تشدید کند. هم‌زمانی این بحران‌ها امکان بازگشت سریع به شرایط عادی را از بین برده و صنعت خودرو را در چرخه‌ای چندلایه از مشکلات گرفتار کرده است.»

واحدهای تولیدی، صنعتی و خدماتی در سالهای گذشته و به علت مشکلات ساختاری اقتصادی و ناکارآمدی جمهوری اسلامی در مدیریت بخش‌های مختلف اقتصادی به‌سختی توانسته بودند فعال بمانند و حالا قطع اینترنت و شرایط جنگی وضعیت آنها را شکننده‌تر کرده است.

در شرایطی که دونالد ترامپ تهدید کرده در صورت عدم باز شدن تنگه هرمز از سوی جمهوری اسلامی زیرساخت‌های ایران را زیر حملات شدید قرار داد و در آنسو مقامات جمهوری اسلامی بر عدم مذاکره تأکید می‌کنند شهروندان و فعالان اقتصاد زیادی نگران شرایط کشور در روزهای آینده هستند و معتقدند بحرانی شدن شرایط با مباران زیرساخت‌ها شغل و زندگی مردم بیش از هفته‌های گذشته متأثر خواهد شد.

بین‌المللی محروم بوده‌اند.» شهروندان زیادی در روزهای گذشته در شبکه‌های اجتماعی از بیکاری خود پس از پایان تعطیلات نوروز خبر داده‌اند. این شهروندان در مشاغل مختلفی از طراحی داخلی و برنامه‌نویسی تا مهندسی و بازاریابی اشتغال داشته‌اند. یک کاربر نوشته «بالاخره قطع اینترنت باید رو همه اثرشو بذاره؛ من بیکار شدم. دنبال ui یا ux یا پروداکت دیزاینر با سابقه میگشیتین من هستم.»

کاربر دیگری نوشته «منم تولیدکننده محتوا وب و سوشال که ۳ ماهه بیکار شدم اگ کسی نیاز داشت، درخدمتم.» یک کاربر هم نوشته «فولاد مبارکه رو که زدن از کار بیکار شدم. چون کارم عمرانیه و مستقیم با ورق سر و کار داریم. ولی باز ازین هم ممکنه بدتر بشه. هر وقت فکر نابودی نیروگاه‌های برق رو می‌کنم اونقدر استرس می‌گیرم که سعی می‌کنم بهش فکر نکنم و این احتمال وجود داره همین شبهه اتفاق بیافته.»

کاربر دیگری هم نوشته «تازه فاجعه بعد تعطیلات خودشون نشون میده. من که دو ماه شد بیکار شدم. خیلی از دوستانم که مرخصی بدون حقوق فرستادن. خیلی از شرکت‌هایی که استخدام بودیم دیگه نیستند.»

فرشاد اسماعیلی فعال کارگری و حقوقدان در شبکه «ایکس» نوشته «شاغلین بیکار نشدن، شغل‌ها نابود شدند.» اشاره این مشاور حقوق کار به شرایطی است که در پی قطع اینترنت و شرایط جنگی برای کسب‌وکارها رخ داده است.

در آنسو ایجاد توقف در صادرات و واردات و همچنین اختلال در تولید بخش‌های مختلف به علت شرایط ناشی از جنگ، از جمله هدف قرار گرفتن کارخانه‌های فولاد و زیرساخت‌های پتروشیمی در استان خوزستان، نگرانی برای تعطیلی کارخانه‌ها و واحدهای صنعتی بزرگ کشور نیز افزایش یافته است. در همین رابطه روزنامه «دنیای اقتصاد» نیز گزارش داده جنگ هنوز به خطوط تولید کارخانه‌های اتمبیل‌سازی نرسیده اما با تداوم شرایط، احتمال خاموشی برخی کارخانه‌ها جدی است.

● کاهش درآمدها، رکود عمیق، تعطیلی مشاغل و ناتوانی کسب‌وکارهای متکی به اینترنت در شرایط جنگ و قطع اینترنت سراسری در ایران دست به دست هم داده تا بازار کار کشور با موجی از اخراج نیروی کار روبرو شود. ● کسب‌وکارهایی که از قطع سه هفته‌ای اینترنت در اعتراضات دی ۴۰۴ با خسارت روبرو شده و از هفته دوم اسفندماه با آغاز جنگ یا تعطیل شدن یا در پی قطع اینترنت و شرایط جنگی درآمدهایشان به شدت کاهش یافته ناچار هستند برای کاهش هزینه‌ها نیروی کار را اخراج کنند.

● فرشاد اسماعیلی فعال کارگری و حقوقدان در شبکه «ایکس» نوشته «شاغلین بیکار نشدن، شغل‌ها نابود شدند.» اشاره این مشاور حقوق کار به شرایطی است که در پی قطع اینترنت و شرایط جنگی برای کسب‌وکارها رخ داده است.

● روزنامه «دنیای اقتصاد» با تأکید بر اینکه طی یک ماه گذشته کمبود فولاد، اختلال در واردات مواد اولیه، بی‌نظمی حمل‌ونقل و مشکل در ترخیص قطعات، صنعت خودرو را با تهدیدی همه‌جانبه مواجه کرده، نوشته «این صنعت که پیش‌تر با قیمت‌گذاری دستوری، بحران نقدینگی و وابستگی به واردات قطعات دست‌وپنجه نرم می‌کرد، اکنون وارد مرحله «اختلال چندلایه» شده است.

● واحدهای تولیدی، صنعتی و خدماتی در سالهای گذشته و به علت مشکلات ساختاری اقتصادی و ناکارآمدی جمهوری اسلامی در مدیریت بخش‌های مختلف اقتصادی به‌سختی توانسته بودند فعال بمانند و حالا قطع اینترنت و شرایط جنگی وضعیت آنها را شکننده‌تر کرده است.

فعالان کارگری و حقوق کار در ایران گزارش می‌دهند موجی از اخراج نیروی کار با پایان تعطیلات نوروزی آغاز شده است. کسب‌وکارهایی که از قطع سه هفته‌ای اینترنت در اعتراضات دی ۴۰۴ با خسارت روبرو شده و از هفته دوم اسفندماه با آغاز جنگ یا تعطیل شدن یا در پی قطع اینترنت و شرایط جنگی درآمدهایشان به شدت کاهش یافته ناچار هستند برای کاهش هزینه‌ها نیروی کار را اخراج کنند.

اقتصاد ایران در حالی دهه‌هاست در پی ناکارآمدی جمهوری اسلامی با بحران پیوسته رکود تورمی روبروست اکنون با تورم بی‌سابقه ۷۲ درصدی روبرو شده است. هزینه‌ها نه تنها برای مردم بلکه برای صاحبان کسب‌وکار و فعالان اقتصادی نیز به شدت افزایش یافته است. در آنسو اما درآمدها به علت شرایط ویژه ناشی از اعتراضات دی ۴۰۴ و همچنین شش هفته جنگ نظامی با کاهش روبرو و حتی در بسیاری مشاغل به صفر رسیده است.

کاهش درآمدها، رکود عمیق و ناتوانی کسب‌وکارهای متکی به اینترنت در شرایط جنگ و قطع اینترنت سراسری در ایران دست به دست هم داده تا بازار کار کشور با موجی از اخراج نیروی کار روبرو شود.

نت بلاکس، نهاد مستقل نظارت بر اینترنت، روز دوشنبه ۱۷ فروردین اعلام کرده «قطع اینترنت در ایران وارد سی‌وهشتمین روز خود شده است و در حال حاضر عموم مردم برای بیش از ۸۸۸ ساعت از دسترسی به شبکه‌های

# زیرساخت‌های توهمی یا سنگِ دروغ؛ ملت ایران در آستانه انتخابی سرنوشت‌ساز



هزینه امنیتشان را بدهند؛ چرا که سهم آمریکا از نفت این منطقه تنها یک درصد است. این رویکرد «اول آمریکا» نشان می‌دهد که بار امنیت جهان دیگر قرار نیست تنها بر دوش یک کشور باشد. در این میان، ناتو با وجود تامین بخش بزرگی از بودجه‌اش توسط آمریکا، همچنان در لاکِ انفعال فرو رفته است. آن‌ها با این استدلال که هیچ عضو ناتو مورد حمله قرار نگرفته، حاضر نیستند با بقایای سپاه پاسداران سرشاخ شوند. مقامهای آلمان، انگلیس و فرانسه آشکارا اعلام کرده‌اند که این جنگ مساله آن‌ها نیست!

ما ایرانیان دهه‌هاست که هر بار یکی از مقامهای اروپایی لحن تندیه علیه رژیم به کار می‌برد، زود باور می‌کردیم و در رویا فرو می‌رفتیم. تازه‌ترین مورد، صدراعظم آلمان (فردریش مرتس) بود که هفته پیش گفت پایان جمهوری اسلامی خبر خوبی برای دنیاست؛ ولی پیام واقعی و تلخ پشت این حرف روشن بود: بگذارید خودش خشک بشود و بیفتد، ما گامی برای سقوطش بر نمی‌داریم! این یعنی دنیای غرب تا زمانی که منافعش به خطر نیفتد، تنها به ابزار همدردی کلامی بسنده می‌کند.

## فرجام سخن؛ انتخاب بین آزادی یا نابودی

آن دورانی که با تحقیر هواداران پادشاهی و هم‌نوایی با سرکوبگران، مسیر آزادی را سد می‌کردید، به پایان رسیده است. ملت ایران امروز میان دو گزینه قرار گرفته است: یا تحمل چند دهه دیگر از نکتِ آخوندی زیر نام حفظ زیرساخت‌های غارت‌شده، یا ایستادگی برای جراحی کامل این غده سرطانی به هر قیمتی.

مردم ایران در تماس‌هایشان از کرج تا بروجرد تکلیف را روشن کرده‌اند: آن‌ها آزادی را به ماندن نکت‌بار تحت حاکمیت وحشیان و سلیطه‌های تیغ به دست ترجیح می‌دهند. به نگران‌های دروغین زیرساخت و هواداران خجالتی رژیم باید گفت:

تماشاگر باشید و شاهد سقوط آوار بر سر خودتان؛ چرا که دیگر راه بازگشتی برای این رژیم و پشتیبانش (از هر طیف و دسته‌ای) وجود ندارد. ایران، با اراده‌ای ملی به دست صاحبان اصلی‌اش بازخواهد گشت.

این ادعای دلسوزی برای زیرساخت‌ها در حالی از سوی تحلیلگران عاقبت‌طلب مطرح می‌شود که متی جامعه ایران، منطق دیگری را فریاد می‌زند. در چند روز گذشته، تماس‌های زیادی از شهرهای مختلف ایران از جمله کرج، قزوین، بروجرد، اصفهان و تهران داشتیم. برخی از آنها در حالی که صدای انفجار و موشک در پس‌زمینه تماس‌هایشان شنیده می‌شد و برخی دیگر نیز می‌گفتند پیشتر شهر و دیارشان بمباران شده است، یک حرف مشترک، تکان‌دهنده و قاطع داشتند. آن‌ها می‌گفتند: «اگر این جنگ در همین مراحل بدون سرنوشتی کامل رژیم به پایان برسد، آخوندها برای چندین دهه دیگر باقی می‌مانند، بازسازی می‌کنند و ما و فرزندانمان برای همیشه بدبخت خواهیم شد.»

مردم زیر بمباران بهتر از هر کسی می‌دانند که ماندگاری این رژیم، یعنی ماندگاری تروریسم، فقر و توحش. نمونه بارز و مشتمزکننده این ذهنیت را می‌توان در رجزخوانی‌های تازه مردان و زنان ذوب در ولایت و امثال این «مادر فولاد زره» دید که با بی‌شرمی تمام از «از دم تیغ گذراندن» مردم ایران سخن می‌گویند. این همان ایدئولوژی کثافتی است که این جماعت سلیطه و تروریست سال‌هاست زیر نام آن به خاک و ناموس ایران تجاوز می‌کنند. آن‌ها ثابت کرده‌اند که اگر بمانند، نه زیرساختی برای مردم باقی می‌گذارند و نه جانی برای زنده ماندن. برای ملت، «زیرساخت واقعی» آزادی و امنیت ملی است که تنها با رفتن این فرقه به دست می‌آید.

## توهم ائتلاف‌های بین‌المللی و تنهایی ملت ایران

در جبهه بین‌المللی نیز واقعیت‌ها عریان‌تر از همیشه است و باید به آن هم‌میهنانی که چشم‌انتظار معجزه از غرب هستند، هشدار داد. دونالد ترامپ پیش‌تر به درستی اشاره کرده بود که بریتانیا بزرگ‌ترین متحد تاریخی آمریکا بوده، ولی آمریکا حتی بدون آن‌ها هم می‌تواند برنده شود. او به روشنی از کشورهای ذینفع در خلیج فارس و تنگه هرمز (مانند ژاپن با ۹۵ درصد، چین با ۹۰ درصد و کره جنوبی با ۳۵ درصد وابستگی نفتی) خواست که خودشان

نادر کاکاوند - این روزها که طبل‌های جنگ و سقوط بیش از هر زمان دیگری در فضای سیاسی ایران به صدا درآمده‌اند، دوباره سروکله‌ی جماعتی پیدا شده که خود را «نگران زیرساخت‌ها» می‌نامند. این‌ها همان کسانی هستند که وقتی رژیم در همین کمتر از دو ماه گذشته، ده‌ها هزار نفر از هم‌میهنان بی‌گناه ما را در خیابان‌ها و زندان‌ها به خاک و خون کشید، یا سکوت پیشه کردند و یا در حالتی بدتر، سرگرم لجن‌پراکنی و جنگ با شاهزاده رضا پهلوی و هواداران پادشاهی بودند.

خطاب به این جریان همیشه هم‌نوا با «فرقه تبهکار» که چهل و هفت سال است مشغول تحقیر جریان اصلی ملی و ایران‌گرا هستند، باید یک بار برای همیشه و به روشنی تمام گفت: خفه شوید! کدام زیرساخت؟ آن ویرانه‌ای که جمهوری اسلامی در این نزدیک به نیم قرن از ایران زیبایمان ساخته، دیگر نامش زیرساخت نیست؛ غنیمتِ جنگیِ اشغالگرانی است که ایران را به اسارت گرفته‌اند.

## سفره‌های خالی و زیرساخت‌های غارت‌شده

اگر هم به زعم شما زیرساختی باقی مانده باشد، باید پرسید مگر تا کنون ریالی از درآمد همان نفت و گاز و پتروشیمی که به جیب امثال بابک زنجانی‌ها، هکتور شمخانی‌ها و سایر انگل‌زاده‌های وابسته به سپاه سرازیر می‌شد، به حساب مردم واریز گشته که اکنون نگران تخریب آن شده‌اید؟ حقیقت این است که نگرانی اصلی شما زیرساخت نیست؛ ترس واقعی شما از موج خروشان ایران‌گرایی و میهن‌پرستی ملتی است که تصمیم گرفته فتنه ۵۷ را با تمام توان پس بزند.

شما از این می‌سوزید که ملت، هم‌بسته و یک‌صدا پشت سر شاهزاده رضا پهلوی ایستاده و او را به عنوان تنها رهبر حقیقی و معتبر انقلاب خود پذیرفته است. شما از این می‌ترسید که بساط «هواداری خجالتی» از رژیم جمع شود. آن نقاب دلسوزی که امروز بر چهره زده‌اید، دیگر حتی برای ساده‌لوح‌ترین افراد هم رنگی ندارد.

صدای نگران مردم از قلب ایران: پایان آخوندیسم به هر قیمت

## «زیرساختها» پیش از این جنگ ویران شده‌اند!

داراست. جنگل‌های هیرکانی، ثبت‌شده در فهرست میراث جهانی یونسکو، از کهن‌ترین جنگل‌های جهان هستند. رودخانه‌هایی مانند کارون و زاینده‌رود، و تالاب‌هایی چون دریاچه ارومیه، زمانی ستون‌های اصلی پایداری زیست‌محیطی کشور بودند. اما امروز:

- بیش از ۸۰٪ تالاب‌های کشور در وضعیت بحرانی یا خشک‌شده قرار دارند

- دریاچه ارومیه به کمتر از ۱۰٪ وسعت تاریخی خود رسیده است

- فرونشست زمین در بسیاری از دشت‌ها به بیش از ۳۰ سانتی‌متر در سال رسیده (یکی از بالاترین نرخ‌ها در جهان)

- برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی، بسیاری از آبخوان‌ها را به نقطه غیرقابل بازگشت رسانده است

در اقتصاد منابع، این وضعیت به‌روشنی به معنای «مصرف سرمایه بجای درآمد» است. ارزش اقتصادی این منابع (که امانت نسل‌های آینده کشور نزد ما می‌باشد) با احتساب خدمات اکوسیستمی مانند کنترل گردوغبار، تنظیم اقلیم، و تولید غذا، بالغ بر تریلیون‌ها میلیارد دلار می‌باشد. در حالی‌که تخریب آن‌ها، هزینه‌هایی پنهان اما بسیار واقعی

!! ماده‌ای که نه تنها ارزش اقتصادی مستقیمی ندارد، بلکه عامل و محرک اصلی برای حمله‌ی نظامی به کشور شد. در همین راستا، باید از توسعه‌ی شبکه‌های گسترده‌ی موشکی و ایجاد ده‌ها (و به‌روایتی صدها) شهرک موشکی در گوشه و کنار کشور، و هزاران پایگاه برای سپاه و بسیج (بسیاری در قلب مناطق مسکونی و مجاورت یا حتی در پوشش کاربری‌های شهری) نام برد که امروز به یکی از عوامل افزایش تلفات و آسیب‌پذیری شهروندان نیز تبدیل شده است.

پرسش اساسی اینجاست: آیا این «زیرساخت‌ها» برای «دفاع ملی» و در راستای «منافع ملی» ساخته شده‌اند، یا برای تثبیت و گسترش یک ساختار قدرت ایدئولوژیک؟

### ۳- تعریف واقعی «زیرساخت»؛ فراتر از بتن و فولاد

برای پرهیز از خطای مفهومی، لازم است تعریف دقیق‌تری از «زیرساخت» ارائه دهیم. در اقتصاد توسعه، زیرساخت به مجموعه‌ای از سرمایه‌های مادی، انسانی و نهادی اطلاق می‌شود که امکان تولید، ارائه خدمات، و رشد پایدار را فراهم می‌کنند. این زیرساخت‌ها را می‌توان در سه

امیر ده‌ها - هنوز ۲۴ ساعت دیگر به پایان اولتیماتوم رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در خصوص احتمال حمله به زیرساخت‌های جمهوری اسلامی باقی مانده است. اینکه پس از این ضرب‌الاجل (که برای وادار کردن جمهوری اسلامی به مذاکره تعیین شده) چه پیامدهایی، فراتر از آنچه تاکنون بر کشور ما گذشته، در انتظار ایران خواهد بود، در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

با این‌همه، من این یادداشت را با دو نگاه می‌نویسم: چشمی نگران و مضطرب نسبت به اکنون، و چشمی امیدوار به آینده‌ای که می‌تواند، در صورت تغییر مسیر، روشن‌تر باشد.

### ۱- منشأ بحران: سیاستی که جنگ را اجتناب‌ناپذیر کرد

هیچ‌کس جز علی‌خامنه‌ای و مجموعه‌ای از سیاستمداران و فرماندهان نظامی همسو با او، دعوت‌کننده‌ی عملی ایالات متحده و اسرائیل به تقابل نظامی با ایران نبوده است. این الگو مسبوق به سابقه نیز می‌باشد: در دوران روح‌الله خمینی نیز سیاست «صدور انقلاب» و فراخوان آشکار او به مردم عراق برای قیام علیه حکومتشان، عملاً به تشدید تنش با صدام حسین انجامید و زمینه‌های جنگی پرهزینه و ۸ ساله را فراهم کرد.

نتیجه‌ی ۴۷ سال سیاست خارجی مبتنی بر تقابل ایدئولوژیک با غرب—بویژه آمریکا و اسرائیل—چیزی جز انباشت تنش، تحریم، و در نهایت نزدیک شدن به یک درگیری نظامی گسترده نبوده است. در ادبیات روابط بین‌الملل، این وضعیت را می‌توان نمونه‌ای از «تله امنیتی» دانست، با این تفاوت که در اینجا، تشدید تهدید نه یک سوءبرداشت، بلکه از یک راهبرد آگاهانه و از پیش طراحی شده نشأت گرفته است.

### ۲- رؤیای خلافت ابدی و هزینه‌های یک پروژه‌ی ایدئولوژیک

در ادبیات سیاسی جمهوری اسلامی، نوعی «رؤیای پادداری ایدئولوژیک» دیده می‌شود؛ نقل‌قولی که به اکبر هاشمی رفسنجانی نسبت داده می‌شود، به‌خوبی این ذهنیت را نشان می‌دهد وقتی می‌گوید: اگر خلافت عباسی و امپراتوری عثمانی توانستند قرن‌ها استمرار یابند، چرا جمهوری اسلامی نتواند؟

این توهم و رؤیای شکست خورده، اما هزینه‌های سرسام‌آور برای ایران داشته است.

برآوردهای مختلف—از جمله تحلیل‌های اقتصادی مبتنی بر هزینه‌ی فرصت تحریم‌ها، سرمایه‌گذاری‌های مستقیم، و کاهش تولید ناخالص داخلی—نشان می‌دهد که پروژه‌ی هسته‌ای ایران، بصورت مستقیم و غیرمستقیم، هزینه‌ای در حدود ۱.۵ تا ۲ تریلیون دلار بر اقتصاد کشور تحمیل کرده است. این رقم شامل موارد زیر است:

- هزینه‌های مستقیم برنامه‌ی غنی‌سازی
- سرمایه‌گذاری در تأسیسات زیرزمینی و امنیتی
- زیان ناشی از تحریم‌های بین‌المللی (کاهش صادرات نفت، محدودیت‌های بانکی)
- فرار سرمایه و کاهش سرمایه‌گذاری خارجی

حاصل مادی این پروژه (که هزینه‌ی آن معادل صدها برابر زیرساخت‌های موجود کشور بوده است) برای مردم ما چه بوده؟! تنها انباشت چند صد کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده



ایجاد کرده است از جمله:

- فرسودگی گسترده‌ی خاک و کاهش بهره‌وری کشاورزی

- مهاجرت اجباری بدلیل غیر قابل سکونت شدن بخش‌هایی از کشور

- افزایش بیماری‌های تنفسی و هزینه‌های سلامت همزمان با افزایش میزان مرگ و میر در اثر بیماری‌های زودرس

### ۵- از دست رفتن سرمایه‌ی انسانی؛ خروج نخبگان، نابودی آینده

اگر زیرساخت طبیعی پایه‌ی بقاست، سرمایه انسانی موتور حرکت است.

افزون بر میلیون‌ها نیروی متخصصی که هم اکنون در درون کشور از شرایط لازم برای استفاده از توانمندی‌های

دسته اصلی طبقه‌بندی کرد:

(الف) زیرساخت‌های طبیعی: شامل منابعی مانند آب، خاک، جنگل‌ها، تنوع زیستی و اقلیم.

(ب) سرمایه انسانی: شامل جمعیت، نیروی کار متخصص، آموزش‌دیده و سالم.

(ج) زیرساخت‌های مصنوعی: شامل شبکه‌های حمل‌ونقل، انرژی، ارتباطات، صنایع و خدمات عمومی.

حال ببینیم که جمهوری اسلامی با دو مؤلفه‌ی نخست—که اساس هر توسعه‌ای هستند—چه کرده است؟

### ۴- تخریب زیرساخت‌های طبیعی: فروپاشی یک سرمایه‌ی تاریخی

ایران یکی از متنوع‌ترین اکوسیستم‌های منطقه را



## دوباره می‌سازمت وطن



و شاهد دهه‌ها غفلت و نابودی است. پول ملی - نه فقط از نظر ارزش، بلکه از نظر عزت، سقوط کرد تا اینکه خود بقا به یک مبارزه روزانه تبدیل شد.

وقتی مردم برخاستند، وقتی حتی در اوج خستگی جرأت کردند که بگویند دیگر بس است. نه با درک، بلکه با گلوله روبرو شدند. خیابان‌ها به صحنه‌های سوگواری تبدیل شدند. مادران، فرزندان خود را دفن کردند. پدران سکوت را در چشمان خود حمل می‌کردند. نسلی آموخت که درخواست آزادی می‌تواند به قیمت همه چیزشان تمام شود. و هنوز هم، صاحبان قدرت از ویرانی سخن می‌گویند.

می‌گویند اگر سقوط کنند، کشور را پشت سر خود خواهند سوزاند - که چیزی جز خاکستر از خود به جا خواهند گذاشت تا هیچ آینده‌ای نتواند طلوع کند. این تهدیدی است که نه از قدرت، بلکه از ترس زاده شده است. اعتراضی به اینکه آنها به مردم تعلق ندارند و هرگز واقعا چنین نکرده‌اند. اما آنها اشتباه می‌کنند.

زیرا در زیر همه‌ی این رنج‌ها، چیزی نشکن باقی مانده است. این در قلب کسانی زندگی می‌کند که از فراموش کردن امتناع می‌کنند. در شجاعت آرام کسانی که وقتی امید غیرممکن به نظر می‌رسد، همچنان امیدوارند. در دستان کسانی که می‌سازند، حتی زمانی که همه چیز در اطرافشان از هم پاشیده است. اینها نگاهبانان واقعی میهن هستند، نه کسانی که از طریق ترس حکومت می‌کنند، بلکه کسانی که آن را به اندازه‌ی کافی دوست دارند که برای آن تحمل کنند. آنها نبضی هستند که همچنان می‌تپد.

آنها آتش زیر خاکستر هستند. و من، مهم نیست این تاریخ چقدر سنگین باشد، مهم نیست زخم‌ها چقدر عمیق باشند، در کنار آنها می‌ایستم. من متعهد به بازسازی میهنم هستم. نه به این دلیل که رنج آن را ندیده‌ام، بلکه به این دلیل که دیده‌ام. نه به این دلیل که از درد آن بی‌خبرم، بلکه به این دلیل که آن را در درون خود حمل می‌کنم. و چون با اطمینان می‌دانم که هیچ استبدادی نمی‌تواند آن را پاک کند، یک ملت حاکمانش نیستند، مردمش هستند. و مردمی که هنوز جرأت دارند امیدوار باشند، مقاومت کنند و سرزمین خود را دوست داشته باشند... نمی‌توانند نابود شوند. حتی اگر همه چیز دیگر از دست برود، حتی اگر هزینه‌ی آن غیرقابل تحمل باشد، ما دوباره برخواهیم خاست.

● **روایتی از سرزمینی که در سایه ترس و ویرانی فرسوده شد، اما در دل مردمانش هنوز امید به برخاستن زنده است**

**خلیل نیک خصال** - زمانی بود که وطنم با وقاری آرام نفس می‌کشید، زمانی که امید مانند نسیمی ملایم در خیابان‌هایش جریان داشت و زندگی، اگرچه هرگز کامل نبود، اما حس هدفمندی را به همراه داشت. مردم به یکدیگر اعتماد داشتند. آنها می‌ساختند، رؤیا می‌دیدند، تعلق داشتند. زنان آزادانه راه می‌رفتند، می‌توانستند بدون ترس انتخاب کنند، ابراز وجود کنند و وجود داشته باشند. کار، خنده و حس شکننده اما واقعی از فردا وجود داشت. سپس، وعده‌ای نازل شد، پوشیده در زبان آسمان. وقتی جمهوری اسلامی به قدرت رسید، بسیاری معتقد بودند که فرشته‌ای از راه رسیده است. آنها با ایمان، اشتیاق و معصومیت مردمی که می‌خواستند به چیزی بزرگتر از خودشان ایمان داشته باشند، از آن استقبال کردند. اما آن فرشته نوری نیاورد. سایه‌ای چنان گسترده انداخت که کل یک ملت را در خود فرو برد.

آنچه در پی آمد، رستگاری نبود، بلکه غم و اندوه بود. با خون شروع شد. خانه‌ها گرفته شد. جان‌ها در هم شکست. کسانی که صحبت می‌کردند ساکت شدند و کسانی که مقاومت می‌کردند، پاک شدند. ترس در هر گوشه‌ای از زندگی روزمره نفوذ کرد تا جایی که دیگر نیازی به پنهان شدن نبود. ترس به زبان بقا تبدیل شد. اعتماد، که زمانی پایه و اساس جامعه بود، به سوءظن تبدیل شد. همسایه‌ها از هم دور شدند. صداها ساکت شدند. قلب‌ها سنگین شدند و با این حال، تاریکی عمیق‌تر شد. زنان، که زمانی آزاد بودند تا راه خود را انتخاب کنند، تحقیر، کنترل و قضاوت شدند. اقلیت‌ها نه بخاطر کاری که انجام داده بودند، بلکه بخاطر آنچه بودند، شکار می‌شدند. ایمان به سلاح تبدیل شد. هویت به جرم تبدیل شد. زندان‌ها پر شدند، قیرها تکثیر شدند و صدای مردم در سکوتی طنین‌انداز شد که جهان آن را اغلب نادیده می‌گرفت. حتی زمین نیز شروع به سوگواری کرد.

رودخانه‌هایی که زمانی حامل زندگی بودند، اکنون خالی شده‌اند، مانند رگ‌هایی که از خون خالی شده‌اند. دریاچه‌ها خشک شده‌اند. به نظر می‌رسد خود زمین نیز سوگواری است

خود بهره‌مند نیستند؛ طبق گزارش‌های صندوق بین‌المللی پول، ایران در زمره کشورهای دارای بالاترین نرخ «فرار مغزها» قرار دارد. تخمین‌ها نشان می‌دهد: - سالانه بین ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار نیروی تحصیل‌کرده از کشور خارج می‌شوند - بیش از ۶۰٪ دانشجویان دانشگاه‌های برتر تمایل به مهاجرت دارند (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس) - هشدارهای مکرر دربار «سونامی مهاجرت پزشکان» از سوی سازمان نظام پزشکی کشور منتشر شده است این پدیده، صرفاً یک مسئله اجتماعی نیست؛ بلکه به معنای بلااستفاده ماندن نیروی انسانی در داخل کشور و یا انتقال مستقیم سرمایه‌ی انسانی به اقتصادهای رقیب است. کشورهایی که این نیروها را جذب می‌کنند، بدون پرداخت هزینه‌ی آموزش، از بهره‌وری آنها برای ساختن زیرساخت‌هایشان سود می‌برند - در حالی که ایران، هزینه را پرداخته اما بازدهی را از دست داده است.

### ۶- مقایسه‌ای که مغفول مانده است

آیا زیرساخت‌های مصنوعی (که امروز تخریب آن‌ها مایه اندوه ماست) در مقایسه با آنچه طی ۴۷ سال از دست داده‌ایم، قابل قیاس است؟

تجربه کشورهایی مانند ژاپن و آلمان نشان می‌دهد که حتی پس از ویرانی کامل زیرساخت‌های فیزیکی در جنگ جهانی دوم، بازسازی ممکن است، به شرط وجود سرمایه انسانی کارآمد و حکمرانی عقلانی.

ایران، بر خلاف این کشورها، هم از منابع طبیعی غنی برخوردار است و هم (هنوز) از سرمایه انسانی قابل توجه در داخل و خارج کشور. اما با تداوم رژیم کنونی، هر دو بطور همزمان از دست خواهد رفت و لذا آنچه که برای کشور ما باقی خواهد ماند یک تهدید جدی برای بقای موجودیتی و تمدنی ست.

### ۷- جمع‌بندی: جنگ، نتیجه‌ی یک مسیر

هیچ جنگی بدون سابقه و خلق‌الساعه نیست. آنچه امروز شاهد آن هستیم نیز، یک «حادثه‌ی ناگهانی» نیست؛ بلکه نتیجه‌ی منطقی و قابل پیش‌بینی یک الگوی حکمرانی ایدئولوژیک است.

این جنگ، خواست مردم ایران نبوده است. مردم ایران، نه آغازگر این مسیر بوده‌اند و نه ذی‌نفع آن. کشور ما در میانه‌ی آتشی قرار گرفته که جمهوری اسلامی آن را برافروخته و برغم سالها مماشات، خویشتنداری و هشدار جامعه‌ی جهانی، پیوسته و با خیره‌سری بر این آتش دمیده است، و همچنان نیز برآنست تا به بهای ویرانی ایران، بر ادامه‌ی آن اصرار ورزد. در چنین شرایطی، تمرکز صرف بر مرثیه‌سرایی برای تخریب «زیرساخت‌های فیزیکی»، بدون توجه به تخریب عمیق‌تر و طولانی‌مدت زیرساخت‌های طبیعی و انسانی، و بی‌توجهی به پیامدهای ادامه‌ی حیات این رژیم ایرانسوز، اگر نگوئیم بازی ناخواسته در زمین جمهوری اسلامی است، نوعی فقدان آینده‌نگری تحلیلی است.

مسئله اصلی، نه فقط آن چیزی است که امروز در حال ویران شدن است، بلکه آن است که طی دهه‌ها از دست رفته، و نیز آنچه در صورت تداوم این مسیر، از دست خواهد رفت.

در چنین شرایطی آیا باید همچنان با روایت رسمی هم‌صدا شد و با روضه‌ی «واعظان» برای انهدام «زیرساخت‌ها» مویه کرد، یا باید به دنبال راهی برای درمان این سرطان کشنده گشت؟

## چه چیزی در ایران ویران شد که با پول برمی‌گردد؟



میان آنان هزاران دانشجو، پزشک، پرستار، مهندس، هنرمند، کارگر ماهر و نیروی آموزش‌دیده بوده‌اند؛ یعنی همان‌هایی که باید چرخ کشور را می‌گرداندند. هر یک از این افراد، اگر به بیرون از کشور بروند و همان‌جا جذب کار و نهادهای آن جامعه شود، در عمل بخشی از زیرساخت انسانی ایران را نیز با خود برده است. داده‌های پژوهشی و بین‌المللی نیز از تداوم مهاجرت نیروهای آموزش‌دیده ایرانی، از جمله پزشکان، پرستاران و دانشجویان، حکایت دارد. و در خصوص کشتارها و اعدام‌ها و کور کردن زنان و دختران و جوانان ما، اینجاست که مسئولیت جمهوری اسلامی روشن می‌شود. این فرسایش، تصادفی و ناگهانی نبوده است.

محصول ۴۷ سال حکمرانی‌ای است که نه به نیروی انسانی آزادی داده، نه امنیت، نه افق روشن. در درون کشور، با اعدام، زندان، سرکوب، تحقیر، فساد و بستن راه‌های رشد، جامعه را فرسوده کرده است و در بیرون از مرزها نیز با سیاست‌های ایدئولوژیک، صدور بحران، دخالت در کار کشورهای دیگر، دشمن‌تراشی، شعارهای نابودگرانه و کشتاندن ایران به میدان‌های پرهزینه، آتش تنش را بالاتر برده و کشور را ناخواسته در معرض بحران‌ها و درگیری‌هایی قرار داده که بار اصلی آن بر دوش مردم ایران افتاده است. نتیجه این شده که همان انسانی که باید سرمایه ملی باشد، یا کشته شده، یا شکسته شده، یا رانده شده، یا رفته است.

پس وقتی می‌پرسیم «چه چیزی در ایران ویران شد که با پول برمی‌گردد؟» پاسخ فقط این نیست که بخشی از اقتصاد یا صنعت ضربه خورده است. پاسخ عمیق‌تر و دردناک‌تر است: «زیر ساخت سرمایه انسانی ایران ویران شده است.» جاده را می‌شود دوباره ساخت. پتروشیمی را می‌شود دوباره تعمیر کرد. پل را می‌شود از نو بالا برد. اما برای اینکه همین‌ها دوباره ساخته شوند، باید مهندس باشد، کارگر ماهر باشد، تکنسین باشد، پزشک باشد، آموزگار باشد، مدیر سالم باشد و نسلی باشد که هنوز امید و توان ساختن داشته باشد. بزرگ‌ترین زیانی که جمهوری اسلامی به ایران زده، فقط ویرانی دیوارها و فرسودگی اقتصاد نیست. بزرگ‌ترین زیان، سوزاندن همان انسان‌هایی است که باید ایران را دوباره می‌ساختند.

اما ساختن یک انسان، بطور مثال یک مهندس آموزش‌دیده، کارآمد و باتجربه، یک روند طولانی است. از کودکی تا آموزش، از آموزش تا مهارت، و از مهارت تا پختگی، اغلب بیست و پنج تا سی سال زمان لازم است تا یک انسان به نیروی مؤثر اجتماعی و حرفه‌ای بدل شود. پس هر جوانی که از میان می‌رود، فقط یک تن نیست؛ چند دهه زمان انباشته‌ی یک ملت است که می‌سوزد. اقتصاد، صنعت، درمان، آموزش و حتی بازسازی خرابی‌های جنگ نیز بدون همین سرمایه انسانی پیش نمی‌رود.

از همین رو، اختلاف بر سر اینکه شمار قربانیان دقیقاً چند هزار تن بوده، اصل بحث را عوض نمی‌کند. گزارش‌های مربوط به سرکوب ژانویه ۲۰۲۴ (دی ۱۴۰۴) متعارض‌اند: دولت ایران رقم پایین‌تری را پذیرفته، در حالی که عفو بین‌الملل از رسیدن شمار کشته‌ها به هزاران تن در ۱۸ و ۱۹ دی ۱۴۰۴، سخن گفته و منابع دیگر ارقام بسیار بالاتری را مطرح کرده‌اند. دفتر حقوق بشر سازمان ملل نیز گفته است که بدلیل قطع اینترنت و محدودیت شدید اطلاعات، ابعاد نهایی فاجعه هنوز محل بررسی است.

اما حتی اگر از پایین‌ترین فرض‌ها شروع کنیم، باز هم نتیجه هولناک است.

اگر فقط ۵۰۰۰ نفر را مبنا بگیریم و برای ساخته شدن هر انسان ۲۵ تا ۳۰ سال زمان در نظر بگیریم، یعنی ۱۲۵ تا ۱۵۰ هزار سال انسانی از میان رفته است. اگر این برآورد را ۲۰ هزار نفر بگیریم، این عدد می‌شود ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار سال انسانی.

و اگر کسانی که ارقام بالاتری مانند ۳۰ هزار نفر را مطرح می‌کنند درست بگویند، آنگاه ما با ۷۵۰ تا ۹۰۰ هزار سال انسانی سوخته روبرو هستیم. این همان نکته‌ای است که برای جامعه‌ی ما اهمیت دارد. ما فقط درباره‌ی مرگ چند هزار نفر حرف نمی‌زنیم؛ ما درباره‌ی سوختن زمان تاریخی یک ملت یا زمان تولید یک سرمایه‌ی انسانی سخن می‌گوییم. همین منطق درباره‌ی رفتن نیروهای انسانی از کشور هم صادق است، منظور مهاجرین است، حتی اگر آمار دقیق آن همواره محل بحث باشد. مسئله این نیست که همگی کسانی که رفته‌اند نخبه بوده‌اند. مسئله این است که در

س.روزیه - زیرساخت یک کشور فقط جاده، پل و پالایشگاه نیست؛ زیرساخت فقط آن چیزی نیست که دیده می‌شود. گاهی مهم‌ترین زیرساخت، همان چیزی است که اگر از میان برود، همه‌چیز دیگر هم از کار می‌افتد.

پس باید از خود پرسید: اگر هزاران جوان یک کشور کشته شوند، زخمی شوند، زندانی شوند، ناچار به مهاجرت شوند یا از چرخه‌ی سازندگی بیرون رانده شوند، آیا فقط جمعیت کم شده است؟ یا بخشی از آینده‌ی آن کشور هم با آنها از میان رفته است؟

ویل دورانت نوشته بود که در ۳۴۲۱ سال تاریخ مکتوب بشر، از حدود تقریبی ۵۰۰۰ جنگ، تنها ۲۶۸ سال بدون جنگ گذشته است. این جمله فقط یادآوری می‌کند که جنگ پدیده‌ی تازه‌ای نیست. مردم جهان نیز خوب می‌دانند جنگ چه می‌کند: ویرانی، آوارگی، فقر، ترس، آشفتگی روانی و فروپاشی اجتماعی و... اما مسئله ایران فقط خود جنگ نیست. مسئله این است که در ایران، پیش از آنکه دیوارها فرو بریزند، انسان‌ها فرسوده و حذف شده‌اند.

برای روشن شدن بحث، باید زیرساخت را در سه لایه دید: (۱) زیرساخت فیزیکی: راه، پل، نیروگاه، پالایشگاه، بندر، بیمارستان، مدرسه و کارخانه.

(۲) زیرساخت اقتصادی و نهادی: تولید، اشتغال، سرمایه‌گذاری، آموزش، درمان، قانون، مدیریت و نظم اداری.

(۳) زیرساخت انسانی: دانشجو، پزشک، پرستار، مهندس، کارگر ماهر، آموزگار، پژوهشگر، هنرمند، تکنسین و هر انسانی که کشور را می‌سازد و می‌گرداند.

نکته اصلی همین جاست: اگر پالایشگاه آسیب ببیند، می‌توان آن را بازسازی کرد. اگر جاده ویران شود، می‌توان دوباره آسفالتش کرد. اگر ساختمانی فرو بریزد، می‌توان با پول و مصالح آن را دوباره بالا برد.

اما اگر انسانی که باید آن پالایشگاه را طراحی کند، آن جاده را بسازد، آن بیمارستان را اداره کند و آن کارخانه را بچرخاند از میان برود، دیگر با پول تنها نمی‌توان او را بازگرداند. ساختن یک ساختمان شاید چند ماه یا چند سال زمان ببرد،

## آرایش جنگی در بازار اجاره مسکن در ایران



است. این موضوع سبب شده ارقام اجاره به شکل فزاینده‌ای افزایش پیدا کند و مستأجرانی که ارزش واقعی درآمد آنها هر ساله کاهش پیدا کرده به دشواری بتوانند هزینه اجاره را پرداخت کنند.

برای نمونه در شرایطی روزنامه «دنیای اقتصاد» میانگین اجاره ماهانه یک واحد آپارتمانی با متراژ متوسط را حدود ۴۵ میلیون تومان اعلام کرده که رقم حداقل دستمزد کارگران در سال جدید کمتر از ۲۵ میلیون تومان در ماه است. همچنین بسیاری از کارمندان از جمله آموزگاران و پرستاران نیز دریافتی ماهانه‌ای کمتر از ۴۵ میلیون تومان در ماه دارند! امسال شرایط برای مستأجران دشوارتر از سالهای قبل شده است. قطع اینترنت سراسری در جریان اعتراضات دی ۲۰۲۴ و پنج هفته جنگ، سبب موجی از اخراج نیروی کار شده است. برخی پیش‌بینی‌ها از بیکار شدن بیش از دو میلیون نیروی کار در ایران حکایت دارد.

برخی کسب‌وکارها به علت قطع اینترنت در کشور ناچار به تعطیلی شدند و برخی کسب‌وکارها هم از رکود ناشی از شرایط جنگی متأثر شده و در نهایت تعطیل یا نیمه‌تعطیل شدند. همچنین آسیب‌دیدگی مجتمع‌های فولاد و پتروشیمی در چند شهر ایران سبب بیکاری چند هزار کارگر به طور مستقیم، شمار بیشتری از نیروی کار به طور غیرمستقیم شده است. با توجه به رکود اقتصادی ناشی از جنگ، چشم‌انداز مثبتی برای پیدا کردن شغل جدید وجود ندارد. از سوی دیگر پرداخت حقوق و دستمزد نیز در بسیاری از واحدهای تولیدی، صنعتی و خدماتی با تعویق روبرو است. رکود تورمی سبب شده میزان درآمد و سوددهی شرکت‌ها کاهش پیدا کند و نقدینگی کافی برای پرداخت به موقع دستمزد و مزایای شغلی نداشته باشند.

اینهمه سبب خواهد شد شهروندان بیشتری در سال جدید برای پرداخت اجاره‌بهای مسکن دچار مشکل باشند. دولت نیز که پیش از آغاز جنگ با کسری بودجه روبرو بود، در شرایط جنگ با بحران‌های مالی بیشتری روبرو است و در نتیجه بعید است بتواند طرح‌های حمایتی موثر و کارآمد برای حمایت از قشر مستأجر اجرا کند؛ روندی که در نهایت به گسترش فقر مسکن در ایران تبدیل خواهد شد.

کارشناسان آن را شکننده عنوان می‌کنند سبب تغییر سلیقه صاحبخانه‌ها برای دریافت ودیعه و اجاره ماهانه شده است. اغلب صاحبخانه‌ها در سالهای گذشته به علت هزینه بالای زندگی ترجیح می‌دادند رقم اجاره ماهانه بیشتری از مستأجران دریافت و سهم ودیعه را کاهش می‌دادند؛ اما پس از آغاز جنگ و در پی افزایش ناپایداری اقتصادی بسیاری از صاحبخانه‌ها طلب ودیعه بیشتری کرده و از سهم اجاره‌بهای ماهانه کم کرده‌اند.

رقم اجاره در ایران ترکیبی از نرخ به‌عنوان ودیعه و اجاره اس. ودیعه تا پایان مدت قرارداد به صورت امانت نزد صاحبخانه به امانت می‌ماند. معمولاً ارزش ملک به صورت ۷۰ درصد ودیعه و ۳۰ درصد اجاره ارزش‌گذاری می‌شود.

روزنامه «دنیای اقتصاد» در گزارشی درباره تغییر سهم ودیعه و اجاره، از اسفندماه و در پی وقوع جنگ نظامی میان جمهوری اسلامی با آمریکا و اسرائیل، توضیح داده «در اسفند ۱۴۰۴ ترکیب رهن و اجاره به شکل کم‌سابقه‌ای تغییر کرد؛ سهم ودیعه از کل اجاره‌بها از حدود ۷۰ درصد به ۸۰ درصد رسید و سهم اجاره ماهانه به ۲۰ درصد کاهش یافت. دلیل اصلی این تغییر افزایش ریسک بیکاری و نگرانی از ناتوانی مستأجران در پرداخت اجاره در شرایط جنگ عنوان شده است.» روزنامه «دنیای اقتصاد» افزوده میانگین ودیعه در بازار اجاره تهران حدود یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان و متوسط اجاره ماهانه حدود ۹ میلیون تومان برآورد شد که با تبدیل ودیعه به اجاره، متوسط اجاره پیشنهادی برای یک واحد میان‌متراژ ماهانه حدود ۴۵ میلیون تومان است.

از سوی دیگر اگر چه با آغاز جنگ و طی شش هفته گذشته رکود عمیقی در بازار مسکن ایجاد شده اما همچنان نرخ اجاره‌بهای مسکن در حال افزایش است.

روزنامه «دنیای اقتصاد» در اینباره نوشته با افزایش ۵۶ درصدی حداقل دستمزد در سال ۱۴۰۵، سهم اجاره ماهانه از حقوق یک کارگر متاهل با یک فرزند به حدود ۲۸ درصد رسیده که کمتر از حدود ۷۰ درصد سال قبل است.

تورم در بازار اجاره‌بهای مسکن طی سالهای گذشته در مقاطعی از تورم عمومی اقتصاد بالاتر بود و در آنسو هر ساله میزان افزایش دستمزدها نرخی کمتر از نرخ تورم داشته

● اغلب صاحبخانه‌ها در سالهای گذشته به علت هزینه بالای زندگی ترجیح می‌دادند رقم اجاره ماهانه بیشتری از مستأجران دریافت و سهم ودیعه را کاهش می‌دادند؛ اما پس از آغاز جنگ و در پی افزایش ناپایداری اقتصادی بسیاری از صاحبخانه‌ها طلب ودیعه بیشتری کرده و از سهم اجاره‌بهای ماهانه کم کرده‌اند.

● دلیل اصلی تمایل صاحبخانه‌ها به دریافت ودیعه بیشتر به جای اجاره ماهانه، افزایش ریسک بیکاری و نگرانی از ناتوانی مستأجران در پرداخت اجاره در شرایط جنگ عنوان شده است.

● میانگین ودیعه در بازار اجاره تهران حدود یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان و متوسط اجاره ماهانه حدود ۹ میلیون تومان برآورد شد که با تبدیل ودیعه به اجاره، متوسط اجاره پیشنهادی برای یک واحد میان‌متراژ ماهانه حدود ۴۵ میلیون تومان است.

● قطع اینترنت سراسری در جریان اعتراضات دی ۲۰۲۴ و پنج هفته جنگ، رکود ناشی از شرایط جنگی و آسیب‌دیدگی مجتمع‌های بزرگ صنعتی از جمله فولاد و پتروشیمی در شهرهای مختلف سبب موجی از اخراج نیروی کار شده است. برخی پیش‌بینی‌ها از بیکار شدن بیش از دو میلیون نیروی کار در ایران حکایت دارد.

● رکود ناشی از جنگ و قطع اینترنت، سبب خواهد شد شهروندان بیشتری در سال جدید برای پرداخت اجاره‌بهای مسکن دچار مشکل باشند و فقر مسکن در کشور گسترش یابد.

● دولت نیز که پیش از آغاز جنگ با کسری بودجه روبرو بود، در شرایط جنگ با بحران‌های مالی بیشتری روبرو است و در نتیجه بعید است بتواند طرح‌های حمایتی موثر و کارآمد برای حمایت از قشر مستأجر اجرا کند.

شرایط جنگی سبب تغییر ترکیب ودیعه و اجاره در بازار اجاره مسکن شده است. اغلب صاحبخانه‌ها تمایل دارند سهم بیشتری از رقم اجاره را به صورت ودیعه دریافت کنند. با پایان تعطیلات نوروزی، فصل جابجایی مستأجران در سال جدید خورشیدی آغاز شده است. شرایط جنگی و آتش‌بس موقت میان آمریکا و جمهوری اسلامی که بسیاری

# تداوم قطع سراسری اینترنت در ایران با وجود آتش‌بس موقت میان جمهوری اسلامی و آمریکا



● «نت بلاکس» نهاد ناظر بر اینترنت جهانی روز چهارشنبه ۱۹ فروردین ۱۴۰۵ اعلام کرده قطع گسترده اینترنت در ایران پس از حدود ۹۳۶ ساعت، وارد چهلمین روز خود شده است.

● بامداد چهارشنبه خبری از قول ستار هاشمی وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی منتشر شد مبنی بر اینکه اینترنت جهانی دو هفته پس از روشن شدن تکلیف نهایی جنگ وصل خواهد شد. رئیس مرکز روابط عمومی وزارت ارتباطات اما به‌طور رسمی این موضوع را تکذیب کرد و درخواست کرد مردم اخبار را از رسانه‌های رسمی دنبال کنند.

● مشخص نیست طی دو هفته آتش‌بس مشروط و موقت میان جمهوری اسلامی و ایالات متحده، آیا جمهوری اسلامی اینترنت طبقه‌بندی شده برای کسب و کارها را وصل خواهد کرد یا تصمیم دارد همچنان تا رسیدن به شرایط امنیتی پایدار قطع اینترنت را ادامه دهد.

● وزیر ارتباطات پیشتر اعلام کرده بود که ادامه قطع اینترنت روزانه حدود ۵ هزار میلیارد تومان به اقتصاد کشور و حدود ۵۰۰ میلیارد تومان به هسته اقتصاد دیجیتال خسارت وارد می‌کند.

قطع اینترنت در ایران وارد چهلمین روز شده است و با وجود آتش‌بس موقت میان آمریکا و جمهوری اسلامی، خبری درباره وصل دوباره اینترنت جهانی در ایران نیست و همچنان ده‌ها میلیون شهروند ایران به اینترنت دسترسی ندارند.

«نت بلاکس» نهاد ناظر بر اینترنت جهانی روز چهارشنبه ۱۹ فروردین ۱۴۰۵ اعلام کرده قطع گسترده اینترنت در ایران پس از حدود ۹۳۶ ساعت، وارد چهلمین روز خود شده است. بر اساس این گزارش، این محدودیت‌ها در شرایط جنگی همچنان ادامه دارد و دسترسی عمومی به اینترنت جهانی به‌شدت مختل شده است.

جمهوری اسلامی ساعاتی پس از آغاز جنگ با اسرائیل و آمریکا در نهم اسفندماه اینترنت جهانی را به صورت سراسری در ایران قطع کرد. قطع اینترنت جدا از تشدید فشارهای روانی ناشی از جنگ بر شهروندان، به‌علت بی‌خبری از اخبار و قطع شدن ارتباطات از طریق پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی، خسارت گسترده اقتصادی را نیز در پی داشته است.

اکنون در حالیکه نیمه‌شب گذشته دونالد ترامپ و مقامات جمهوری اسلامی از آتش‌بس موقت و دو هفته‌ای در جنگ خبر دادند اما همچنان مشخص نیست اینترنت جهانی چه زمانی قرار است در ایران وصل شود.

بامداد چهارشنبه خبری از قول ستار هاشمی وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی منتشر شد مبنی بر اینکه اینترنت جهانی دو هفته پس از روشن شدن تکلیف نهایی جنگ وصل خواهد شد. رئیس مرکز روابط عمومی وزارت ارتباطات اما به‌طور رسمی این موضوع را تکذیب کرد و درخواست کرد مردم اخبار را از رسانه‌های رسمی دنبال کنند.

با این‌همه به نظر نمی‌رسد در شرایطی که آتش‌بس جمهوری اسلامی با آمریکا شکننده است و با وجود آتش‌بس حملات محدودی از سوی اسرائیل و جمهوری اسلامی جریان داشته

میلیون نفر برآورد می‌کنند.»

روزنامه «دنیای اقتصاد» افزوده آسیب به صنایع بزرگی مانند فولاد نیز اشتغال مستقیم و غیرمستقیم را تحت‌تأثیر قرار داده است؛ برای مثال آسیب به یکی از بزرگ‌ترین مجتمع‌های فولادی حدود ۲۰ هزار شغل مستقیم و بیش از ۵۰ هزار شغل غیرمستقیم را در معرض خطر قرار داده است.

روزنامه «شرق» روز گذشته از موج بیکاری گسترده در میان روزنامه‌نگاران به علت مشکل تأمین مالی و تعطیلی روزنامه‌ها و مجلات در ایران خبر داده بود.

بیش از ۱۰۰ نفر از کارکنان یکی از بزرگ‌ترین رسانه‌های خصوصی اخراج شدند و همزمان رسانه‌هایی مانند «پیام ما» و «شبکه آفتاب» نیز متوقف شدند.

همچنین بر اساس این گزارش روزنامه «هم‌میهن» که پیش‌تر در پی برخورد قضایی توقیف شده بود، در روزهای پایانی سال نیز از انتشار بازماند. در کنار این موارد، گزارش‌هایی از عدم پرداخت حقوق و عیدی در برخی رسانه‌ها منتشر شده است.

در این میان، روزنامه «دنیای اقتصاد» حدود ۷۰ درصد از کارکنان خود را تعدیل کرده و تعداد صفحات انتشار آن نیز کاهش یافته است.

«شرق» می‌نویسد فعالان رسانه‌ای این روند را ناشی از کاهش درآمدهای تبلیغاتی و فشارهای اقتصادی می‌دانند و هشدار می‌دهند که چنین تصمیماتی ممکن است به الگویی برای سایر رسانه‌ها تبدیل شده و بحران اشتغال در این حوزه را تشدید کند.

اکنون مشخص نیست طی دو هفته آتش‌بس مشروط و موقت میان جمهوری اسلامی و ایالات متحده، آیا جمهوری اسلامی اینترنت طبقه‌بندی شده برای کسب و کارها را وصل خواهد کرد یا تصمیم دارد همچنان تا رسیدن به شرایط امنیتی پایدار قطع اینترنت را ادامه دهد.

است، اینترنت سراسری در ایران وصل شود. در آنسو خسارت گسترده ناشی از قطع اینترنت همچنان بیش از همه دامن شهروندان و صاحبان کسب‌وکارها در بخش خصوصی را می‌گیرد.

ستار هاشمی وزیر ارتباطات روز دوشنبه سوم فروردین‌ماه ۱۴۰۴ با اشاره به ابعاد سنگین خسارت قطع اینترنت در ایران گفت که ادامه قطع اینترنت روزانه حدود ۵ هزار میلیارد تومان به اقتصاد کشور و حدود ۵۰۰ میلیارد تومان به هسته اقتصاد دیجیتال خسارت وارد می‌کند.

همزمان در هفته نخست فروردین خبری درباره اتصال دوباره و محدود اینترنت برای کسب‌وکارهای زیر نظر اتاق بازرگانی منتشر شد اما همچنان کسب‌وکارها از عدم دسترسی به اینترنت و تداوم خسارت اقتصادی خبر می‌دهند.

روزنامه «شرق» روز چهارشنبه ۱۹ فروردین در گزارشی به موج بیکاری شاغلان در پی جنگ و قطع سراسری اینترنت پرداخته و نوشته «مشاغل متنوعی از مهمانداران هواپیما و خبرنگاران گرفته تا فروشنده‌گان کتاب و مهندسان شرکت‌های فناوری، تحت تأثیر شرایط بحران، شغل خود را از دست داده‌اند و بسیاری از آن‌ها حقوق و عیدی خود را دریافت نکرده‌اند.»

روزنامه دنیای اقتصاد نیز در گزارشی به موج بیکاری اشاره کرده و نسبت به بیکاری بیش از دو میلیون نیروی شاغل در ایران در پی قطع سراسری اینترنت و شرایط جنگ هشدار داده است.

«دنیای اقتصاد» نوشته «تجربه جنگ ۱۲ روزه بهار ۱۴۰۴ نشان داد که نااطمینانی جنگی، قطع اینترنت و اختلال در فعالیت بنگاه‌ها موجب تعدیل نیرو شد و حدود ۶۵۰ هزار نفر شغل خود را از دست دادند.»

این گزارش افزوده «با طولانی‌تر شدن درگیری‌ها، تداوم قطعی اینترنت و آسیب به صنایع بزرگ، خطر افزایش بیکاری بیشتر شده و برخی کارشناسان آن را بیش از ۲

# ریزش قیمت نفت و رشد بازارهای جهانی با اعلام آتش‌بس دو هفته‌ای میان آمریکا و جمهوری اسلامی



اینکه شاخص بازار سهام «کاسپی» کره جنوبی نیز افزایشی هفت درصدی را در ساعات گذشته تجربه کرده است. علت کاهش سریع قیمت نفت و رشد بازارهایی مانند بازار طلا و رمزارز در پی کاهش انتظارات تورمی معامله‌گران و کاهش ریسک‌های سیاسی و اقتصادی در منطقه و جهان، در پی اعلام آتش‌بس در جنگ خاورمیانه است با اینهمه وضعیت بازارها همچنان تا روشن شدن تکلیف نهایی جنگی که حدود شش هفته گذشته در منطقه خاورمیانه در جریان بود، ناپایدار خواهند بود. در همین رابطه خبرگزاری «بلومبرگ» نوشته اعلام توافق جمهوری اسلامی و ایالات متحده برای آتش‌بس دو هفته‌ای اگر چه سبب کاهش قیمت نفت و رشد بازارها شده اما هنوز مسائل کلیدی را حل‌نشده باقی گذاشته است. تحلیلگران معتقدند که تثبیت آتش‌بس می‌تواند این روند اصلاحی را ادامه دهد، اما هر تغییر احتمالی در شرایط سیاسی ممکن است بازار انرژی را دوباره متلاطم کند. آثار اقتصادی جنگ خاورمیانه طی نخستین روزها با افزایش قیمت نفت نمایان شد و با رشد سریع قیمت سوخت، تورم جهانی روندی افزایشی پیدا کرد و رشد اقتصادی در بسیاری کشورها متأثر شد و کاهش یافت. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ساعاتی پس از آغاز حملات نظامی اسرائیل و آمریکا در نهم اسفند تنگه هرمز را مسدود کرد. از سوی دیگر حملات پی‌درپی جمهوری اسلامی به زیرساخت‌های انرژی و سوخت در کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز سبب کاهش یا حتی صفر شدن تولید نفت در دوره ۴۰ روزه جنگ خلیج فارس شده بود. در ماه گذشته صادرات نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی از کشورهای حوزه خلیج فارس به شدت کاهش یافته و بحرانی جهانی در تأمین سوخت و انرژی ایجاد کرده است. قیمت سوخت در بسیاری کشورها با افزایش روبرو شده و همزمان تولید در کشورهای صنعتی به‌علت محدودیت در تأمین سوخت با چالش روبرو شده است.

فروردین ۱۴۰۵ به وقت شرق آسیا، قیمت هر بشکه نفت برنت با کاهش ۱۴ درصدی به ۹۳ دلار کاهش یافت. در ۴۰ روز گذشته و همزمان با جنگ خاورمیانه قیمت هر بشکه نفت برنت تا مرز ۱۲۰ دلار در هر بشکه افزایش یافته بود. قیمت نفت سبک امارات، موربان، نیز با کاهش ۱۹ درصدی روبرو شد؛ شاخصی که برای قیمت‌گذاری نفت حوزه خلیج فارس کاربرد دارد و نوسانات قیمت آن بسیار بیشتر از دیگر شاخص‌های نفتی، به تنگه هرمز مربوط است. همچنین هر بشکه نفت وست تگزاس اینترمدیت ساعتی پس از اعلام آتش‌بس به حدود ۱۰۵ دلار رسید. همزمان ارزش دلار به پایین‌ترین سطح دو هفته اخیر سقوط کرد و ارزیابی مانند یورو، ین ژاپن و دلار استرالیا تقویت شدند. بازار طلا نیز که پیش‌تر در محدوده ۴۷۰۵ تا ۴۷۳۰ دلار معامله می‌شد، با انتشار خبر آتش‌بس رشدی سریع را تجربه کرد و قیمت هر اونس طلا در بازارهای جهانی به به ۴۷۷۵ دلار رسید. این افزایش پرسرعت نشان می‌دهد همچنان طلا از دید سرمایه‌گذاران به عنوان یکی از سرمایه‌های امن در شرایط کنونی اقتصاد جهان ارزیابی می‌شود. در همین رابطه خبرگزاری «رویترز» به نقل از تحلیلگران تأکید کرده که طلا همچنان نقش سنتی خود را به عنوان دارایی امن حفظ کرده و هر تغییر کوچک در فضای سیاسی می‌تواند جهت حرکت قیمت‌ها را به سرعت تغییر دهد. بازارهای جهانی سهام نیز واکنش مثبتی به توافق آمریکا و جمهوری اسلامی برای آتش‌بس نشان دادند. جهش شاخص کل بازارهای سهام آسیایی بسیار بالاتر بوده است؛ کشورهای ۸۴ درصد نفت و گاز مایع عبوری از تنگه هرمز راهی این بازارها می‌شود. شاخص بازارهای سهام «توکیو» ژاپن، «نیفتی ۵۰» هند، به همراه شاخص بازار شانگهای چین در نخستین ساعات بامداد چهارشنبه ۱۸ فروردین و همزمان با اعلام خبر آتش‌بس جهشی بین سه تا پنج درصدی داشتند. قابل توجه

● پس از اعلام آتش‌بس دو هفته‌ای و آزاد شدن تردد نفتکش‌ها از تنگه هرمز در بامداد روز چهارشنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۵ به وقت شرق آسیا، قیمت هر بشکه نفت برنت با کاهش ۱۴ درصدی به ۹۳ دلار کاهش یافت. در ۴۰ روز گذشته و همزمان با جنگ خاورمیانه قیمت هر بشکه نفت برنت تا مرز ۱۲۰ دلار در هر بشکه افزایش یافته بود. ● قیمت نفت سبک امارات، موربان، نیز با کاهش ۱۹ درصدی روبرو شد؛ شاخصی که برای قیمت‌گذاری نفت حوزه خلیج فارس کاربرد دارد و نوسانات قیمت آن بسیار بیشتر از دیگر شاخص‌های نفتی، به تنگه هرمز مربوط است. ● بازار طلا نیز که پیش‌تر در محدوده ۴۷۰۵ تا ۴۷۳۰ دلار معامله می‌شد، با انتشار خبر آتش‌بس رشدی سریع را تجربه کرد. ● شاخص بازارهای سهام «توکیو» ژاپن، «نیفتی ۵۰» هند، به همراه شاخص بازار شانگهای چین در نخستین ساعات بامداد چهارشنبه ۱۸ فروردین و همزمان با اعلام خبر آتش‌بس جهشی بین سه تا پنج درصدی داشتند. ● علت کاهش سریع قیمت نفت و رشد بازارهایی مانند بازار طلا و رمزارز در پی کاهش انتظارات تورمی معامله‌گران و کاهش ریسک‌های سیاسی و اقتصادی در منطقه و جهان، در پی اعلام آتش‌بس در جنگ خاورمیانه است با اینهمه وضعیت بازارها همچنان تا روشن شدن تکلیف نهایی جنگی که حدود شش هفته گذشته در منطقه خاورمیانه در جریان بود، ناپایدار خواهند بود.

ساعتی پس از اعلام آتش‌بس موقت و دو هفته‌ای میان ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی در جنگ خاورمیانه، قیمت نفت با کاهش ۱۴ درصدی روبرو شد و بازارهای جهانی از جمله بازار رمزارزها با رشد روبرو شد. پس از اعلام آتش‌بس دو هفته‌ای و آزاد شدن تردد نفتکش‌ها از تنگه هرمز در بامداد روز چهارشنبه ۱۹



ترامپ: از طریق احزاب گرد برای معترضان ایرانی سلاح فرستادیم؛ احزاب گرد: هیچ سلاحی دریافت نکردیم!



جمهوری اسلامی علی فهمید از بازداشت شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ را اعدام کرد



ترامپ خطاب به جمهوری اسلامی: یک تمدن کامل امشب از بین خواهد رفت



شاهزاده رضا پهلوی به سرداران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: نظام فاسد جمهوری اسلامی رفتنی است و انتخاب شما میان بقا و سقوط نیست بلکه میان چگونه سقوط کردن است!



شاهزاده رضا پهلوی: جسدالشعبی و دیگر شبه‌نظامیان عراقی، نیروی متجاوز و اشغالگرند و باید از خاک پاک ایران بیرون رانده شوند



تبریک ناتایاهو به ترامپ برای نجات خلبان‌ها؛ می‌دانیم چه تصمیم شجاعانه‌ای گرفتی



جمهوری اسلامی مجوز عبور کشتی‌های حامل «کالاهای اساسی و بشردوستانه» از تنگه هرمز را صادر کرد



در شرایط جنگ و قطع اینترنت: موج بیگاری و اخراج نیروی کار در ایران با پایان تعطیلات نوروزی



تحلیل سیاسی روز؛ صلح پایدار در گرو سقوط حکومت «عصر حجر»  
الاهه بقرات



بنیاده سپاه پاسداران: طی ۱۲ ساعت دو جنگنده F-۳۵ آمریکا را منهدم کردیم



روزنامه «دبلی‌میل»: آموزش نفرت به کودکان در اردوگاه‌های سپاه پاسداران، «فرقه مرگ» برای حفظ نظام خشونت ترویج می‌کند



آزادی بسیار نزدیک است



هدفگیری تأسیسات مجتمع پتروشیمی پارس جنوبی در عسلویه



مریم اکبری منفرد آزاد شد



جنگ در خاورمیانه؛ افزایش ۲/۴ درصدی قیمت جهانی موادغذایی در یک ماه



هشدار مجمع جهانی اقتصاد درباره اثرات بسته بودن تنگه هرمز بر عرضه جهانی ۱۰ کالای مهم و کاربردی



بلومبرگ: هیچ تضمینی برای ادامه آتش‌بس موقت میان آمریکا و جمهوری اسلامی وجود ندارد



کشته شدن حسین غاوی در بازداشتگاه سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی



در ادامه موج اعدام زندانیان سیاسی، ابوالحسن منتظر و وحید بنی‌عامریان «اعدام» شدند



جمهوری اسلامی محمدامین بیگلری و شاهین واحدپرست، از بازداشت‌شدگان دی ۴۰۴ را اعدام کرد



انسان به دورترین فاصله از زمین رسید؛ رکوردی تاریخی شکسته شد



پاکستان، حمله جمهوری اسلامی به تأسیسات انرژی عربستان را محکوم کرد



ریزش قیمت نفت و رشد بازارهای جهانی با اعلام آتش‌بس دو هفته‌ای میان آمریکا و جمهوری اسلامی



هدفگیری تأسیسات نفتی در سبیری و لاوان



تداوم قطع سراسری اینترنت در ایران با وجود آتش‌بس موقت میان جمهوری اسلامی و آمریکا



نجات دومین خلبان آمریکایی در ایران؛ ترامپ: یکی از جسورانه‌ترین عملیات‌های تاریخ آمریکا بود



توافق آمریکا و جمهوری اسلامی برای «دو هفته آتش‌بس»



واشنگتن پست: ضرب‌الاجل ترامپ و حمله به خارک؛ تهدید به نابودی یک «تمدن»



دونالد ترامپ: جمهوری اسلامی می‌تواند در یک شب از بین برود



ترامپ خطاب به فرماندهان سپاه: حرامزاده‌های دیوانه، تنگه لختی را باز کنید



جمهوری اسلامی رکورددار طولانی‌ترین دوره قطع اینترنت در مقیاس جهانی شد



موج بحران‌های بی‌سابقه در مطبوعات ایران؛ ده‌ها روزنامه‌نگار بیکار شدند



روزنامه «تلگراف»: چین در حال تأمین سوخت موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی است



شرایط جنگی؛ تمديد کاهش ظرفیت فعالیت ادارات استان تهران



فایننشال تایمز: بریتانیا در تدارک ائتلاف بین‌المللی برای تأمین امنیت «تنگه هرمز» پس از جنگ



ارزیابی اطلاعاتی آمریکا: جمهوری اسلامی به این زودی تنگه هرمز را باز نخواهد کرد



لغو اقامت دختر و داماد علی لاریجانی در آمریکا



اخراج کاردار سفارت جمهوری اسلامی از آرژانتین



دو آموزگار فرانسوی زندانی در ایران عازم پاریس شدند



صدور دستور توقیف اموال بیش از ۱۰۰ شهروند ایرانی ساکن خارج از کشور



هر دو خلبان آمریکایی که هواپیمای آنها در ایران سقوط کرد، نجات یافتند



تایمز: مجتبی‌خامنه‌ای در بیهوشی کامل؛ جمهوری اسلامی در بحران رهبری



نزدیک شدن ضرب‌الاجل ترامپ؛ کاهش امید به توافق و نقش پررنگ وحیدی



اژه‌ای خواستار صدور «سریخ» احکام مصادره اموال و اعدام علیه شهروندانی شد که آنها را «عوامل دشمن» خواند



مجدد خادمی رئیس سازمان اطلاعات سپاه (ساس) کشته شد



سقوط یک هواپیمای «اف-۱۸» آمریکا در ایران؛ جمهوری اسلامی و آمریکا هم‌زمان در جست‌وجوی دو خلبان



گفتگوی ویژه «کبهان لندن»: روایت یک روحانی منتقد از زندگی و مسیر سیاسی مجتبی‌خامنه‌ای



امام جمعه اهواز می‌خواهد دشمنان را «تنبیه» و «پشیمان» کند!



فشار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای حضور کارگران در بالایشگاه‌های بمباران شده پارس جنوبی با وجود شرایط جنگی و پرخطر





## عکس هفته | افزایش آمار اعدام زندانیان سیاسی در شرایط جنگی

پس از آغاز جنگ آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی، از هفته دوم اسفندماه ۱۴۰۴، سرکوب شهروندان توسط نهادهای قضایی و امنیتی حکومت شدت یافته است. شرایط جنگی هم نتوانست ماشین اعدام جمهوری اسلامی را متوقف کند و اجرای احکام اعدام سرعت گرفت. طی پنج هفته گذشته ۱۴ زندانی سیاسی اعدام شدند. تصویر: امیرحسین حامی نوجوان ۱۸ ساله و از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ در تهران روز پنجشنبه ۱۳ فروردین اعدام شد.